



کتاب معلم

رهنمای تدریس

تفسیر شریف

صنف ۱۱



سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ. ش.



سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی	دا وطن افغانستان دی
هر بچی یې قهرمان دی	کور د سولې کور د تورې
د بلوڅو د ازبکو	دا وطن د ټولو کور دی
د ترکمنو د تاجکو	د پښتون او هزاره وو
پامیریان، نورستانیان	ورسره عرب، گوجر دي
هم ایماق، هم پشه پان	براهوي دي، قزلباش دي
لکه لمر پر شنه آسمان	دا هېواد به تل ځلېږي
لکه زړه وي جاویدان	په سینه کې د آسیا به
وایو الله اکبر وایو الله اکبر	نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

کتاب معلم
رهنمای تدریس تفسیر شریف
صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ. ش.

مشخصات کتاب

مضمون: رهنمای تدریس تفسیر شریف

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دیپارتمنت تعلیم و تربیه اسلامی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم

زبان: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۹ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان محفوظ

است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد قانونی صورت می‌گیرد.



پیام وزیر معارف

اقراً باسم ربك

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویدا است، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می نمایند. در چنین برهه سرنوشت ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می باشد.

از همین رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویتهای مهم وزارت معارف پنداشته می شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب های درسی و رهنمای تدریس در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، با استفاده از این رهنما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه های فردای کشور می خواهیم تا از فرصت ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این رهنمای تدریس مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن ها در این راه مقدس و انسان ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مرفعی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



فهرست

صفحه

عناوین

درس اول: (قسمت اول) دلایل وجود و وحدانیت خداوند تعالی در کاینات.....	۱۱
درس دوم: (قسمت دوم) دلایل وجود و وحدانیت خداوند تعالی در کاینات.....	۱۶
درس سوم: مراحل خلقت انسان در پرتو قرآن کریم.....	۱۸
درس چهارم: انسان ارزشمندترین آفریدگان الهی است.....	۲۳
درس پنجم: «آیه الکرسی» نقطه عروج قرآن.....	۲۷
درس ششم: زمین برای منفعت انسان.....	۳۳
درس هفتم: محبت خداوند ﷻ در پیروی پیغمبر ﷺ است.....	۳۷
درس هشتم: اسلام دین کامل و همه جانبه.....	۴۰
درس نهم: نماز فریضه همیشه گی و انقطاع ناپذیر.....	۴۴
درس دهم: جهاد عمده ترین راه پیروزی و اصلاح جامعه است.....	۴۹
درس یازدهم: روزه و فواید آن.....	۵۱
درس دوازدهم: حج یا کنگره جهانی مؤمنان.....	۵۴
درس سیزدهم: نیکی و احسان به دیگران.....	۵۶
درس چهاردهم: استفاده از رزق حلال و اجتناب از حرام.....	۵۹
درس پانزدهم: پاداش انفاق در راه خدا ﷻ.....	۶۲
درس شانزدهم: مساوات انسانی در قرآن کریم.....	۶۴
درس هفدهم: صفات بنده گان خاص خداوند ﷻ.....	۶۷
درس هجدهم: نقش مؤمنان در تهذیب جامعه.....	۶۹
درس نوزدهم: منزلت مؤمنان معیوب و فقیر در اسلام.....	۷۲
درس بیستم: وحدت و همبستگی مؤمنان.....	۷۵

سخنی چند با معلمان محترم

استادان گرانقدر!

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

واضح است که یک نهاد تعلیمی و تربیتی خوب باعث تشکیل یک جامعه خوب و مرفعی می گردد. جامعه خوب و مرفعی آن جامعه یی است که ارزشهای اسلامی و مزایای اخلاقی در آن رعایت گردیده باشد؛ زیرا با رعایت ارزشهای اخلاقی و هدایات الهی هویت اسلامی و ملی افراد جامعه محفوظ و مصون می ماند که این خود هدف اساسی و بنیادی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان است.

استادان گرامی!

برای اینکه اولاد وطن اشخاص مسلمان و برومند و برخوردار از سجایای دینی و آگاه از منافع اجتماعی، ملی و بین المللی و هم با روحیه و فرهنگ اصیل افغانی پرورش یابند و در رفتار، سلوک و ذهنیت ایشان اثر مثبت پدید آید، لازم است استادان محترم تدریس را مطابق شیوه ها و هدایات این رهنما که با زحمات دست اندر کاران ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی ترتیب و به میان آمده است به پیش برند.

این کتاب (رهنمای معلم) برای مضمون تفسیر صنف یازدهم ترتیب یافته است. ساختار رهنمای دروس طوری است که در آغاز عنوان درس با ذکر شماره و صفحه درس، تعیین و تقسیم ساعت درسی با ذکر هدف و معانی بعضی کلمات قابل توضیح در بعضی دروس درج گردیده، سپس با بیان شیوه و روش تدریس، معرفی مواد ممد درسی و فعالیت های معلم که در برگیرنده احوال پرسى، تنظیم صنف، گرفتن حاضری و فعالیت های مشترک میان معلم و شاگرد می باشد پرداخته شده است. در اخیر ارزیابی صورت گرفته و خلاصه درس و سپردن کار خانه گى به شاگردان توضیح گردیده است.

برای تدریس بهتر بعد از عنوان و مشخصات درس، دانش لازمی در راستای اعطای معلومات مزید پیرامون درس به معلم محترم ذکر گردیده است .

یک معلم خوب باید:

- _ تقوا، دیانت و اخلاق حمیده داشته باشد.
- _ دارای آرزوهای عالی باشد.
- _ اعتماد به نفس داشته باشد.
- _ شخصیت عالی داشته تحت تأثیر خواسته های دیگران نباشد.
- _ قادر به حفظ و آرامش حالت روانی و تنظیم وظایف خود باشد.
- _ شکیا بوده و از تحمل مشکلات هراس نداشته باشد.
- _ با شاگردان روابط نیک و حسنه داشته باشد.
- _ با انگیزه و زحمت کش بوده و پابند به وظیفه باشد.
- _ با علم و معرفت علاقمندی داشته باشد.
- _ وقت را غنیمت بشمارد.

- _ در تعلیم و تربیه شاگردان کوشا بوده در مطالعه و مذاکره از روش علمی استفاده نماید.
- _ زمینه‌های تطبیق درس را در زنده‌گی پیگیری نماید؛ یعنی دروس را بازنده‌گی ارتباط دهد.
- _ در جستجوی معلومات بیشتر باشد و از تجارب دیگران استفاده نماید.
- _ رسیده‌گی آن منحصر به درس نبوده بلکه همه جانبه باشد.
- _ در همه زمینه‌ها برای شاگردان سر مشق والگوی نیک باشد.

صفات یک شاگرد خوب

- ۱_ به معلم احترام گذاشته و با علاقمندی فراوان به سخنان معلم گوش فرا میدهد.
- ۲_ از پدر و مادر فرمانبرداری مینماید.
- ۳_ به وقت معین در مکتب و صنف حاضر میشود.
- ۴_ دروس خود را مطالعه نموده و وظایف خانگی را انجام دهد.
- ۵_ در همه اوقات امور نظافت و پاکیزه‌گی را رعایت می‌نماید.
- ۶_ نکات مهم درس را در هر ساعت درسی در کتابچه یاد داشت خود مینویسد.
- ۷_ به دیگران احترام می‌کند و دوستان خوب انتخاب می‌نماید.
- ۸_ به ادای نمازهای پنجگانه در جماعت پابندی نشان می‌دهد.
- ۹_ وسایل و ضروریات درسی را برای خود آماده می‌سازد، و در تهیه مواد مناسب درسی از رهنمایی معلم خود استفاده می‌نماید.
- ۱۰_ از اسراف اجتناب می‌ورزد و اعتدال و میانه روی در همه امور را پیشه خود می‌سازد.
- ۱۱_ از تقلیدهای بیجا و از تشابه نا مطلوب خود داری می‌کند.

پلان درسی

- پلان در لغت تدبیر، سنجش و تصمیم‌گیری برای اجرای یک کار را گویند و در اصطلاح پلان عبارت از طرح «نقشه» ذهنی است که برای انجام یک کار، فعالیت‌های آنرا تنظیم می‌نماید.
- پلان درسی عبارت از طرح یا نقشه ذهنی بوده که از طرف معلم تمام فعالیت‌های معلم و شاگردان که در یک ساعت درسی انجام می‌دهند بخاطر اجرا در آن درج شده باشد.

فواید عمده و وظایف پلان درسی

- _ ترتیب و تنظیم نمودن بهترین مواد و حل مطالب مغلق و پیچیده.
- _ استفاده از روش‌های مختلف در تدریس.
- _ سهیم گردانیدن شاگردان در فعالیت‌های درسی.
- _ معلم محترم می‌تواند به اطمینان خاطر تدریس نماید تا برای شاگردان موثر واقع گردد.
- _ پلان و تدریس خوب معلم را به هدف می‌رساند.

توضیح محتویات راهنمای معلم

۱_ اصطلاحات

اصطلاحات جمع اصطلاح کلمه عربی بوده که از ریشه صلح گرفته شده و به مفهوم آشتی کردن و اصطلاح به معنی اتفاق هم آمده است و لغتی است که عده‌ی بی برای خود وضع می‌کنند.

اصطلاح اسم مطابق فرهنگ بر ترمینالوژی (Terminology) کاربرد اصطلاحات، حقایق و نظریه‌های خاص هر قوم، ملت، مذهب و فراگیر همه ماهیت‌های علوم است که به اتفاق جمع کثیر بر یک مفهوم اساسی، مهارتها و طرز فکر و ذهنیت خود وضع کرده اند.

مثلاً: اصطلاحات آیت، سوره، رکوع و غیره در قرآن کریم و یا اصطلاحات کلمه، نماز، زکات و حج در تعلیمات دینی و غیره.

۲_ اهداف

اهداف جمع هدف است در فرهنگ معین، هدف چنین تعریف شده است هر چیز بلند و بر افراشته، نشانه، تیر، آن چه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد، مقصود و غایت.

اهداف یک واحد درسی بر اساس اهداف و آرمان ملی اهداف کلی نظام تعلیم و تربیه اهداف دوره‌های تعلیمی، اهداف مفردات، اهداف مضمون درسی در یک صنف در حیطه دانش، مهارت و ذهنیت محتوا طرح می‌گردد.

تعیین اهداف کلی و جزئی در یک مضمون و در یک واحد درسی به قصد ایجاد تغییرات در رفتار شاگردان و انکشاف ذهنی در معلومات ایشان اجرا می‌شود که این تغییرات همان هدف‌های بر نامه درسی می‌باشد.

قلمرو و منابع اهداف عبارت از طبیعت دانش آموزان، جامعه و دانش گرد آوری شده برای تربیت شاگردان است که با نیازها، نظر سنجی‌ها، تحقیق و مطالعه انتخاب می‌گردد.

رابطه هدف با برنامه درسی تا آن حد مهم و اساسی است که اگر ما هدف نداشته باشیم بر نامه هم نمی‌توانیم داشته باشیم؛ به عبارت دیگر، بر نامه ریزی (طرح و تهیه مواد آموزشی چون کتاب درسی، راهنمای معلم و....) تنها زمانی صورت علمی و منطقی به خود می‌گیرد که هدف مشخص را دنبال کند.

در حقیقت محتوای یک درس را، اهداف دانشی که شاگردان چقدر می‌دانند؟ اهداف مهارتی که شاگردان چه سان عمل کرده می‌توانند؟ و اهداف ذهنی و یا طرز تلقی که چطور شاگردان منحصیث افراد و اشخاص انکشاف می‌نمایند و در زنده گی اجتماعی سهم فعالانه می‌گیرند، تشکیل می‌دهد.

۳- تعریف مواد درسی

مواد درسی عبارت از اشیا و وسایلی است که معلم و شاگردان را برای به دست آوردن هدف درس کمک می‌نماید و یا به عباره دیگر آن وسایل سمعی و بصری که معلم در تدریس از آن کار می‌گیرد.

۴_ مواد ممد درسی

مواد ممد درسی شامل مواد طبیعی ساده محیطی چون دانه‌های لوبیا، نخود، سنگریزه و غیره و مواد غیر محیطی چون چارت، فلش کارت مودلها چون (کره زمین، نقشه، تصویر) و غیره. از نگاه نوعیت و ماهیت مواد به دودسته تقسیم می‌شود: مواد عمومی از قبیل کتاب درسی، تخته، تباشیر و غیره. وهم موادی مثل مودلها، گرافها، سی دی، فلم،

پرجکتور، لابراتوارها، کارت‌های مصور و ساده، چارت مقوایی، فلب چارت، بکس هندسی، نقشه و غیره که توسط معلم و شاگردان تهیه و در یک درس از آن‌ها استفاده می‌شود.

مواد درسی شاگردان را از مرحله میخانیکی (که طوطی وار درس را به حافظه بسپارند) به مرحله عینیت و فهم عمیق می‌رساند. در را هنمای معلم هدف ما از مواد درسی مواد عمومی؛ مانند: کتاب، تخته و تباشیر و .. نیست، بلکه هدف آن مواد کمکی و موثری است که از منابع دیگر به شکل ساده و یا مدرن معلم آنرا تهیه میکند و یا توسط فابریکه و یا کدام مرجع دیگر چون دفتر تکنالوژی آموزشی در اختیار مکاتب قرار می‌دهد.

۵_ فعالیت‌های آموزشی

هدف از آوردن فعالیت‌ها، اشتغال فراگیری شاگردان است به شکل مجموعی، انفرادی و گروهی در ایفای نقش، رونویسی، متن خوانی، مشاهده، برقراری ارتباط، طبقه بندی و غیره که در فضای آموزشی انجام می‌یابد و یا بیرون از صنف در میدان مکتب، سیر علمی، اشتراک در جلسات و برنامه‌های فرهنگی، دینی و غیره. برای فعالیتها در پلان درسی فرصت بیشتر اختصاص داده شده تا درس بصورت موثر در ذهن شاگردان بنشیند و شاگردان از دانش کسب شده، مهارت انجام شده و ذهنیت مثبت ایجاد شده در زنده گی روزمره استفاده کرده بتوانند و شاگردان به ارزش و اهمیت درس که در رشد شخصیت و سلوک فردی و اجتماعی شاگردان نقش اساسی دارد پی ببرند.

۶_ ارزیابی

یکی از ارکان برنامه درسی است که ارزیابی پایان یک درس و ارزیابی مستمر را احتوا دارد. ارزیابی انعکاسگر تحلیل و تفسیر اطلاعاتی است که به شکل سیستماتیک در دانش آموز، هدفهای مورد نظر سیستم آموزشی (درسی) تحقق یافته اند و یا در حال تحقق یافتن هستند و ما را مطمئن می‌سازد که به چه اندازه به اهداف دانشی و نگرشی درس مورد نظر رسیده ایم که از طریق مشاهده، آموزش کتبی و یا جدول معیاری نمرات صورت می‌پذیرد.

۷_ اهمیت درس

در زنده گی روزمره شاگردان متن خوانی درس، مهارتها و تک مهارتها (مهارت‌های خورد و کوچک از یک روش تدریس) چقدر کار برد عینی و عملی دارد و رشد فردی و روابط اجتماعی شاگردان به کدام مقیاس پیشرفت به دست می‌آید مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

معلم محترم می‌تواند ارزش و نتیجه حاصل هر درس را از طریق مشاهده و تغییرات در رفتار، سلوک، طرز برخورد و ارتباط شاگرد با شاگرد کشف و سنجش نماید و خود را متیقن بسازد.

۸_ کار خانه گی

از اینکه شاگرد بیشتر اوقات خود را با فامیل و در میان اعضای خانواده می‌گذرانند، بنا بر آن کار خانه گی که در حقیقت پیمایشگر اهداف درس و جزء لا ینفک یاد گیری و یاد دهی است مطابق با توانمندیهای شاگردان به شیوه بسیار ساده داده شود و شاگردان تشویق به اجرای آن در اوقات فراغت به کمک دوستان، اولیا و اعضای خانواده می‌شوند.

اصول یا روش های تدریس

حقیقت مسلم است که انسانها هر کاری را که میکنند باید اصول آنرا بدانند، هر گاه اصول آنرا ندانند از اجرای آن نتیجه مثبت گرفته نمی توانند، اصول جمع اصل و به معنی اساس و بنیاد است و در تعلیم و تربیه عبارت از یک سلسله مقررات و روش های منظم است که استاد در تدریس یک موضوع از آن کار می گیرد و در نتیجه وی رابه هدف تدریس می رساند. به هر اندازه که معلم به روش های بیشتر آشنا باشد محتوا و مواد دلخواه خویش را با در نظر داشت شرایط زمانی و مکانی در اختیار شاگردان قرار می دهد و هیچ شاگرد در جریان تدریس غیر فعال نبوده و تدریس استاد دلپذیر می شود.

تدریس: عبارت از آن سلسله فعالیت های منظم تعمیری است که معلم و شاگرد هر دو را به هدف تدریس می رساند و این اصول تدریس را میتود تدریس و یا روش تدریس نیز می گویند.

میتود یا روش تدریس

برای انجام یک کار طی نمودن مراحل لازم را میتود می گویند و یا روش یا میتود راه منظم و با قاعده و منطقی برای ارائه درس است؛ پس معلوم شد که آن فعالیت های لازم که معلم به کمک آن از طریق آسان در وقت کم مطلب را به شاگردان آموزش بدهد میتود است.

اصول تدریس اقسام زیاد دارد؛ مانند لکچر، خطابه، مشق و تمرین، سؤال و جواب، نمایش، مسابقه اجرای نقش، کار گروهی، سیر علمی، مناقشه و مذاکره، روش انفرادی، مطالعه و غیره. ما صرف آن روش هایی که در این رهنما از آن استفاده نموده ایم به شما معرفی مینماییم.

۱- روش کار گروهی

شاگردان یک صنف به چند گروه تقسیم می شوند، هر گروه بالای یک موضوع که از طرف معلم برایشان داده می شود بطور مشترک کار مینمایند، نظریات و افکار خود را باهم شریک نموده و بخاطر یاد گرفتن یک موضوع از یکدیگر می پرسند.

بحث و مناقشه صورت می گیرد، در این روش معلم حیثیت رهنما و مشاهد را داشته هر گاه در گروه ها مشکل پیدا شود به سؤال های شان جواب می دهد (تجارب ثابت ساخته که آموزش گروهی نسبت به آموزش انفرادی موثر تر است).

نکات عمده ای که معلم باید در وقت اجرای کار گروهی در نظر داشته باشد:

۱_ بهتر است اعضای گروه از ۳_۶ نفر باشد و گروه ها نام گذاری گردند.

۲_ هدایت کار گروهی باید خوب و واضح باشد.

۳_ در صورت امکان در کار گروهی شاگردان بشکل دایروی تنظیم شوند.

۴_ در بین گروه ها باید فاصله موجود باشد تا معلم بخوبی گشت و گذار کرده بتواند.

۵_ معلم گروه ها را بررسی و نظارت نموده و سؤال های آنها را جواب می دهد.

۶_ در کار گروهی موضوعات باید طوری به شاگردان داده شود که قدرت اجرای آنها داشته باشند.

۷_ در کار گروهی آینده باید شاگردان تغییر و تبدیل شوند.

۸_ در کار گروهی وقت تعیین شود.

۹_ در آخر کار گروهی نتیجه آن اعلان شود.

۲_ روش اجرای نقش: شاگردان سهم می گیرند و موضوع درس را که قابل تمثيل باشد به شكل صحنه حقيقي تمثيل می نمایند.

نکات عمده که در روش اجرای نقش باید در نظر گرفته شود:

- ۱_ از این روش وقتی استفاده گردد که مردم آنرا بد نبینند.
- ۲_ مواردی که برای اجرای نقش ضرورت است باید قبلاً تهیه شود.
- ۳_ معلم باید در مورد اجرای نقش شاگردان موقف تسهیل گر و یک رهنما را داشته باشد.
- ۴_ در وقت اجرای نقش، معلم باید کنترل صنف را مد نظر داشته باشد.
- ۵_ در روش اجرای نقش باید برای شاگردان هدايات واضح داده شود که کدام شاگرد در کدام نقش، چه کارها را، چه وقت انجام دهد.
- ۶_ در روش اجرای نقش باید شاگردانی انتخاب شوند که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.
- ۷_ اجرای نقش در همان نقطه صنف اجرا شود که تمام شاگردان دیده بتوانند.

۳- روش سؤال و جواب

در این روش موضوع درس به قسمت های کوچک تقسیم گردیده و از هر قسمت آن سؤالات طرح می شود. نکات عمده یی که در این روش باید در نظر گرفته شود قرار ذیل است:

- ۱_ معلم باید طوری پرسد که شاگرد مفهوم پرسش را بداند.
- ۲_ وقتی که یک شاگرد سؤال مینماید معلم باید سؤال این شاگرد را به شاگرد دیگر راجع سازد تا او جواب بدهد.
- ۳_ به شاگردان موقع داده شود تا از یکدیگر سؤال نمایند.
- ۴_ در وقت سؤال و جواب باید معلم از موضوع خارج نشود.
- ۵_ در روش سؤال و جواب به اکثریت شاگردان سهم داده شود.
- ۶_ شاگردی که همیشه می خواهد سؤال را جواب بگوید با تشویق همین شاگرد، برای دیگران هم فرصت داده شود.
- ۷_ وقت باید در نظر گرفته شود.
- ۸_ شاگردی که در سؤال و جواب سهم نمی گیرد در سؤال و جواب شامل ساخته شود.
- ۹_ معلم محترم شاگرد را در صورت ارائه جواب غلط، تهدید نکند.
- ۱۰_ معلم محترم باید شاگرد را در صورت ارائه جواب صحیح تشویق نماید.

۴_ روش مسابقه

مسابقه یکی از روش های اصول تدریس میباشد، در این روش رقابت مثبت بین شاگردان ایجاد شده و یک گروپ از شاگردان کوشش می نماید تا از گروپ دیگر مسابقه را ببرد، در این روش شاگردان بیشتر فعال بوده و مرکز فعالیت قرار میگیرند. در این اصول (روش) شاگردان به دو گروپ یا بیشتر از آن نظر به لزوم دید تقسیم می شوند و از هر گروپ به سويه های مساوی به تعداد مساوی شاگردان انتخاب می شوند و از این روش در صنوف ابتدایی و ثانوی میتوان کار گرفت.

نکاتی که در روش مسابقه باید در نظر گرفته شود، قرار ذیل است:

۱_ هدایت مسابقه باید واضح باشد.

۲_ در وقت مسابقه صنف باید کنترل شود.

۳_ در توزیع نمرات عدالت مراعات شود.

۴_ سؤالات مسابقه باید متنوع بوده و آسان و مشکل ترتیب گردیده و از هر گروپ مساویانه پرسش صورت گیرد.

۵_ در روش مسابقه یک شاگرد از شاگرد دیگر سؤال می‌کند، و اگر شاگرد سؤال کرده نتواند معلم سؤال خواهد کرد.

۶_ در اخیر باید نتیجه مسابقه اعلان شود.

۵_ روش مباحثه و گفتگو

درین روش معلم سؤالات تفکر بر انگیز را ارائه می‌نماید و فرصت مناقشه را برای شاگردان می‌دهد، بعد جوابات صحیح را انتخاب نموده و آنرا در روی تخته می‌نویسد، تا که همه عناصر موضوع به پایه اکمال رسد و در اخیر جمع بندی می‌نماید و ارتباط بین افکاری که همراه شاگردان به توافق رسیده باشد با استدلال از آیات، احادیث، سیرت و دلائل فقهی و اقوال و اعمال سلف صالح مبتنی بر سهم گیری شاگردان، برای اینکه منابع شریعت سر چشمه‌های اساسی برای اندیشیدن و استدلال باشد استفاده می‌گردد.

۶_ روش حل مسأله

درین شیوه از طرح یک مشکل و یا یک پرسشی که مربوط به زنده گی روزمره است کار گرفته می‌شود تا توجه شاگردان را جلب نموده و آنان را به کاوش وادارد تا راه رسیدن به حل مشکل و یا پرسشی را دریابند. با به کارگیری این شیوه توانایی شاگردان در اندیشیدن و جستجو نمودن افزایش یافته، مهارت بکار گیری منابع و تنظیم معلومات پدید می‌آید؛ زیرا احکام و دساتیر اسلامی رابطه تنگاتنگی با زنده گی روزمره شاگردان داشته و به قضایای زنده گی و مشکلات آنان ارتباط دارد، و درست بکار گیری این اسلوب که شاگردان توانایی سهم گیری فعال را به دست می‌آورند و شاگردان را به درک حکمت شریعت کمک می‌نماید، درک شریعتی که روابط انسان‌ها را نظم بخشیده و مصلحت‌های آنان را بهتر بر آورده می‌سازد و رابطه شاگرد را با خداوند بزرگ محکمتر و عمیق ترمی سازد.

۷_ روش تحلیل (تجزیه) مفاهیم

در این روش محدود ساختن درس که دارای مفاهیم باشد و استوار با مثالها را ارائه نماید و این کار با بکار گیری یکی یا بیشتر از استراتژی‌های این اسلوب تدریس انجام می‌پذیرد؛ مثلاً:

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف، فشرده خصایص.

_ تعریف مفهوم، مثالهای مثبت و مثالهای منفی.

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف مفهوم.

استخدام چنین روش در تدریس تربیه اسلامی کمک نموده و برای شناخت بیشتر و ترسیخ آن در ذهن شاگردان صورت می‌گیرد و شاگردان را به فهمیدن حقایق اسلام به صورت واضح و دور از هر نوع شبه و فهم نادرست قادر می‌سازد.

۸_ روش قصه و حکایت

شیوه شاگردان آنچه را قابل تطبیق است در داخل و یا خارج از صنف زیر نظر معلم و به رهنمایی او که از فهم شاگردان بالا نباشد عملی می‌نمایند.

۱۳_ روش جستجو و کشف

درین شیوه شاگرد مکلف به مراجع و مصادر و منابع علمی، منابع مضمون درسی و دریافت معلومات ضروری و تعمق در آیات قرآن کریم، کتب تفسیر، باز دید از اماکن و مراکز تخصصی و استفاده از نشریات و روزنامه‌ها می‌گردد. درین شیوه نقش شاگردان بحث، اکتشاف و جمع آوری معلومات است؛ سپس منظم نمودن آن‌ها و تقدیم نمودن و مناقشه آنها با شاگردان و تهیه خلاصه آنچه مناقشه شده بر روی تخته می‌باشد، تا خلاصه کار شاگرد برای دیگر شاگردان سرمشق قرار گیرد. برای معلم که شیوه‌های یاد شده را بکار می‌بندد مناسب است تا موارد آتی را مد نظر داشته باشد:

_ مقدمه درس را آماده نموده و اذهان شاگردان را به وسیله یکی از شیوه‌های یاد شده آماده سازد، مانند برانگیختن به اشکال، و یا طرح سؤال، خوانش قصه جالب، نمایش تصویر یا تکرار درس گذشته و یا چیزهای دیگری که در اسلوب مقدمه و وسایل آن توضیح داده شده است.

_ عقیده اسلامی مبدأ و سرچشمه همه موضوعات مربوط به تعلیمات اسلامی باشد.

_ شاگردان را تشویق به سهم‌گیری فعال در جریان استفاده از شیوه‌های یاد شده نماید تا آنجا که ممکن است خود آموزی را در آنان تقویت کند.

_ در هنگام استفاده از شیوه‌های تدریس تنوع را به کار برده تا اهداف مد نظر بر آورده شده و تفاوت‌های فردی را که در میان افراد صنف است در نظر داشته باشد، بنا برین، تدریس خود را با بکارگیری شیوه گفت و گو، داستان، تمثیل، جستجو، تحلیل مفاهیم، و تمرین عملی متنوع نماید تا کفایت خوبی در تدریس از خود بروز داده و مشارکت وسیع شاگردان را جلب نماید؛ بدیهی است که باید از تدریس ملالت آور و استفاده از یک روش تدریس دراز مدت اجتناب گردد.

_ معلم محترم باید بیشتر کوشش نماید تا شواهدی را از قرآن کریم با توجه به سطح دانش و توانایی‌های عقلی و علمی شاگردان انتخاب نماید.

در اخیر توجه استادان گرامی را روی چند اصل آتی خواهانیم تا باشد که با رعایت آن اثر بیشتر در سلوک و ذهنیت شاگردان هویدا گردد:

۱_ معلم محترم به رعایت هدایات و رهنمایی‌های این کتاب مکلف است و در عین حال از هر آنچه که در تدریس مفید واقع می‌گردد استفاده کند.

۲_ از و جایب معلمین ماست که رهنما را قبلاً مطالعه نموده و برای ارائه درس آماده‌گی لازم بگیرند.

۳_ دانش‌های لازمی را عمیقاً مطالعه نموده محتویات آن را در صورت امکان به زبان ساده به شاگردان انتقال دهد.

۴_ معلم محترم حین ورود به صنف بعد از ادای سلام به تدریس آغاز نماید و با گفتن نام خداوند عز و جل با در نظر داشت کسب ثواب، ترقی وطن و اولاد وطن درس را به پیش ببرد.

۵_ از اظهار سخنان اضافی خود داری نموده، حقایق علمی و شرعی را از شاگردان نپوشاند.

۶_ در صورت مواجه شدن به اغلاط طباعتی کتاب درسی و رهنمای معلم در تصحیح آن بکوشد.

در اخیر از خداوند بزرگ برای همه معلمان محترم و فرزندان وطن خویش توفیق مزید را خواهانیم.

درس اول (قسمت اول)

عنوان: دلایل وجود و وحدانیت خداوند تعالی در کاینات

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- آیت شماره (۱۶۴) سورة بقره را به صورت درست تلاوت و حفظ کرده بتوانند.
- در روشنایی این آیت مبارکه به دلایل وجود ذات واجب الوجود و توحید الوهیت او تعالی، معلومات حاصل نمایند.
- آفرینش آسمانها و زمین، گردش شب و روز، حرکت کشتیها در بحر، پیدایش آب و رویانیدن گیاهان و زنده جانها را از دیدگاه آیات تکوینی و علوم ساینسی تحلیل و تجزیه کرده بتوانند.

دانش لازمی

توحید

توحید اولین و اساسی ترین شرط رستگاری و رسیدن به کمال معنوی است، توحید مهمترین موضوع مطرح شده در همه کتابهای آسمانی و مخصوصا قرآن مجید است، توحید هدف بعثت رسل و سر لوحه دعوت همه انبیاء از آدم تا خاتم و در واقع دعوت مشترک همه انبیا بوده است؛ یعنی با وجود اینکه بسیاری از پیامبران شریعت و کتاب جداگانه و مستقلى داشته اند و در فروع هر کدام احکام مخصوص خود را تبلیغ میکرده اند؛ اما توحید موضوع مشترک در دعوت همه آنها بوده که این خود بیانگر اهمیت مسأله توحید است. قرآن مجید دعوت انبیا را به تفصیل بیان کرده و توحید را اساس دعوت همه پیامبران قرار داده است، چنانکه می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ [النحل: ۳۶]

ترجمه: ما در میان هر ملتی پیامبری فرستادیم که خدا را پرستید و از طاغوت دوری کنید، پس خداوند گروهی از آنها را هدایت داد و گروهی از ایشان گمراهی بر آنها واجب گردید، پس در زمین گردش کنید و ببینید که سرانجام کار کسانی که تکذیب کرده اند به کجا کشیده است.

اگر دین را عبارت از اعتقاد، اخلاق و اعمال بدانیم بدون شک مهمترین بخش آن، بخش اعتقاد است و مهمترین بخش مسایل اعتقادی، اعتقاد به خدای یکتا است و تنها همین اعتقاد است که انسان را به رضای الهی و بهشت جاوید می رساند و بدون این عقیده اگر کسی حتی به اندازه تمام دنیا اعمال صالحه و اخلاق فاضله داشته باشد باز هم عاقبتش جهنم و عدم رضایت خداوند خواهد بود ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ﴾ [النساء: ۴۸]

ترجمه: به تحقیق خداوند جلّ و علا این را که به او شرک ورزیده شود، نمی آمرزد و فروتر از آن را بر هر که بخواهد می آمرزد. موحد گناهکار بخشیده خواهد شد اما عابد مشرک هرگز بخشیده نمی شود؛ زیرا مشرک بزرگترین ظلم را نسبت به خداوند مرتکب شده و ظالم هرگز رستگار نمی گردد. ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳].

ترجمه: بدون شک شرک ظلمی است بزرگ.

شاه ولی الله دهلوی رحمه الله می فرماید: «توحید سه مرتبه دارد: اول اینکه تنها خداوند را واجب الوجود بدانیم، دوم اینکه تنها خداوند را خالق و گرداننده آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است بدانیم، سوم اینکه هیچ کس را جز ذات الله لایق عبادت ندانیم».

برای اینکه شخص موحد قرار بگیرد لازم است به همه این موارد اعتقاد داشته باشد و در هیچ یکی از این سه مورد با خداوند شریک نسازد. شرح مختصر موارد سه گانه توحید قرار آتی می باشد:

۱- توحید فی وجوب الوجود: یعنی اعتقاد به این که انسان ذات الله ﷻ را واجب الوجود، قدیم و ازلی بداند و معتقد باشد که الله ﷻ همیشه بوده و است و جز او هیچ کس واجب و ازلی نیست؛ بلکه دیگران ممکن الوجودند، با مشیت الهی بوجود آمده اند و روزی هم با مشیت الهی از بین می روند. قرآن مجید در این باره می فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: ۸۸] در جایی دیگر می فرماید ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾. [الرحمن: ۲۶-۲۷] هر که بر روی آن (زمین) است فنا شونده است و ذات پروردگارت که ذو الجلال والاکرام است باقی می ماند.

خداوند متعال در قدیم بودن ذات و صفات خویش تنها و منفرد است، پس وجود الله هیچ آغازی ندارد و جز او تعالی هیچ کس در ذات و صفات قدیم نیست.

قرآن مجید در این باره می فرماید: ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾. [الأعراف: ۵۴].

ترجمه: آگاه شو که خلقت و آفرینش و تدبیر امور خاص به دست خداوند است.

و در جایی دیگر می فرماید: ﴿قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [الرعد: ۱۶] ترجمه: بگو خداوند آفریننده هر چیزی است و اوست یگانه قهار.

علامه آلوسی در این مورد می گوید: خلق کردن یعنی اختراع بدون استفاده از الگو و نمونه، ولی گاهی بمعنی طراحی کردن بکار می رود؛ پس به معنی اول هیچ کس جز خداوند به آن متصف نمی گردد؛ اما به معنی دوم گاهی دیگران هم متصف میگردند.

۲- توحید فی التصرف و التدبیر: یعنی اعتقاد بر این که گرداننده و کنترل کننده جهان هستی ذات خداوند متعال است و هیچکس با الله در این صفت شریک نیست و حتی در جزئی ترین مسایل کسی جز الله تصرفی ندارد، نه ذاتا و نه عطاء، یعنی نه خود چنان قدرت و صلاحیتی دارد و نه خداوند به کسی چنین فضیلتی را عطا کرده است که بتواند با قدرت غیبی و ما فوق اسباب در فعل و انفعالات عالم تأثیری داشته باشد، مثلاً: در گردش زمین و زمان، لیل و نهار، آبادانی و ویرانی و یا آوردن حالات مختلف همانند پیروزی و شکست، پریشانی و خوشحالی، کشتن و زنده کردن، ضرر رساندن و نفع دادن، دادن فرزند و عقیق کردن و خلاصه در هیچ پدیده کوچک و بزرگی کسی نمی تواند اعمال نظر کند، و این تنها ذات بی مانند الله است که همه کارهای عالم را می گرداند، اوست که دگرگونی ها را در جهان ایجاد می کند، به هر کس که بخواهد می بخشد و از هر کس که بخواهد می گیرد. ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ﴾ [یونس: ۳].

ترجمه: خداوند امر را تدبیر میکند، هیچ شفاعت گری مگر بعد از اذن او نیست.

﴿يَدْبِرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ [الرعد: ۲] ترجمه: خداوند کار آفرینش را تدبیر میکند و آیات خود را به روشنی بیان میکند، باشد که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید. قرآن مجید تصرف دیگران در عالم هستی و تغییرات آنرا به صراحت رد کرده است. مثلاً در مورد گردش ایام می فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَوْ لَآ تَسْمَعُونَ * قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَوْ لَآ تُبْصِرُونَ﴾ [القصص: ۷۱-۷۲] ترجمه: بگو (ای پیامبر) آیا نگرسته اید اگر خداوند شب را تا روز قیامت همیشه بر شما ماندگار کند بجز خدا کدام معبود است که بتواند برای شما روشنایی بیاورد آیا نمی شنوید، بگو به من خبر بدهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودانه گرداند بجز خدا کدام معبود است که بتواند برای شما شبی را بیاورد تا در آن بیارامید آیا نمی بینید. و در مورد فرود آوردن باران می فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ﴾ [الواقعه: ۶۸-۶۹] ترجمه: آیا هیچ در مورد آبی که می نوشید اندیشیده اید آیا شما آنرا از ابر فرود آورده اید یا ما آنرا فرود آورنده ایم. و در مورد اعضا و جوارح انسان می فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَنَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ﴾ [الانعام: ۴۶] ترجمه: بگو به من خبر دهید اگر الله شنوایی و بینایی تان را بگیرد و بر دلهایتان مهر نهد غیر از الله آیا معبودی است که آن را به شما برگرداند.

۳- توحید فی الالهیت : سومین و مهمترین بخش توحید این است که در عبادت کسی با خدا شریک قراردادده نشود و همه عبادتها از جمله عبادتهای قولی، عملی، مالی و مخصوصاً دعا و تضرع که مغز عبادت است فقط برای ذات الله انجام بگیرد، همه نذرها و نیازها به نام او داده شود، در مشکلات فقط او خوانده شود و فقط از او کمک گرفته شود. جز او برای هیچکس سجده، طواف و اعتکاف نشود و هیچ کس جز او برای حل مشکلی و یا حصول نعمتی خوانده نشود. توحید فی الالهیه مهمترین بخش توحید است و بیشترین آیات قرآن مجید برای تأکید آن نازل شده اند زیرا بزرگترین انحراف بشر در همین بخش از توحید بوده است. قرآن مجید در این باره می فرماید: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [محمد: ۱۹] ترجمه: پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست. ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ [آل عمران: ۲] ترجمه: الله؛ جز او معبودی نیست، حی و قیوم است.

علامه ابو العز الحنفی می فرماید:

«اگر کسی به توحید ربوبیت معترف باشد اما با وجود آن تنها خدا را عبادت نکند و از عبادت غیر الله بیزار نباشد همانند دیگر مشرکین مشرک است.»

معانی کلمات:

تجری: حرکت می کند.

روش تدریس: مسابقوی، توضیحی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر، مودلها و پوسترها.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>معلم محترم حین ورود به صنف تحفه خالده اسلام را که لفظ السلام علیکم ورحمة الله و برکاته است به شاگردان القاء می‌نماید و پس از حمد و ثنای باری تعالی و درود به حضرت فخر کاینات محمد مصطفی با شاگردان صمیمانه احوال پرسشی می‌کند و سال نو تعلیمی را ضمن ارتقای شاگردان از صنف دهم به صنف یازدهم تبریک می‌گوید و خود را به شاگردان معرفی می‌نماید.</p> <p>معلم محترم با یک مرور گذرا به درسهای تفسیر شریف صنف دهم، فهرست درسهای صنف یازدهم را بصورت اجمال به شاگردان ارایه بدارد.</p>
۲۵ دقیقه	<p>- معلم محترم با گفتن استعاذه و بسمله آیت مبارکه (۱۶۴) را به آواز رسا و زیبا و با رعایت تجوید تلاوت نماید و سپس از سه نفر شاگرد بخواهد تا بالنوبه آیت (۱۶۴) سورة بقره را قرائت کنند.</p> <p>معلم محترم عناوین جانبی درس را به تخته می‌نویسد و در باره هر مطلب که از فحوای آیت مبارک نمودار می‌شود و بر وجود وحدانیت الله تعالی دلالت صریح دارد به شکل توضیحی به شاگردان ارایه می‌نماید و هر گاه پوسترها و مودلهایی در این رابطه در دسترس باشد و دال بر دلایل قدرت و وحدانیت الله تعالی باشد نشان دهی کند.</p> <p>معلم محترم به شاگردان هدایت می‌دهد تا در گروپ‌های دو نفری معانی کلمات قرآنی را به کمک یکدیگر نوشته کنند و به نمایندگی از صنف یکنفر شاگرد نقاط مهم درس را به همصنفانش ابراز نماید.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده، گروپ اول نظریات شان را در باره آفرینش آسمان‌ها و گروپ دوم در مورد آفرینش زمین با هم به شکل مسابقوی بحث و خلاصه آن را نماینده گان هر گروپ ایراد نمایند و معلم محترم گروپ‌ها را مورد تشویق قرار دهد.</p> <p>- معلم محترم به شاگردان فرصت دهد تا سؤال‌های شان را به ارتباط یادگیری درس و حل نقاط مشکل طرح نمایند و معلم محترم با جبین گشاده پاسخ‌های مناسب ارایه می‌کند.</p> <p style="text-align: right;">خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ در این آیت مبارک مخلوقات و پدیده‌های هستی در کاینات برای اثبات وجود خداوند متعال، وحدانیت و قدرت او تعالی ذکر گردیده اند. ▪ خداوند یکتا و توانا آسمانها را با این همه وسعت و بزرگی بدون ستون برقرار ساخته و آن را با آفتاب و مهتاب و ستارگان روشن و استوار ساخته است. ▪ خداوند قادر و توانا زمین را آفرید و آن را هموار ساخت تا انسان بالای زمین زندگی کند و از نعمت‌های بیکران او تعالی بهره مند گردد و شکر خالق و منعم خویش را بجا آورد. ▪ گردش پیهم و منظم شب و روز یکی از نشانه‌های بزرگ قدرت خداوند جل جلاله بوده و فواید و منافع زیادی را برای انسان و دیگر مخلوقات خداوند متعال میسر گردانیده است. ▪ حرکت کشتی‌ها در بحر نقش و تأثیر اساسی در حیات جوامع بشری دارد، ذکر کشتی‌ها و

حرکت آن در بحرهای منافع انسانها، در زمان نزول وحی یکی از نشانه‌های قدرت خداوند یکتا و یکی از معجزه‌های قرآن کریم می‌باشد.

ارزیابی

معلم محترم با استفاده از سؤال‌های متن درس شاگردان را به گونه‌ی مثال چنین ارزیابی می‌کند:

۱. کدام یک از شما می‌تواند آیت مبارکه‌ی درس را به آواز بلند تلاوت نماید؟

۲. دلایلی که بر اثبات وحدانیت خداوند تعالی ضمن آیت کریمه آمده نام بگیرید.

۳. مفهوم "تصریف الریاح" چیست واضح سازید.

۴. از گردش کشتی‌ها در بحر برای انسانها چی فایده می‌رسد؟

۱۵ دقیقه

کارخانه‌گی

معلم محترم به شاگردان وظیفه بدهد تا در باره‌ی فواید آفرینش کره‌ی زمین و اقلیم مناسب آن برای زنده گی انسانها یک مقاله‌ی ده سطری بنویسند و در ساعت درسی صنف قرائت کنند.

درس دوم (قسمت دوم)

عنوان: دلایل وجود و وحدانیت خداوند تعالی در کاینات

صفحه: ۷

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- موارد و نشانه‌های تکوینی قدرت خداوند جل جلاله در آیت مبارکه را تطبیق و نشاندهی کرده بتوانند.
- از فواید و آموختنی‌های درس در زنده‌گی استفاده کنند و به دیگران هم مصدر خدمت شوند.

معانی کلمات:

دَائِيَّةٌ: هر جنبه‌ی بالای زمین (موجودات حیه).

يَعْقِلُونَ: می‌فهمند و اشیای محسوس و معقول را به جوهر عقل درک می‌کنند.

روش تدریس: سؤال و جواب، کار گروهی و ایفای نقش.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر، البوم‌ها و پوسته‌های طبیعی در صورت موجودیت.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از تقدیم (السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته) با شاگردان صمیمانه احوالپرسی نموده و بعد از ملاحظه کارخانه‌گی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی میکند: ۱. کی میتواند آیت مبارکه درس را به آواز بلند تلاوت نماید؟ ۲. در آیت کریمه لفظ (السموات) به چه دلالت می‌کند؟ ۳. چهار فایده زمین و گردش شب و روز را بیان نمایید. ۴. آیا گفته‌ میتوانید که گردش کشتی‌ها در بحر برای انسانها چه فایده می‌رسانند؟
۲۵ دقیقه	با خواندن استعاذه و بسمله آیت مبارکه (۱۶۴) سورة بقره را خود تلاوت می‌کند، و سپس در رابطه به قسمت اول درس مظاهر قدرت، وجود و وحدانیت خداوند جل جلاله را بالترتیب در مورد آفرینش آسمان‌ها، زمین، گردش شب و روز و کشتی‌های روان در بحر از چهار نفر شاگرد می‌پرسد و بعد از حصول اطمینان بقیه آیت مبارکه را از ﴿وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ﴾ الی آخر آیت ترجمه و تفسیر نماید و در هر قسمت از شاگردان نیز نظر خواهی کرده به سؤال‌های شان جواب‌های قناعت بخش ارایه کند. - معلم محترم عناوین جانبی درس (فرود آوردن آب از آسمان، زنده ساختن زمین، تحریک و توجیه باده‌ها، ابرهای معلق در فضا) را روی تخته نوشته و ضمن توضیح مفاهیم و مطالب پیام آیت مبارکه، شاگردان را در بحث با خود مشارکت بخشیده و در باره آب عنصر زنده‌گی و فرود آمدن آب باران از آسمان، و زنده ساختن (صالحیت زمین برای کشت و زراعت و رشد و نموی حبوبات، نباتات، درختان مثمر و غیر مثمر، گل‌ها و باغستانها و همچنان وزش باده‌ها و نسیم سحرگاهی و ابرهای فشارنده باران که در بین آسمان و زمین معلق اند و به مشیت و اراده الهی ﷻ به هر طرف در حرکت اند و باده‌ها، ابرها را سوق می‌دهند که در این موضوعات فکر و بصیرت صاحبان عقل سلیم تفکر می‌کنند، به تفصیل

صحبت باهمی می نمایند.

- معلم محترم شاگردان را به شش گروه مطابق مطالب پیامد درس تقسیم نموده و هر گروه در باره یک مطلب از اعجاز خلقت و مظاهر قدرت الله تعالی و منابع سرشار مواد غذایی و انرژی انسانها و سایر زنده جانها با هم بحث و گفتگو کنند و نماینده هر گروه در پیشروی صنف نتیجه فعالیت شانرا طور شفاهی و انجام ایفای نقش ارایه نماید.

خلاصه درس

معلم محترم در پایان درس قسمت اول و قسمت دوم واحدهای درسی را چنین جمعبندی نموده و ایراد می کند:

- فرود آوردن منظم قطره های باران از آسمان (ابره های فشرده شده) بیانگر قدرت کامله و وحدانیت خدا جل جلاله است.
- آب باران سبب رویش انواع نباتات و زنده جانهاست.
- آب عنصر حیات است زمین خشک و بایر را آماده کشت و زراعت میگرداند.
- بادها سبب جهش ابرها و بقای حیات سایر زنده جانها در روی زمین اند.
- ابرهای معلق که در بین آسمان و زمین مسخر و زیر فرمان خدای تعالی قرار دارند که مطابق حکم و اراده الهی در وسط فضا قرار می گیرند از نشانه های دیگر قدرت و وحدانیت خدای متعال میباشد.
- عقل سلیم و اندیشه سالم باید تا در این امور هشتگانه تفکر نموده و به شهکار قدرت الهی به صورت ملموس بیشتر معتقد شود.

۵ دقیقه

ارزیابی

- معلم محترم به هدف حصول اطمینان از یادگیری درس، شاگردان را با طرح سؤلهایی از متن کتاب درسی چنین ارزیابی می کند:

۱. در باره فرود آوردن آب باران از آسمان به وجود و وحدانیت خدا جل جلاله چگونه استدلال میکنید؟
۲. نقش حرکت بادها در تشکل ابرها و باریدن باران و اثرات آن را بیان نمایید.
۳. کی میتواند در رابطه به محتوای آیت کریمه یک حدیث شریف را که به تفکر و تدبر کاینات فرا می خواند ارائه نماید؟

۱۰ دقیقه

کارخانه گی

استاد محترم با استفاده از هدایت کتاب درسی به شاگردان وظیفه خانه گی می سپارد.

درس سوم

عنوان: مراحل خلقت انسان در پرتو قرآن کریم

صفحه: ۱۰

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- آیات شماره (۱۲-۱۴) سورة المؤمنون را درست تلاوت، ترجمه و تفسیر کرده بتوانند.
- دلایل قدرت و عظمت الله تعالی را در شکل گیری انسان از بدو پیدایش بفهمند.
- اعجاز علمی قرآن کریم را در رابطه به مراحل خلقت انسان بیاموزند.
- تطور خلقت انسان را از دیدگاه قرآن و علم طب مقایسه کرده بتوانند.

دانش لازمی

علم جدیدی به نام جنین‌شناسی وجود دارد، که در مورد شکل‌گیری جنین در رحم مادر بحث می‌نماید و در سال‌های اخیر پیشرفت چشم‌گیری نموده است و داکتران و دانشمندان می‌توانند تحولات و تکامل جنین را در رحم در هفته‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم تصویربرداری نمایند در میان این تصویرها از جنین، تصویر هفته ششم موردنظر و توجه ما می‌باشد. در تصویر دیده می‌شود که بینی و دهان با هم مخلوط شده و به چشم متصل شده‌اند، و سر به تنه چسبیده است، این تصویر جنین در آغاز هفته ششم می‌باشد، و چون این هفته به پایان رسد سر از تنه جدایی گردد، و شکل‌های چشم، گوش، دهان و دست و پا ظاهر می‌شوند، این شکل‌ها سیمای آخر هفته ششم جنین را تشکیل می‌دهند، و چون هفته هفت روز است، پس هرگاه هفت را در شش ضرب نماییم حاصل ضرب چهل و دو می‌شود.

در این رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ أَسِيدٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: " إِذَا مَرَّ بِالنُّطْفَةِ ثِنْتَانِ وَأَرْبَعُونَ لَيْلَةً بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا ، فَصَوَّرَهَا وَخَلَقَ سَمْعَهَا وَبَصَرَهَا وَجَلَدَهَا وَحَمَهَا وَعَظَّمَهَا ، وَقَالَ : يَا رَبِّ ، أَذَكَرٌ أَمْ أُنْثَى ؟ فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ وَيَكْتُبُ الْمَلِكُ ، ثُمَّ يَقُولُ : رِزْقُهُ ؟ فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ وَيَكْتُبُ الْمَلِكُ ، وَالصَّحِيفَةُ فِي يَدِهِ ، فَلَا يَرِيدُ عَلَى مَا أُمِرَ وَلَا يُنْقِصُ " ^۱

حذیفه بن أسید روایت نموده که از پیامبر خدا شنیدم می‌فرمود: هرگاه چهل و دو شب از عمر جنین سپری شود خداوند فرشته‌ای را بسوی وی فرستد برای اینکه گوش، چشم، پوست، گوشت و استخوان او را شکل دهد، سپس فرشته گوید ای پروردگارم دختر باشد یا پسر؟، خداوند هر چه بخواهد حکم نماید و فرشته بنویسد و بگوید خدایا! اجل او چگونه باشد؟ پروردگارت هر چه بخواهد حکم نماید و فرشته می‌نویسد، سپس [فرشته] می‌گوید: خدایا روزی وی چگونه باشد؟ پروردگارت هر چه بخواهد، حکم نماید و فرشته می‌نویسد، سپس فرشته با صحیفه خود بیرون رود و از دستور خداوند هیچ چیزی کم و بیش ننماید.

^۱ - مسلم (۲۶۴۵)، طبرانی در معجم کبیر (۳۰۴۴)، بیهقی، السنن الکبری (۱۵۲۰۱).

سپس آن را نطفه‌ای در جایگاه امن قرار دادیم

در قرن هجدهم زمانی که جهان غرب راه علم می‌پیمود، و بعد از اینکه میکروسکوپ کشف گردید، در ذهن دانشمندان جای گرفته بود که انسان فقط از نطفه مرد به وجود می‌آید سپس نظریه مذکور نقض گردید، و در ذهن آنان نظریه دیگری جای گرفت که انسان تنها از نطفه زن به وجود می‌آید، و نطفه مرد فقط برای تحریک می‌باشد و دانشمندان در قرن هفدهم و هیجدهم در نظریات و فرضیه‌ها، سر در گم دست و پا می‌زدند، ولیکن چهارده قرن پیش از پیامبر اسلام ﷺ سؤال گردید که: انسان از چه آفریده می‌شود؟ جوابی را ارائه نمودند که از جمله دلایل نبوت او محسوب می‌گردد. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: مَرَّ يَهُودِيٌّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ، قَالَ: قَالَتْ قُرَيْشٌ: يَا يَهُودِيٌّ، إِنَّ هَذَا يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ، فَقَالَ: لَأَسْأَلَنَّهُ عَنْ شَيْءٍ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا نَبِيٌّ، فَجَاءَ حَتَّى جَلَسَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مِمَّ يُخْلَقُ الْإِنْسَانُ؟ قَالَ: يَا يَهُودِيٌّ، مِنْ كُلِّ يُخْلَقُ: مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ، وَمِنْ نُطْفَةِ الْمَرْأَةِ، فَأَمَّا نُطْفَةُ الرَّجُلِ، فَنُطْفَةٌ عَلِيظَةٌ فَمِنْهَا الْعَظْمُ وَالْعَصَبُ، وَأَمَّا نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ، فَنُطْفَةٌ رَقِيقَةٌ، فَمِنْهَا اللَّحْمُ وَالْدَّمُ فَقَامَ الْيَهُودِيُّ فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ يُقُولُ مَنْ قَبْلَكَ وَاللَّفْظُ لِأَحْمَدَ.

از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که « پیامبر صلی الله علیه و آله در حال صحبت با یارانش بود که فردی یهودی از کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله عبور کرد، قریش گفتند ای یهودی محمد ادعا می‌کند که او پیامبر است، یهودی گفت من از او سؤالی خواهم کرد که جز نبی کسی آنرا نداند، نزد پیامبر آمد و گفت ای محمد! انسان از چه آفریده می‌شود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای یهودی از نطفه مرد و از نطفه زن با هم آفریده می‌شود، اما نطفه مرد نطفه غلیظ و از آن استخوان و عصب بوجود آید، اما نطفه زن رقیق می‌باشد که از آن گوشت و خون به وجود می‌آید. فرد یهودی برخاست و گفت: پیامبران پیش از تو نیز چنین می‌گفتند.^۱

چرا رحم قرار یا جایگاه امن نامیده شده است؟ چون ماده‌ای چسبنده را افزای می‌نماید، که هر گاه تخمک تلقیح شده به طرف رحم بیاید به دیواره رحم بچسبد، لذا رحم محل استقرار نطفه بوده و محل عبور آن نیست و در رحم تعداد غیرقابل تصویری از رگ‌های خونی وجود دارد، که همگی جهت تغذیه جنین خون را برابر نطفه تلقیح شده فراهم می‌نمایند، و تا اینکه جنین به سرعت رشد نماید، این تخمک بارور شده از لحاظ بافت در تکثیر و تقسیم آن جزو سریع‌ترین اعضای جسم می‌باشد. مطلب دیگر اینکه؛ جنین در پرده نازکی است، و این پرده در عکس‌هایی که از جنین گرفته شده ظاهر گشته است که او با پرده نازکی پیچیده شده است، و این پرده رقیق در قسمت بالایی رحم آویزان شده است، و با دیواره‌های رحم برخورد نمی‌کند، و علاوه بر آن مایعی اطراف جنین را فرا گرفته که از تمام صدمات [ممکن] جلوگیری می‌نماید و عجیب‌تر اینکه تمام رحم در لگن زن به بندهایی به اطراف لگن آویزان است، رحم و جنین جاری و روان می‌باشند، و میان رحم و جنین مایعی است که تمام صدمات و فشارهای (ممکن) را می‌گیرد، برخی پزشکان متخصص استخوان و مفصل‌شناس می‌گویند: استخوان‌های لگن سخت‌ترین استخوان در نوع بشری است، و این سختی سبب جلوگیری از صدمات می‌باشد.

تمام این توضیحات در آیه زیر جای می‌گیرد که قرآن با بیانی رسا می‌فرماید: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾ [مؤمنون: ۱۳]

ترجمه: باز او (انسان) را نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم (که همانا رحم است).

^۱ - مسند احمد بن حنبل جزء ۱ ص ۴۶۵.

مراحل سه گانه بارداری

خداوند عزوجل می فرماید :

﴿وَالَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ [بقره : ۲۳۴]

ترجمه: و کسانی که از شما می میرند و همسرانی از خود به جای می گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند.

انسان از این رقم و تعداد معین تعجب می کند (چهار ماه و ده روز) چرا چهار ماه یا پنج ماه یا شش و یا دو و سه ماه نگفته است؟ پزشکان می گویند: زن حامله سه مرحله را پشت سر می گذراند، مرحله اول، مرحله شک، که در آن مرحله عادت ماهیانه قطع می شود و انقطاع عادت ماهیانه علامت حمل زن می باشد، اما آیا این علامت قطعی است؟ نه خیر، زیرا بسیاری اوقات عادت ماهیانه به دلایلی (غیر از حمل) قطع می گردد، مانند اضطرابات روحی، یا هورمونی و یا به علت اختلال در دستگاه تناسلی زن، تمام موارد فوق مستلزم انقطاع عادت ماهیانه می گردد، پس انقطاع دوره دلیل قطعی بر حامله بودن نیست، و بعد از مرحله شک به مرحله دوم مرحله ظن و گمان پای می نهد، به طوری که عارضه های درونی مانند ناراحتی جهاز هضمی، استفراغ، سرگیجه، میل به عزلت و عارضه های هضمی و تنفسی به وی روی می آورند به طوری ظن غالب بر این است که زن حامله است، ولیکن آیا این مرحله نیز دلیل قاطعی بر حمل می باشد؟ دوباره جواب منفی است؛ زیرا عارضه هایی هستند که اسمشان عارضه های حمل کاذب است، ناگهان دوره ماهیانه برگشته و حمل الغاء می گردد، و اما در روز بیست و ششم بعد از صد (روز) یعنی در روز دهم بعد از چهار ماهی که قرآن کریم ذکر نموده است قلب جنین می تپد، و با تپش قلب حرکت می نماید، و زن حرکت و تکان آن را احساس می نماید، در این هنگام زن به مرحله سوم که مرحله یقین باشد، وارد می شود. پس حرکت کودک در شکم مادر دلیل قطعی و مطمئن بر حمل می باشد.

این حقایق پزشکی با قرآن کریم تطابق و هماهنگی عجیبی دارد، در روز بیست و ششم بعد از صد [روز] قلب جنین می تپد، و همراه با تپش قلب تکان می خورد و زن به مرحله سوم مرحله یقین وارد می شود.

﴿ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [الأنعام: ۹۶] ترجمه: این است طرح و تدبیر خدای دانا و مقتدر.

معانی کلمات

وَلَقَدْ: به حقیقت، بدون تردید.

خَلَقْنَا: پیدا کردیم، آفریدیم.

طَبِينٌ كِل: طین: گِل.

فَكَسَوْنَا: پس پوشانیدیم.

الْعِظَامُ: استخوان ها.

لَحْمًا: گوشت.

روش تدریس: مباحثی، توضیحی، کار گروهی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر، پوسترها.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی از یکنفر شاگرد می‌خواهد تا مقاله اش را در باره نعمت آب و اهمیت آن در زنده گی بخوانش بگیرد و نکات مشکل را با مشارکت شاگردان حل می‌سازد، سپس با طرح چند پرسش مختصر به ارتباط درس گذشته، میزان فهم و یاد گیری شاگردان را ارزیابی می‌کند و سپس عنوان درس جدید (مراحل خلقت انسان در پرتو قرآن کریم) را به خط خوانا و درشت به تخته صنف می‌نویسد و بالترتیب هر یک را توضیح نموده و سپس از چند شاگرد بخواهد تا یک یک عنوان جانبی درس را به نوبت تشریح نمایند.</p>
۲۵ دقیقه	<p>- معلم محترم آیات مبارکه شماره (۱۲-۱۴) سورة مؤمنون را بالای سه نفر شاگرد بالنوبه تلاوت نماید و اشتباهات قرائتی و تجویدی شان را اصلاح نماید و بعد کلمات درس را بر تخته نوشته و با استفاده از ترجمه و تفسیر آیات کلام الهی ﷻ و در مطابقت با اکتشافات طب معاصر در مورد خلقت انسان در مراحل مختلف و مظاهر قدرت، عظمت وحدانیت او تعالی با شاگردان مباحثه علمی نماید و در هر نقطه به سؤالهای شاگردان جواب قناعت بخش ارایه نماید، و بیشتر به جنبه‌های عینی و فیزیکی شناخت آدمی که طب امروز و علوم بیولوژیکی و کتلوی از طریق پوسترها آزمایشگاه‌های برقی و لابراتوارها در تأیید ارشادات قرآنی مکاشفه نموده اند به بحث و بررسی بگیرند.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را به هفت گروه تقسیم نماید و به هر گروه مطابق ارشاد آیت کریمه شماره (۱۲-۱۴) سورة مؤمنون هفت موضوع را هدایت بدهد تا پیرامون آن چهار گروه تبادل نظر نمایند و سه گروه دیگر خلاصه نظریات را نوت کرده در پایان فعالیت به همگان قرائت کنند.</p> <p>گروه اول: در باره خلقت انسان از طین (گل).</p> <p>گروه دوم: در باره خلقت انسان از نطفه (آب منی).</p> <p>گروه سوم: در باره علقه (خون بسته).</p> <p>گروه چهارم: در باره (مضغه) گوشت جویده شده یا پاره از گوشت.</p> <p>گروه پنجم: در باره شکل گیری جهاز عظمی (استخوان بندی).</p> <p>گروه ششم: در باره نموی جهاز عضلی و تنظیم سلولهای عظمی با عضلی.</p> <p>گروه هفتم: در باره ترکیب کامل عیار صورت انسان به خلقت تازه و دمیدن روح در قالب آدمی.</p> <p>خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> ■ آیات شماره (۱۲-۱۴) سورة المؤمنون یکی از شگفت انگیزترین آیات قرآن کریم در بخش اعجاز لفظی و علمی و توحیدی می‌باشد. ■ مراحل خلقت انسان از یکسو بر وجود وحدانیت الله جل جلاله گواه و شاهد است و از سوی دیگر به صدق رسالت و نبوت حضرت محمد ﷺ و حقانیت قرآن مجید و رهنمایی و سعادت بشر شهادت می‌دهد. ■ قرآن کریم پانزده قرن پیش از امروز پدیده‌های شگفت آفرین مظاهر قدرت الهی ﷻ در انسان و جهان را به زبان عربی مبین بیان فرموده است.

<p>▪ قرآن کریم انسان را به این تفکر می‌انگیزاند تا در ساختمان وجود خود و مراحل تطور آن از حین خلقت تا سن رشد و کمال در پرتو علم طب به آثار قدرت و علم الهی پی ببرد.</p> <p>ارزیابی</p> <p>معلم محترم با استفاده از سؤال‌های متن درس شاگردان را ارزیابی می‌کند.</p> <p>۱. مراحل تکوین جنین را با ترتیبی که در آیات مبارکه این درس آمده توضیح نمایید.</p> <p>۲. مفهوم هر یک از مراحل تکوین جنین را که قرآن کریم توصیف نموده توضیح بدهید.</p> <p>۳. در باره اعجاز علمی قرآن کریم با استفاده از مراحل تکوین جنین در ارتباط با اکتشافات علم طب و جنین شناسی عصر جدید تشریح نمایید.</p> <p>کارخانه گی</p> <p>معلم محترم مطابق هدایت کتب درسی کارخانه گی توصیه کند.</p>	<p>۵ دقیقه</p> <p>۱۰ دقیقه</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------

درس چهارم

عنوان: انسان ارزشمندترین آفریدگان الهی است

صفحه: ۱۶

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- به مفهوم تحلیلی و موضوعی آیت مبارکه شماره (۷۰) سورة اِسرائ آشنا شوند.
- کرامت انسانی خود و افراد جامعه را محترم شمرده رعایت کنند.
- صورت ظاهری و مواهب کمالی و استعدادی انسان را در پرتو ارشادات قرآنی بیاموزند.
- فضیلت و برتری انسان را بر سایر مخلوقات به دیگران برسانند.

دانش لازمی

انسان بیهوده خلق نشده و مهمل فرو گذاشته نخواهد شد

خداوند متعال می فرماید: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَبِيرِ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۶]

ترجمه: آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده خلق کردیم و بعد از مرگ هرگز به ما رجوع نخواهید کرد؟ خداوندی که فرمانروای راستین است و هیچ پروردگاری جز او نیست و صاحب عرش عظیم است. (و برتر از بیهوده آفریدن است). هر انسانی که گمان می برد خداوند او را بیهوده آفریده است چاره ای ندارد مگر اینکه چشمان خود را ببندد تا بداند که آیا این دو چشم بیهوده آفریده شده اند، یا سعی کند گوش های خود را ببندد تا به حکمت وجودی آنها پی ببرد، یا انگشتان خود را قطع نماید تا ببیند بیهوده خلق شده اند، یا رگ کوچکی از بدن خود را قطع کند می بیند که چه دردهای سختی به همراه دارد؟ اگر انسان در نفس خود به خوبی بیندیشد در خواهد یافت که برای پی بردن به حکمت وجودی اجزای انسان، نیاز مند سال ها تحصیل در زمینه علم طب می باشد.

به هنگام طرح این پرسش که هدف و حکمت از خلق اجزای وجود انسان چیست؟ متخصصان این علم جواب خواهند داد: انجام وظیفه ای که به اجزای جسم محول شده تا کیان انسان سالم بماند: پس، دهان برای کل بدن تغذیه می کند و قلب خون را به تمام اعضا روانه می دارد، اینچنین کلیه اعضا کار می کنند تا اعمال بدن تنظیم شود. هنگامی که هر جزء در وجود انسان برای حکمتی خلق شده باشد و این حکمت به گونه ای باشد که به طور کامل به ادای وظیفه خود پردازد، آیا به فکر انسان عاقل خطور می کند که انسان بیهوده خلق شده است؟!

بزرگترین نادانی

قضاوت ما در باره کسی که حکمت خانه ای را که در آن ساکن است، فرشی که آنرا پهن کرده است یا لباسی را که می پوشد نمی داند چگونه می باشد؟ بدون شک موضع ما در برابر این نادان، تعجب و مسخره کردن او به خاطر نادانی اوست. اما از او نادان تر کسی است که حکمت خلق چشم، گوش، دهان و سر خود را نمی داند. چون این جهل به مراتب بیشتر از جهالت کسی است که حکمت وجودی خانه، لباس و فرش را نمی داند، با وجود این، جهالت بالاتر از

این نیز وجود دارد و آن نادان کسی است که حکمت وجودی خود را به طور کامل نمی‌داند و نمی‌داند برای چه رسالتی آفریده شده و هدف از تولد او چیست.

حکمت از آفرینش انسان

همیشه برای کافران و نادانان این دو سؤال مطرح است که " آیا برای زندگی کردن می‌خوریم؟ " یا " برای خوردن زندگی می‌کنیم ". اما مسلمان می‌داند که هدف و حکمت از وجود و خلقت وی بندگی و عبادت پروردگار است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا * إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾

[الذاریات: ۵۶ _ ۵۸]

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند و از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند، بی گمان خداوند است که روزی بخش و دارای قوت متین است. خداوند در آیه فوق صورتی را که باید از او اطاعت کنیم مشخص کرده است، اینگونه بندگی ما نسبت به او تحقق می‌یابد و ما خلیفه او در زمین خواهیم شد و به هر آنچه که او دستور داده است عمل می‌کنیم و از هر چه نهی کرده دوری می‌ورزیم.

زمانی که هر جزء از اجزای ما گواهی می‌دهد که بیهوده خلق نگشته و خداوند آنرا برای حکمتی آفریده است و هنگامی که هدف از خلقت انسان در این دنیا معلوم نشود نتیجه ای که گرفته می‌شود آنست که حکمت خلق انسان در دنیای دیگر که همه نسل‌های بشری یکی بعد از دیگری به سوی آن می‌روند آشکار خواهد شد.

زندگانی ما در این دنیا به زندگی جنین در رحم شباهت دارد؛ بطوری که اگر جنین با خود فکر نماید هدف از خلق دست و پا، چشم و گوش و شش برای او چیست؟ او از هدف و حکمت خلق هیچ یک از آنها آگاه نیست و با خود می‌گوید بیهوده خلق شده‌اند؛ ولی وقتی از رحم خارج گشت به حکمت خلق وجودی همه آنها پی خواهد برد و می‌داند که بیهوده خلق نشده‌اند. زندگی ما نیز به زندگی این جنین شباهت دارد؛ یعنی هدف از خلقت خود را به طور کامل نمی‌دانیم. مرگ برای ما مانند خارج شدن جنین از رحم و درک حقایق است.

روش تدریس: مباحثی، توضیحی، سؤال و جواب.

معانی کلمات

كَرَّمْنَا: کرامت و اعزاز بخشیدیم.

وَفَضَّلْنَا: فضیلت و برتری دادیم.

مواد ممد درسی: کتاب درسی و کتب تفسیر شریف.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی از کارخانه گی شاگردان می‌پرسد و به قسم نمونه مقاله یک شاگرد را در باره مراحل خلقت انسان در روشنایی اکتشافات علمی روز می‌شنود و به تشویق شاگردان می‌پردازد.</p> <p>معلم محترم با طرح سؤال‌های کوتاه درس گذشته را ارزیابی نموده و با نوشتن عنوان درس جدید (انسان ارزشمندترین آفریدگان الهی است)، ارتباط منطقی درس جدید را با درس گذشته ارایه می‌کند.</p>
۲۵ دقیقه	<p>- معلم محترم نص آیت مبارکه شماره (۷۰) سورة اِسرائ را توسط یکنفر شاگرد تلاوت می‌کند و سپس به شاگردان موقع می‌دهد تا پیرامون موقف و مقام والای انسان با هم در گروپ‌های دو نفری مباحثه کنند.</p> <p>- معلم محترم عناوین جانبی درس (توازن و زیبایی شکل و صورت، زمین مسخر انسان است، تسخیر بحرها و فضیلت و برتری انسان بر مخلوقات) موضوعات محوری درس را در تخته رو نویس نموده و سپس از دو شاگرد می‌خواهد تا نتیجه بحث شانرا در مورد مقام و کرامت انسان به هم‌صنفی‌های شان بیان کنند و سپس مواردی را که شاگردان به آن اشاره نکرده اند با استفاده از متن درس به شاگردان افاده می‌دارد.</p> <p>- معلم محترم از شاگردان بخواهد تا از بین شان دو نفر بصورت داوطلبانه در باره موضوع درس و شناخت انسانی خود بدیعه پردازی کنند و در هر مرحله معلم به تشویق شان پردازند.</p> <p>- معلم محترم از شاگردان بخواهد تا در گروپ‌های دو نفری در باره منافع انسانها و فراهمی رزق شان را از بحرها با هم بحث و گفتگو نموده و در پایان بحث یکنفر شاگرد به نماینده گی از صنف نتیجه را به صنفی‌ها ارایه نماید.</p> <p>خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> ■ در آیت مبارکه درس، الله تعالی به مقام شامخ انسانی و نوازش‌های الهی ﷻ که در حق بنی نوع انسان عنایت فرموده است، ارشادات نیکویی دارد. ■ تکریم الهی ذکر شده در آیت مبارکه برای گروه و یا قوم خاصی نبوده و فراگیر همه بنی نوع انسان می‌باشد. ■ خداوند متعال انسان را بر سایر مخلوقات مزیت و برتری داده و او را در بهترین شکل و صورت آفریده است. ■ یکی از مظاهر تکریم و برتری انسان مسخر گردانیدن نیروهای طبیعت در زمین و آنچه که در زمین است برای وی می‌باشد و از بر و بحر و منافع آنها استفاده می‌نماید که الله تعالی آن را، رام و قابل انتفاع انسان ساخته است.

■ از مظاهر دیگر تکریم خداوند تعالی برای انسان موهبت عقل، بصیرت و هوشمندی است و بزرگترین فضیلت و برتری انسان خلافت او در روی زمین است.

ارزیابی

معلم محترم جهت اطمینان از آموزش با مفهوم درس، شاگردان را با استفاده از سؤالهای طرح شده کتاب درسی چنین ارزیابی کند.

۱. در آیت مبارکه پنج نوع تکریم برای بنی نوع انسان ذکر گردیده هر یک را بیان نمایید.

۲. مظاهر نعمت‌های الهی برای انسان را در بر (خشکه) مختصراً توضیح بدهید.

۳. فرق میان رزق و روزی انسان و سایر حیوانات و زنده جانها چیست؟

۴. انسان در مقابل این همه تکریم و نعمت‌های الهی چه مکلفیت دارد؟

۵. (خواص بنی آدم؛ حتی نسبت به فرشته گان خدا ﷺ برتری دارند) را توضیح بدارید.

۶. فرق میان تکریم و فضیلت برای انسان چگونه بوده ارایه نمایید.

۱۰ دقیقه

کارخانه گی

معلم محترم با استفاده از کتاب درسی به شاگردان کارخانه گی را رهنمایی نماید.

درس پنجم

عنوان: «آیه الكرسي» نقطه عروج قرآن

صفحه: ۲۱-۲۵.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- صفات وحدانیت، حیات، قیومیت، مالکیت که از آیه الكرسي شریف استنباط می گردد بیاموزند و به دیگران بگویند.
- آیه الكرسي شریف را خوب بفهمند و بعد از هر نماز آن را تلاوت کنند.

دانش لازمی

شفاعت

شفاعت در حقیقت مسأله‌ی بسیار مهم در باب توحید و شرک است. اکثر مشرکین معبودان خود را بعنوان شفیع، عبادت و پرستش کرده‌اند. در حالی که عبادت با تمام اقسامش حق اختصاصی رب العالمین است. در دنیا سه نوع شفاعت بین انسان‌ها معمول است:

(۱) شفاعت وجاهت (پست و مقام).

(۲) شفاعت محبت.

(۳) شفاعت بالاذن.

۱- شفاعت وجاهت (پست و مقام) آنست که مشفوع له را بدون رضایت شفاعت پذیر بری می گرداند. شفاعت پذیر از مقام و پست شفیع احساس خطر می کند و بدون اراده قلبی بناچار شفاعت صاحب پست و مقام را از روی مصلحت می پذیرد، مثالش را چنین بیان کرده‌اند: سارق هنگامی که گرفتار می شود و حاکم می خواهد جهت اجرای حد دست او را قطع کند، وزیری، بعنوان شفیع بمحضر او بشفاعت می پردازد. حاکم از مقام بلند او تحت تأثیر قرار می گیرد و شفاعت در حق سارق را مصلحتاً می پذیرد اگر چه قلباً نمی خواست آن سارق را عفو کند. سبب پذیرش شفاعت وزیر مقام و پست او می شود. این نوع شفاعت به پیشگاه احکم الحاکمین امکان پذیر نیست، که خداوند متعال از مقام وجاهت کسی تحت تأثیر قرار گیرد و شفاعت او را بپذیرد. خداوند متعال پاک و مبرا است از اینکه از وجاهت و مقام کسی مرعوب باشد و شفاعت او را بدون رضایت و پسند خودش بپذیرد چنانکه حاکم بدون رضایت و پسند قلبی اش از پست و مقام وزیر مرعوب می شود و شفاعت او را مصلحتاً در حق سارق می پذیرد.

حکم این نوع شفاعت: اگر کسی این عقیده را داشته باشد که خداوند متعال از مقام و وجاهت کسی تحت تأثیر قرار می گیرد و بدون رضایت خودش شفاعت آنها را می پذیرد این چنین عقیده نسبت به خداوند متعال کفر است؛ چون که خداوند متعال از جاه و مقام هیچ احدی از مقربان خودش خوف و هراس ندارد و نسبت به حکومت خودش از هیچ صاحب پست و مقامی احساس خطر نمی کند، برخلاف پادشاهان دنیا که از وزرای خویش برای کشورشان احساس خطر می کنند. علامه شاه اسماعیل شهید می فرماید: اگر کسی چنین عقیده‌ای داشته باشد که خداوند متعال از وجاهت و

مقام پیامبر، امام، ولی، شهید یا فرشته‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد بدون رضایت خودش شفاعت آنها را می‌پذیرد، حقا که مشرک و جاهل مطلق نسبت به ذات اقدس سبحانه و تعالی است و او مقام شامخ مالک الملک را نفهمیده است.^۱

۲- شفاعت محبت آنست که محبت شفیع باعث پذیرش شفاعت شود اگر چه شفاعت پذیر قلباً خشنود و راضی در پذیرش شفاعت نبوده است.

مثال شفاعت محبت: دزدی محکوم به مجازات قطع دست شده است. یکی از محبوبان حاکم برایش شفاعت می‌کند، مثل زن یا فرزند او، حاکم از محبت محبوبان خودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد بدون رضایت و خشنودی قلبی سارق را عفو می‌کند، اگرچه از مقام آنها احساس خطری برای حکومت خودش نداشت لیکن محبت آنها او را مجبور به پذیرش شفاعت می‌کند. شاه اسماعیل شهید می‌فرماید: که این نوع شفاعت به پیشگاه رب العالمین امکان ندارد و اگر کسی این عقیده شفاعت را نسبت به خداوند متعال داشته باشد او مشرک و جاهل مطلق نسبت بذات مقدس رب العالمین است.

۳- شفاعت بالاذن آن است که شخصی در محضر الله سبحانه و تعالی مطابق خشنودی و رضامندی او برای دیگران شفاعت بکند.

مثلاً کسی را نفس اماره فریب داده است و او مرتکب عملی خلاف قانون شده است، اما قصد تخلف را نداشته و بر آنچه مرتکب شده نادم و پشیمان است، گریه و زاری می‌کند و خود را مجرم می‌شناسد و به حقانیت قانون معترف و مقرر است و اعتراف به تقصیر و جرم دارد.

حاکم را بر او ترحم می‌آید و اظهار می‌دارد که مجرمی حرفه‌ای نیست و بر آنچه مرتکب شده اعتراف دارد. اطرافیان حاکم احساس می‌کنند که حاکم می‌خواهد این مجرم را عفو کند، لیکن عفو بدون توجیه را خلاف مصلحت و قانون می‌داند. چون که اگر بدون توجیه عفو کند برای قانون هیچ احترامی باقی نمی‌ماند؛ لذا آنها از اشارات و کنایات یا تصریح حاکم متوجه می‌شوند که او می‌خواهد مجرم را عفو کند، لیکن مشروط بتقاضای عفو از او، آنها نیز در حق مجرم شفاعت می‌کنند و حاکم که قلباً می‌خواست او را عفو کند شفاعت آنها را می‌پذیرد و مجرم را عفو می‌کند این را «شفاعت بالاذن» می‌گویند.

حکم این شفاعت: این شفاعت نزد اهل سنت حق و ثابت است در این دو فایده وجود دارد اول احترام قانون، دوم اکرام شفیع. علامه شاه اسماعیل شهید می‌فرماید: این نوع شفاعت به بارگاه ایزد منان امکان دارد و انجام می‌گیرد و آنچه در قرآن مجید و احادیث سرور کاینات منقول شده است همین شفاعت بالاذن مراد است که انبیاء علیهم السلام و اولیاء الله به اذن و اجازه خداوند متعال آن را انجام می‌دهند.^(۲)

^۱ - تقویة الإیمان ص ۳۵: مؤلف شاه اسماعیل ابن عبدالغنی دهلوی.

^۲ - شاه اسماعیل دهلوی مشهور به اسماعیل شهید فرزند عبدالغنی دهلوی و نواده شاه ولی الله دهلوی یکی از علماء و محدثین مشهور شبه قاره هند و نویسنده کتاب تقویة الإیمان می‌باشد، علاوه از خدمات علمی رهبری مسلمانان را به دوش داشت و در مقابل استعمار انگلیس جهاد نمود و در سال ۱۲۴۳ هـ ق در معرکه بالاکوت به شهادت رسید.

خلاصه: شفاعت وجاهت و محبت در حقیقت مورد خشنودی و پسند شفاعت پذیر نیستند بلکه از خوف مقام صاحب مقام و از ترس رنج محبوبان شفاعت آنها را می پذیرد و خلاف آنچه تصمیم گرفته بود عمل می کند.

این دو نوع شفاعت به پیشگاه احکم الحاکمین امکان ندارد، حتی در ادیان سماوی گذشته کسی معتقد به این دو نوع شفاعت در دنیا و آخرت نبوده است. چون که خلاف شأن عظیم الله سبحانه و تعالی به حساب می آید.

لیکن مشرکین مکه عقیده شفاعت محبت را داشتند. قرآن مجید شدیداً عقیده آنها را رد کرده و عقیده شفاعت محبت را از نوع شفاعت قهری و شرکی قرار داده است.

و در حقیقت در شفاعت بالاذن مؤثر حقیقی خشنودی و رضامندی شفاعت پذیر است و شفاعت ثمره رحم و احسان و اذن اوست اگر چه ظاهراً شفاعت را سبب قرار داده است، و در این نوع شفاعت دو حکمت پنهان است.

اول تعظیم و تکریم شفیع، دوم تکریم و احترام قانون خداوندی و این شفاعت هرگز خلاف عظمت و عزت رب العالمین نیست چون که در واقع این شفاعت اثر ترحم و اکرام احکم الحاکمین است.

در اثبات شفاعت بالاذن و نفی شفاعت قهری آیات و احادیث متعددی نقل شده که به ذکر برخی آن اکتفاء می شود، مانند این قول خداوند متعال:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [بقره: ۲۵۵] ترجمه: چه کسی است که بتواند بدون اجازه خداوند در پیشگاه او شفاعت و میانجیگری کند؟.

در این جمله که بصورت استفهام انکاری ذکر شده است شفاعت قهری را نفی و بالاذن را اثبات نموده است.

و در سوره سبا آیه ۲۳ چنین فرموده است:

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ [سباء: ۲۳] ترجمه: شفاعت سودی در پیشگاه الهی ندارد مگر برای کسی که او تعالی اجازه دهد.

و در سوره النجم فرموده است:

﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ [نجم: ۲۶] ترجمه: فرشتگان زیادی در آسمانها قرار دارند که شفاعت آنها هیچ سودی ندارد مگر بعد از اذن خداوند متعال که برای هر کسی بخواهد و از او خشنود باشد.

از آیات مبارکه معلوم می شود که شفاعت بدون اجازه رب العالمین انجام نمی گیرد برای هیچ کسی هیچ شفیعی نمی تواند بدون اذن شفاعت کند؛ بلکه همه آنها (فرشتگان و انبیاء علیهم الصلاة والسلام) گوش بفرمان رب العالمین هستند؛ حتی یک سخن هم بدون اجازه رب العالمین تلفظ و تکلم نمی کنند چنانکه این مطلب را در سوره نبا آیه ۳۷ بیان فرموده است:

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ [نبا: ۳۸] ترجمه: روزی که در محضر رحمن، روح (جبرائیل علیه السلام) و فرشتگان بصورت صف می ایستند هیچ احدی تکلم نمی کند مگر کسی که به او رحمن اجازه بدهد و او مطابق رضامندی او سخن بگوید.

از آیه شریفه معلوم می شود که معززترین فرشته که جبرئیل امین باشد بدون اذن و اجازه رب العالمین سخن نمی گوید، پس چگونه بدون اذن برای کسی شفاعت می کند؟

در تشریح این آیه و آیه‌های ماقبل علامه ابن کثیر فرموده است :

«وأخبر أن الملائكة التي في السموات من المقرين وغيرهم، كلهم عبيد خاضعون لله، لا يشفعون عنده إلا بإذنه لمن ارتضى، وليسوا عنده كالأمراء عند ملوكهم، يشفعون عندهم بغير إذنه فيما أحبه الملوك وأبوه»^۱.

مفسر می‌فرماید که خداوند متعال خبر داده است که ملائکه که در آسمان‌ها، وجود دارند از مقربین و غیره در پیشگاه خداوند متعال خاشع و خاضع‌اند و به پیشگاه او تعالی شفاعت نمی‌کنند، مثل امراء به دربار ملوک نیستند که بدون اذن و اجازه ملوک به شفاعت می‌پردازند در مواردی که ملوک آنها را پسند دارند یا اینکه پسند ندارند.

در پیشگاه رب العالمین به هیچ عنوانی سخن گفته نمی‌شود چه جایی که شفاعت برای کسی انجام گیرد.

وقتی که شفاعت به اذن خداوند متعال انجام می‌گیرد بر ما بندگان لازم است که فقط او سبحانه و تعالی را در هر جا و هر وقت بخوانیم او به هر کسی از بندگان مقربش که بخواهد اجازه شفاعت برای ما می‌دهد و به این خاطر دستور داده است که هر جا و هر وقت فقط او را بخوانیم و بس، و شفاعت شافعین را نیز از او بخواهیم؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام در دعای اذان به ما آموزش داده است که مقام محمود و مقام وسیله و فضیلت و شفاعت را برای او از خداوند متعال مسئلت نماییم.

«اللهم رب هذه الدعوة التامة، والصلاة القائمة، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وابعنه مقاماً محموداً الذي وعدته، [إنك لا تخلف الميعاد]» و فی روایة: «وارزقنا شفاعته» «ای الله! مالک این دعوت کامله و نماز قائمه عنایت بفرما به محمد ﷺ مقام وسیله و فضیلت را و مبعوث بگردان او را در مقام محمود که به او وعده کرده‌ای، یقیناً تو وعده را خلاف نمی‌کنی». و در یک روایتی آمده است: «و نصیب ما بگردان شفاعت او را». از دعای اذان معلوم می‌شود که مقام محمود و مقام وسیله و فضیلت را برای سرور کاینات باید از خداوند متعال مسئلت کرد.

همچنین در دعاء جنازة اطفال، سرور کاینات به امتش آموزش داده است که شفاعت اطفال را نیز از خداوند متعال مسئلت نمایند.

«اللهم اجعله لنا فرطاً واجعله لنا أجراً وذخراً واجعله لنا شافعاً ومشفعاً» ای الله! این طفل را برای ما پیش فرستاده‌ای بگردان و او را برای ما اجر و ذخیره ای قرار بده و او را برای ما شافع بگردان و شفاعت او را برای ما بپذیر. و در هیچ آیه‌ای و حدیثی خداوند متعال به ما دستور نداده است که انبیاء و اولیاء و فرشتگان او را بعنوان شفیع بخوانیم و برای آنها نذر و خیرات بدهیم. بر ما بندگان لازم است که از خداوند متعال کمک و استمداد بخواهیم او تعالی اختیار دارد از هر کسی به هر کیفیتی که بخواهد برای ما کار بگیرد، لذا بر همه ما لازم است که تنها یک خدای قادر و توانا را بخوانیم، او مختار است که هر کس را اذن شفاعت یا دستور خدمت برای ما بدهد.

^۱ - ابن کثیر ص ۴۵، ج ۴.

معانی کلمات

الْحَيُّ: دارای حیات کامل و به معنای پایدار ابدی که فنا بر او عارض نمی‌شود.

الْقَيُّومُ: هر آن که به تدبیر امور و شؤون خلق می‌پردازد.

سِنَةٌ: خواب پینکی.

نَوْمٌ: خواب.

يَشْفَعُ: سفارش می‌کند.

وَسِعَ: فراخ است.

وَلَا يَؤُودُهُ: او را سنگین و خسته نمی‌کند.

حِفْظُهُمَا: نگهبانی آسمانها و زمین.

الْعَلِيِّ: منزلت بلند و مقام عالی که خدای متعال از آن برخوردار است.

إِكْرَامًا: وادار کردن انسان به امری که از آن بیزار است از طریق جبر و قهر.

الطَّاعُونَ: از طغیان آمده و به معنی هر چه انسان را یاغی کند و از طریق حق و هدایت او را گمراه کند.

الْوُثْقَى: محکم و استوار.

انْفِصَامًا: به معنای شکستن و گسستن است.

روش تدریس: بیان شفاهی، سؤال و جواب، توضیحی و مباحثی.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، پوستر آیة الکرسی، شکاستیپ.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>- معلم محترم بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح پرسشهایی ارزیابی می‌کند و میزان یادگیری شاگردان را سنجش نموده، هر گاه در بین شاگردان کدام مشکل و پرسشی رونما گردد، در حل آن می‌پردازد، سپس با ارتباط دادن درس جدید با درس گذشته و تحلیل جوانب موضوعات تفسیری هر درس، (انسان ارزشمندترین آفریده گان الهی و فضیلت (آیة الکرسی نقطه عروج در قرآن) بیان شفاهی نماید.</p> <p>معلم محترم عنوان درس جدید را به تخته نوشته و از شاگردان می‌خواهد تا در گروپ‌های دو نفری آیت (۲۵۵) سورة بقره که آیة الکرسی مبارکه است یکی برای دیگر بخوانند و سپس به نمایندگی از همه شاگردان یک نفر آیت مبارکه را به قرائت ترتیل تلاوت کند.</p>
۲۵ دقیقه	<p>- معلم محترم پوستر کلمات آیة الکرسی را به دیوار صنف می‌آویزد و به ترجمه و تفسیر مفاهیم و نکات مهم آیة الکرسی شریف به شاگردان معلومات می‌دهد.</p> <p>- معلم محترم با استفاده از کلمات مقدسه قرآن کریم که در آیة الکرسی شریف چون صفت وحدانیت، صفت حیات، صفت قیومیت و سائر صفات ذات واجب الوجود الله تعالی و فضیلت عظمت این آیت و اینکه در این آیت به اسم اعظم اشاره شده است با فرمایشات تأییدی نبی کریم ﷺ به همراه شاگردان مباحثه می‌کند.</p>

- معلم محترم از شاگردان بخواهد تا متن درس را با هم خاموشانه بخوانند و در صورت مواجه شدن با مشکل از معلم استمداد جویند.

خلاصه درس

- آیه الکرسی نقطه اوج قرآن و مشتمل بر ده جمله مستقل است که هر کدام دارای مفاهیم عالی و همه جانبه می باشد.
- آیه الکرسی بیانگر وحدانیت، صفات عظیمه الله تعالی بوده و هژده بار اسمای خدای تعالی به شکل اسم ظاهر و یا ضمیر درین آیت یاد شده اند.
- در آیه الکرسی صفات حیات، قیومیت، مالکیت، حاکمیت، معبودیت و تصرف علم باری تعالی به صورت واضح متبلور است.
- هیچکس و هیچ نیروی انسانی و مادی توانمندی احاطه علم الهی را ندارد.
- بر الله تعالی هیچگاهی أعراض چون خواب و پینکی أعراض نمی گردد و از آن پاک و منزّه است.
- گذشته و آینده بندگان در پیشگاه علم خداوند تعالی یکسانند.
- آسمانها و زمین و ملک و ملکوت زیر فرمان و اراده و تدبیر و اداره خدای دانا و توانا قرار دارند که نگهداری آنها هیچگونه ثقلت و سنگینی (خستگی و درمانده گی) را بر الله تعالی وارد نمی کند.
- این آیت کریمه به صفات علیت و عظمت الهی به یک خاتمه منطقی و زیبا افاده شده و دال بر این است، ذاتی که چنین اوصاف بزرگ دارد تنها و تنها لایق پرستش می باشد.

ارزیابی

معلم محترم جهت اطمینان از میزان یادگیری مفاهیم و اطلاعات درس، شاگردان را با طرح سؤالات از کتاب درسی ارزیابی می کند.

کارخانه گی

معلم محترم با استفاده از کتاب درسی به شاگردان کارخانه گی توصیه می کند.

۵ دقیقه

۱۰ دقیقه

درس ششم

عنوان: زمین برای منفعت انسان

صفحه: ۲۶ - ۲۹.

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- به مفاهیم توضیحی و تفسیری آیات مبارکه (۱۵-۱۷) سورة (الملک) آگاهی کامل حاصل نمایند.
- به اعجاز تکوینی قرآن کریم و مظاهر شگفت انگیز زمین پهناور درست پی ببرند.
- از منافع و منابع سرشار مادی و معنوی زمین استفاده درست و متوازن کرده بتوانند.
- با استفاده از نکات مهم درس و پیام سعادت بخش آیات مبارکه در تقویت ایمان خود و دیگران بکوشند.

دانش لازمی

زمین گهواره زندگی انسان

ما بر روی سیاره‌ای به نام زمین زندگی می‌کنیم؛ اما چرا از میان تمام سیاره‌های منظومه شمسی: عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون، فقط زمین است که برای حیات مناسب است؟ در مورد هر کدام به معلوماتی جزئی می‌پردازیم تا موضوع برای ما روشن گردد.

سیاره عطارد: این سیاره دارای هشتاد و هشت روز در سال یعنی چهل و چهار شب و چهل و چهار روز پی در پی می‌باشد. آیا چنین شرایطی برای زندگی مناسب است؟ هر چه که می‌خواهی و بیدار می‌شوی، شب به انتها نمی‌رسد هر چهار فصل سال در این هشتاد و هشت روز است و این ستاره در این مدت دور کامل خورشید را تمام می‌کند. علاوه بر این فاقد هواست که با این اوصاف، شایسته زندگی نیست.

سیاره زهره: دارای دوصد و بیست و پنج روز است که نصف آن در حدود صد روز شب و بقیه روز پی در پی است. اما هوای آن در روز به بیست درجه می‌رسد و شب‌ها به بیست درجه زیر صفر تنزل می‌کند. آیا چنین شرایطی برای زندگی مناسب است، جایی که نه هوا و نه آب وجود دارد.

سیاره مریخ: هر چند که دارای روز بیست و چهار ساعته می‌باشد اما هر سال آن ششصد و هشتاد و هفت روز است، اگر انسان در آنجا زندگی کند، باید پس از سه نسل بتواند فصلی مانند تابستان را ببیند یعنی هیچ پدری به همراه فرزندش قادر به دیدن فصل جدید نیست و نمی‌توانند از زیبایی‌ها و تغییرات متنوع، که حاصل تغییر فصول است بهره‌مند شوند، این سیاره در مدت ششصد و هشتاد و هفت روز به دور خورشید می‌چرخد و دمایی برابر هفتاد درجه زیر صفر دارد و از آب و هوای خبری نیست. آیا چنین مکانی شایسته زندگی است؟

سیاره مشتری: که روزهای آن با گذشت پنج ساعت به انتها می‌رسد و هر سال آن دوازده روز است و حرارتی برابر صد و سی درجه زیر صفر و ضخامتی برابر $\frac{1}{4}$ ضخامت زمین دارد، در واقع سیاره‌ای متشکل از گازها است، آیا اینجا نیز شایسته زندگی است؟

زحل: سیاره‌ای است با داشتن بیست و نه روز در سال و در حدود یک میلیارد و چهارصد هزار کیلومتر با خورشید فاصله دارد.

اورانوس: هر سال آن چهل و هشت روز است و نپتون هر سال آن صد و شصت و نه روز است و پلوتون هر سال آن دوصد و چهل و هفت روز است. آیا در چنین سیاره‌هایی امکان زندگی می‌باشد؟

پس تنها همین سیاره زمین شایسته حیات است که خداوند متعال در باره آن فرموده است :

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾^(۱) آیا نگردانیدیم زمین را فرش (گهواره ای برای رهایش)؟

آیا این زمین را که انسان‌ها بر آن سکونت دارند ، برای استقرار آنها رفت و آمد آنان در اطراف و اکناف آن آماده نکرده ایم؟ و آیا آنرا مانند فرش و بستر برایتان قرار نداده ایم که روی آن استقرار یابید واز دشت و دمن وسیع و گسترده آن برای کشت و زرع استفاده کنید؟

چگونه ممکن است که ما انسان‌ها برای اطفال خود، گهواره‌ای راحت و نرم با حرارت معتدل را مهیا می‌کنیم که از هر جهت با او سازگار باشد؛ اما خداوند متعال با انسان چنین نکند؟ بلکه او نیز به لطف خود، زمین را گهواره انسان برای زندگی قرار داده است، لذا فاصله آن را با خورشید متعادل قرار داده، حرارتش را از صفر تا چهل درجه تنظیم کرده، ضخامت آن را متوسط، خورشید و نیروی جاذبه و سرعت روزانه آن را با خورشید و طول فصول آن را متعادل و در حد متوسط و سازگار با حیات انسان قرار داده و نعمت خود را بر ما تکمیل کرده است، لذا می‌فرماید :

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مِهْدًا وَ جَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [زخرف: ۱۰] ترجمه: کسی که زمین را گهواره (زندگی و محل آرامش) شما گردانیده است و در آن راه‌هایی بوجود آورده است تا اینکه رهنمود شوید.

خداوند متعال با این بیان و نیز با آیه:

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ [نبا: ۶]

افکار ما را بیدار و عقل‌های ما را هوشیار و دیدگان ما را به سوی خود متوجه می‌گرداند، این زمین برای شما و استقبال از شما آفریده شده است، آیا در این فکر کرده‌اید؟ آیا در زمینی که خداوند آن را محل استقرار و ثبات شما قرار داده، اندیشیده‌اید؟ زمینی که در هر ثانیه، سی کیلومتر راه می‌پیماید، آیا در روی آن چیزی تکان می‌خورد؟ آیا دیواری ویران شده و سقفی فرو می‌ریزد؟ (که نتیجه حرکت و سرعت زمین باشد).

هوای اطراف زمین به همراه آن در گردش و حرکت است، بادهایی لطیف و پاکیزه کننده هوا به وجود می‌آید و آرامش دو چندان به بشر می‌دهد. اگر اینگونه نبود و هوا ساکن و زمین متحرک بود، توفان‌هایی با سرعت هزار و ششصد کیلومتر ایجاد می‌شد. با این که می‌دانیم خطرناک‌ترین توفانی که اثری از حیات بر روی زمین باقی نمی‌گذارد، حداکثر سرعت آن به هشتصد کیلومتر در ساعت می‌رسد و در سرعت دوصد کیلومتری قدرت تخریب و ویرانگری بسیار بالا دارد. حال اگر سرعت این توفان‌ها به هزار و ششصد کیلومتر برسد، چه خواهد شد؟

^۱ - این کثیر در تفسیر خود، ج ۳، ص ۱۵۷، می‌فرماید : [منظور از مهد، جای قرار و آرامش است که می‌توانید روی آن ایستاده، بخوابید و یا سفر کنید].

چگونه ممکن است که زمین آرامگاه باشد و در عین حال در حرکت و سرعت؟ و چگونه ممکن است بر روی زمینی با این سرعت، ساختمان‌هایی چندین طبقه ساخت؟ در حالیکه اگر اندکی بلرزد همه چیز نابود می‌شود، ساختمان‌ها، خانه‌ها، پل‌ها، کانال‌های آبی و همه چیز دیگر ویران، نابود و در هم ریخته می‌شود.

ای انسان، خداوند برای بیداری تو و نجات از غفلت، گاه گاه زلزله‌های زمین را به تو نشان می‌دهد که در چند ثانیه اندک، پستی و بلندی آن را دگرگون می‌سازد. و شهرهای بزرگ را زیر آوارها و خاک قرار می‌دهد. باز می‌پرسیم: چه کسی زمین را در مسیر خود نگه داشته است؟ چه کسی سرعت آن را در قطر کوچک بیشتر و در قطر بزرگ، کمتر می‌کند؟ چه کسی این تغییر سرعت را به آرامی و آهستگی ایجاد می‌کند؟ و کیست که تو را از سقوط و نابودی نجات می‌دهد؟ آیا غیر از خداست و آیا دستی به غیر از دست او در کار است؟ کیست که به زمین حرارتی مناسب عنایت کرده است؟ که اگر زمین متوقف شود، گرمی و سردی آن به سیصد و پنجاه درجه بالای صفر در روز و دو صد و هفتاد درجه زیر صفر در شب می‌رسید. پس چه کسی حرارت آن را متناسب با زندگی و جسم ما قرار داده است؟ کیست که زمان روز و شب آن را متناسب با نیاز خواب و بیداری ما قرار داده است؟

پس اگر قرآن را تلاوت کردید، در آیات آن توقف کرده و تأمل کنید. وقتی که او می‌فرماید ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مَهَادًا﴾ بنگر که چگونه زمین را برای تو مهیا کرده و تو را با آن متناسب قرار داده است؟ بنگر که چگونه در اندازه و سرعتی مناسب، آفریده. و آن را با آب و هوا و خورشید و گیاهان و حیوانات و پستی و بلندی‌ها و شب و روز و حرکت و جاذبه، سازگار و با نیازهای تو هماهنگ کرده است؟ بنگر که چگونه تو را دو پا، دو دست، دو چشم، دو شش، دو گوش، قدرت عقل و قضاوت و زبان آزاد و توانا در سخن و بیان عطا فرموده است.

معنای کلمات

جَعَلْ: خلق (آفرید).

فَأَمْسُوا: پس بروید (سیر و سفر کنید).

يُرْسِلْ: بفرستد.

روش تدریس: توضیحی، تشریحی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر شریف، منابع علمی، پوسترهای اقلیمی و مناظر طبیعی.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>- معلم محترم حسب معمول حین ورود به صنف بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی از شاگردان می‌خواهد مقالات شان را در رابطه به فضیلت و جایگاه «آیه الكرسي» در قرآن کریم و احادیث وارده در ویژه گیهای شامخ آن ارایه کنند و از یک شاگرد می‌خواهد تا مقاله ده سطری اش را به صدای مناسب قرائت نماید و به تشویق و ترغیب شاگردان بپردازد و از جمله مقالات (۳) مقاله را که به مراتب عالی، متوسط و خوب باشد به تخته نشراتی صنف به هدف آگاهی همگان انتخاب و نصب نماید.</p> <p>معلم محترم عنوان درس جدید (زمین برای منفعت انسان) را توسط یک دانش آموز به تخته می‌نویسد و</p>

۲۵ دقیقه	<p>وجه مناسبت آیات‌های (۱۵-۱۷) سورة (الملک) با آية الكرسي از نگاه تکریم ذات انسانی و اینکه انسان اشرف مخلوقات است و زمین هم برای منفعت و طرز استفاده درست از آن برای انسان مسخر و رام گردانیده شده است به شاگردان افاده کند.</p> <p>- معلم محترم آیات شماره (۱۵-۱۷) سورة تبارک شریف (الملک) را با گفتن استعاذه و بسمله به صدای خوش قرائت می‌کند و سپس از سه نفر شاگرد بطلبد تا به نوبه یک یک آیت را تلاوت و معلم کلمات قرآنی را به تخته بنویسد و معنا کند.</p> <p>- معلم محترم از چند شاگرد بخواهد تا عناوین جانبی و کلمات کلیدی درس را به تخته نوشته کنند و هر یک را به طلاب توضیح نماید و سپس از چند شاگرد بخواهد تا به نوبت یک یک عنوان جانبی را تشریح بدارند و معلم در هر قسمت آنان را همراهی و رهنمایی نماید.</p> <p>- معلم محترم با استفاده از تحلیل و تفسیر آیات مبارکه از روی کتاب درسی و با استفاده از پوستره‌های جیوپولتیک پیرامون آفرینش زمین و منافع و نعمت‌های ظاهری و باطنی زمین و شگفتی‌های فیزیکی و مظاهر دلالت‌های علمی آیت مبارکه را به شاگردان طوری بیان کند که علوم زمین شناسی و جغرافیا نیز در پرتو این آیات قرآنی در این زمینه تحقیقات نموده اند و تا هنوز به حقایق نهفته که در کلمه مبارکه (ذُلُولًا) می‌باشد بشر به آن دست نیافته است.</p> <p>- معلم محترم عناوین جانبی درس را به تخته نوشته و هر یک را تشریح نماید و سپس از چند متعلم بخواهد تا به نوبت یک یک عنوان جانبی درس را تحلیل و تشریح نمایند.</p>
۵ دقیقه	<p style="text-align: right;">خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> ■ آیات مبارکه سوره (الملک) در مجموع به خلقت کاینات و منجمله آسمانها، زمین، ستاره گان با شگفتی‌های آن و انسانها و آفریدن مرگ و زنده گی برای آزمایش و اظهار وحدانیت او تعالی تاکید نموده است. ■ مظاهر قدرت ذات الهی در نظام آفرینش و حرکات اجرام سماوی و تحولات کیفی و کمی در هوا و در اطراف زمین همه بر حکمفرمایی و پادشاهی مطلق خدای یکتا و بی همتا گواه است. ■ آیات مبارکه (۱۵-۱۷) این سوره در خصوص آرامش زمین در صورت ظاهر و حرکات و لرزش‌های قوی آن و تحول نظام شبا روزی، فصول سال و پدیدار شدن ارزاق و نعمت‌های فراوان در بحر و بر و میوه‌ها با رنگ‌های مختلف، هوای خوشایند و آب گوارا و شیرین همه و همه انسان را به تفکر به دستگاه قدرت لایزال الهی فرا می‌خواند تا تفکر کند و از نعمت‌های فراوان که در زمین وجود دارد استفاده مشروع نماید.
۱۰ دقیقه	<p style="text-align: right;">ارزیابی</p> <p>معلم محترم با استفاده از سؤالهای دانشی، مهارتی و ذهنیتی کتاب تفسیر شریف، شاگردان را ارزیابی کند.</p> <p style="text-align: right;">کارخانه گی</p> <p>معلم محترم از روی کتاب درسی به شاگردان کارخانه گی توصیه می‌کند.</p>

درس هفتم

عنوان: محبت خداوند ﷻ در پیروی پیغمبر ﷺ است

صفحه: ۳۰-۳۴.

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- در پرتو تفسیر آیات مبارکه راه و روش درست کسب محبت خدای تعالی را بیاموزند.
- شأن نزول آیات مبارکه را با حکم آن آموخته و مفهوم آن را به دیگران گفته بتوانند.
- کلمات کلیدی درس را با مفهوم آن یادداشت و تحلیل و تجزیه نمایند.

دانش لازمی

آداب محبت و پیروی از پیامبر ﷺ

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: (ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ خَلَاوَةَ الْإِيمَانِ وَطَعْمَهُ : أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولَهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا ، وَأَنْ يُحِبَّ فِي اللَّهِ ، وَأَنْ يَبْغِضَ فِي اللَّهِ ، وَأَنْ تُوَقَّدَ نَارٌ عَظِيمَةٌ فَيَقَعَ فِيهَا أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا)^(۱).

(سه چیز است که در هر کس وجود داشته باشد، او خلایوت و شیرینی، مزه و طعم ایمان را چشیده است: یکی اینکه خدا و پیامبر وی را بر غیر تر جیح دهد و آنان را از غیر آنان بیشتر دوست داشته باشد، رضایت خدا و پیامبر را بر هر چیز دیگری تر جیح دهد. دوم اینکه هر کس را دوست دارد تنها به خاطر خدا و در راه او دوست داشته باشد و هر کس را دشمن داشته باشد تنها در راه خدا و بخاطر او دشمن داشته باشد. سوم اینکه ببیند که آتش بزرگی بر افروخته شده است و او افتادن در آن را بر شرک و رزیدن به خداوند تر جیح دهد).

مراعات ادب و احترام همه جانبه رسول خدا بر هر مسلمان واجب است و در زیر برخی از آداب محبت و پیروی از پیامبر طور مختصر بیان می گردد.

۱- خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت تمام محبت، اکرام و ادب با پیامبر گرامی را واجب گردانیده و می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾. [الحجرات: ۲] ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را از صدای پیامبر بلند تر ننمایید، و همچنان که با یکدیگر سخن می گوید، با او با صدای بلند صحبت نکنید، تا ندانسته اعمالتان ضایع و بی اجر نشود.

۲- خداوند متعال اطاعت از پیامبر را بر اهل ایمان واجب گردانیده است و می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷] (آنچه را که پیامبر برای شما آورده (و به آن فرمان داده) بپذیرید و پیروی کنید و از آنچه شمارا نهی نموده خود داری ننمایید).

۳- خداوند متعال امامت، قضاوت و حکمیت را به پیامبر بزرگوار اسلام سپرده است و می فرماید: ﴿فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُخَرِّجُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾. [النساء: ۶۵]

^۱- روایت مسلم و نسائی.

(اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی‌آیند، تا در مورد اختلاف‌ها و نزاع‌های خود داوری ترا در خواست نکنند، و سپس در مورد قضاوت ملالی به دل نداشته باشند و کاملاً تسلیم قضاوت تو باشند.

۴- پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: سوگند به ذاتی که جان من در اختیار اوست، هیچ‌یک از شما ایمان ندارد مگر آنکه مرا بیشتر از فرزند، پدر و همه مردم دوست داشته باشد.

آنچه بیان گردید اموری بودند که ضرورت اکرام و ادب با پیامبر را بیان می‌کرد، مراعات ادب با پیامبر در موارد زیر خلاصه می‌شود:

- ۱- در همه امور زندگی از فرامین پیامبر فرمانبرداری و از روش زندگی اجتماعی و فردی ایشان پیروی کنیم.
- ۲- هیچ‌کس را - هر کس که باشد - بیش از او دوست نداشته باشیم.
- ۳- با احترام فروان نام پیامبر را بر زبان بیاوریم و از گفتن درود و سلام بر او غفلت نکنیم و شمایل و فضایل او را گرامی بداریم.
- ۴- در انتخاب نوع دوست و دشمن، خوشنودی و خشمناکی روش و سنت او را در پیش گیریم.
- ۵- در راستای گسترش سنت، ترویج شریعت، ابلاغ دعوت و اجرای دستورات او از هیچ تلاشی کوتاهی نکنیم.

معانی کلمات

قُلْ: امر است از مصدر قول بمعنی بگو (ای محمد ﷺ).

حُبُّونَ: دوست دارید.

فَإِنْ تَوَلَّوْا: پس اگر رو گردانیدند.

روش تدریس: مباحثی، توضیحی، کارگروپی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب درسی تفسیر شریف، کتاب تفسیر، چارت کلان و مارکر.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از ادای سلام و موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با طرح پرسشهایی چنین ارزیابی کند: ۱. کلمات زیر را معنا کنید: (ذُلُّوا، مَنَاقِبُهَا، يَخْسِفَ، تَمُورُ) ۲. کلمه (ذلول) در اصل برای چه استعمال میشود و استعمال آن برای زمین در آیه مبارکه چه
۲۵ دقیقه	مناسبت دارد؟ توضیح بدهید. - معلم محترم بعد از دریافت پاسخ‌های درست، عنوان درس جدید را به تخته و یا چارت به خط زیبا می‌نویسد و تسلسل علمی و منطقی درس جدید را با درس گذشته به نحو شایسته افاده می‌کند. - معلم محترم از جمع شاگردان به شکل داوطلبانه می‌خواهد تا دو نفر شاگرد را به جاهای شان ایستاده شده و آیت شماره (۳۱ و ۳۲) سوره آل عمران را با گفتن استعاذه و بسملة تلاوت نمایند. - معلم محترم کلمات کلیدی درس را به تخته و یا چارت می‌نویسد و معنی آنرا کتبی و شفاهی به

شاگردان ارایه می‌کند.

- معلم محترم با توضیح سبب نزول آیات مبارکه درس و روش‌های نیک و مطلوب دوستی و محبت با خدای تعالی و حبیب او تعالی سیدنا محمد ﷺ را مطابق ارشادات و هدایات شرعی به بحث و بررسی گرفته و از ادعاهای کاذبانه گروه‌های غیر اسلامی که با خدای واحد ولاشریک، دیگر معبودان باطل را می‌پرستیدند و دم از دوستی با خدای تعالی می‌زنند در حقیقت این عمل قبیح و شرکی شان دشمنی با خدای عزیز و کتاب آسمانی و رسالت توحیدی محمدی ﷺ است، شاگردان را آگاه می‌سازد.

- معلم محترم با منحصر نمودن محبت الله تعالی و رسول گرامی ﷺ به اطاعت و فرمانبرداری از اوامر و احکام الهی ﷻ و دساتیر احادیث نبوی ﷺ طوریکه آیات درس بر آن دلالت تأکیدی دارد از شاگردان دعوت به عمل آورد تا در گروپ‌های دو نفری راجع به ثبوت و حقیقت حصول دوستی و محبت و راه و روش آن با هم بحث و مناقشه کرده و نکات مهم را یادداشت و در پایان فعالیت به نمایندگی از عموم متعلمین، یکنفر آنان به صدای بلند بخواند و توضیحات دهد.

- معلم محترم به شاگردان موقع بدهد تا سؤالهای شان را مطرح نموده و در ارایه پاسخ دهی در حل مشکل با طلاب همکاری نمایند.

خلاصه درس

- محبت خداوند جل جلاله و رسول اکرم ﷺ واجب و از حقیقت ایمان سرچشمه میگیرد.
- کسیکه دعوی دوستی و محبت خدا جل جلاله را دارد به طریقه و راه و روش پیامبر اسلام ﷺ پابندی و التزام داشته باشد.
- دعوی محبت خدا جل جلاله و رسول اکرم ﷺ با اصرار ورزیدن به معصیت و سرپیچی از اوامر خدا جل جلاله و رسول اکرم ﷺ هیچگاه میسر نمیشود.
- نشانه محبت بنده با الله تعالی، اطاعت و پیروی از رسول اکرم ﷺ بوده که منتج به محبت خدا جل جلاله و آمرزش گناهان میگردد.
- ادعاهای واهی محبت با خدا جل جلاله که عاری از تعمیل اوامر و پیروی از پیامبر ﷺ باشد یک ادعای کاذب و خلاف واقعیت شمرده می‌شود.
- از فحوای آیات کریمه بر میآید که شیوه و راهکار زنده‌گی مسلمان همانا عمل صالح، عبادت مخلصانه خداوند جل جلاله و سعی و تلاش مستمر در این مورد جهت حصول اجر و ثواب و رضامندی الله تعالی؛ البته مطابق ارشادات پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم میباشد.

۵ دقیقه

ارزیابی

معلم محترم جهت اطمینان از فراگیری مفهوم درس در حیطه اطلاعات و دانش، عواطف و ارزش‌ها مهارت‌ها و عمل، با طرح سؤالهایی از متن درس شاگردان را ارزیابی می‌کند و به مشکلات شان پاسخ‌های مناسب داده رهنمایی لازم می‌کند.

۱۰ دقیقه

کارخانه‌گی

معلم محترم با استفاده از کتاب تفسیر شریف کارخانه‌گی به شاگردان توصیه می‌کند.

درس هشتم

عنوان: اسلام دین کامل و همه جانبه

صفحه: ۳۵ - ۳۹.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- به معانی کلمات و تفسیر آیات (۶۰ و ۶۱) سورة نساء شناخت حاصل نمایند.
- مفاهیم ارشادی و تفسیری آیات مبارکه را با شأن نزول آن بیاموزند.
- مرجع تحاکم و حکمیت را در تمام منازعات و قضایای ذات البینی حکم و دستور خدای تعالی و رسول اکرم ﷺ را ملاک عمل قرار دهند.
- به فیصله‌های قرآنی و احادیث نبوی ﷺ معتقد و در زنده‌گی به آن عمل کنند.

دانش لازمی

نواقض اسلام

خداوند متعال در بسیاری از آیه‌های قرآن مجید مسلمانان را از ردت و برگشتن از دین و سایر انواع شرک و کفر بر حذر داشته است. و علمای اسلام - رحمهم الله - در باب حکم مرتد ذکر کرده اند که ممکن است مسلمان مرتد و از دین خارج شود، آنهم با ارتکاب و انجام برخی از اعمال که آنرا نواقض اسلام نامیده اند. و آن نواقض سبب می شود که او از دایره اسلام خارج گردد.

و شدیدترین این نواقض ده چیزاند که علما و دانشمندان اسلام آنرا در کتابهای خود ذکر کرده اند:

اول: شرک آوردن در عبادت خدای یکتا و برای او شریک قائل شدن.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ [النساء: ۱۱۶].

[خداوند نمی بخشد که به او شرک آورده شود، و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می آمرزد].

ومی فرماید: ﴿مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲].

[بی گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است، و ستمکاران یاورانی ندارند].

و از جمله شرک در عبادت خداوند متعال مدد خواستن از مردگان است، و همچنین نذر کردن و ذبح و قربانی برای آنهاست.

دوم: کسی که بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه چیزی بخواهد (یعنی دعای خود را متوجه او سازد) و از او شفاعت بطلبد و بر او توکل کند، چنین شخصی به اجماع علما و دانشمندان اسلام کافر است.

سوم: کسیکه مشرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفر آنان شک و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است.

چهارم: کسی که اعتقاد داشته باشد که هدایت و دستورهای غیر رسول اکرم از هدایت و دستورهای رسول اکرم کاملتر و بهتر است، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله بهتر از حکم و قضاوت پیامبر است، مانند کسانی

که حُکْم و قضاوت طواغیت (قوانین رسمی کشوری) را که غیر شرعی باشد بر قوانین شرعی و دینی برتری می دهند همه اینها کافر هستند .

هر کس اعتقاد داشته باشد که قوانین وضعی و رسمی کشور که مردم آنرا اختراع کرده اند و از ساخته بشر است از دین مبین اسلام بهتر است یا اینکه بگوید دستور اسلام برای قرن بیست و یکم غیر قابل قبول است.

و یا اینکه بگوید شریعت الهی - دین اسلام - سبب خسارت و عدم پیشرفت، و سبب عقب ماندگی مسلمانان شده است و یا اینکه بگوید دین اسلام فقط واسطه و رابطه ای است بین خدا و بنده، و هیچ ربطی در سایر شؤون زندگی ندارد، پس کسی که این باورها را داشته باشد نیز کافر است.

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله برای امت اسلامی از هدایت و قضاوت و حُکْم به قرآن و سنت آورده، بغض ورزد، اگر چه به آن حکم عمل کند، در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جزو کافران می باشد. خداوند متعال می فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطُوا أَعْمَالَهُمْ﴾. [محمد: ۹]. ترجمه: این بسبب آن است که آنان آنچه را که خدا نازل کرده است ناخوش داشتند، در نتیجه خداوند اعمالشان را تباه کرد.

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و نیشخند کند، همان دینی که رسول الله آنرا از طرف باری تعالی آورده، و یا از ثواب، نیکی و پاداش آن، و یا از جزا، عقاب و کیفر آن، انکار کند کافر شود، به دلیل قول تبارک و تعالی که می فرماید: ﴿قُلْ أَلِلَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ﴾ (۶۵) لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ [التوبه: ۶۶].

[بگو: آیا دین و شرع خدا و کتاب و پیامبرش را مسخره می کردید؟ عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمانتان کفر پیشه کردید].

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن شود، به دلیل قول تبارک و تعالی که می فرماید: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾ [البقرة: ۱۰۲].

[و (آن دو فرشته) به هیچ کسی (جادو) نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما تنها (مایه) آزمایش هستیم، پس (با به کار گیری جادو) کافر مشو].

هشتم: پشتیبانی از مشرکان و یاری کردن آنان بر ضد مسلمانان، و دلیل آن قول باری تعالی است که می فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَبِئْسَ مَا لَكُمُ مِنَ اللَّهِ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [المائدة: ۵۱].

و هر کس از شما آنان (یهود و نصاری) را دوست گیرد، براستی که خود از آنان است، بی گمان خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند].

نهم: کسیکه معتقد باشد که برخی از مردم می توانند از شریعت و دین محمد خارج شوند کافر می باشد.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵]. ترجمه: و هر کس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است.

دهم: روی گردانی و اعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ [السجده: ۲۲].

[و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش پند یابد آنگاه از آن روی بگرداند، بی گمان ما از گناهکاران انتقام خواهیم گرفت].

هر کس معتقد باشد که بریدن دست دزد و سنگسار کردن زن یا مرد زنا کاری که قبلاً ازدواج کرده و یا در حال حاضر متأهل است برای این زمان غیر قابل قبول است نیز کافر می باشد، هر کس عقیده داشته باشد که حکم نمودن و قضاوت کردن در معاملات خرید و فروش و حدود الهی بغیر از حکم خداوند عز وجل جایز است کافر می شود، اگر هم به این عقیده نباشد که آن حکم از حکم خداوند بهتر است. و کسی چیزی از آنچه خداوند حرام دانسته و حرمت آن واضح و آشکار باشد، مانند زناکاری و شرابخواری و رباخواری و قضاوت و حکم بغیر از شریعت الهی را حلال و جائز بداند، کافر است.

در تمامی این نواقض و مخالفتها بین اینکه انسان جدی باشد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسی که به زور مجبور ساخته شود به انجام آن عمل در حالیکه او راضی نیست. همه اینها از امور خطرناکی است که ممکن است مردم در آن واقع گردند.

پس بر مسلمان لازم است از آنها بر حذر باشد و بترسد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد.

معنای کلمات

أَلَمْ تَرَ: آیا ندیدی و آگاهی به شما حاصل نشده.

أَنْ يَتَحَاكَمُوا: حکمیت و داوری کنند.

تَعَالَوْا: بیایید.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر شریف، مراجع و منابع تفسیری، چارت کلمات قرآنی.

روش تدریس: توضیحی، سؤال و جواب، مسابقوی و گروهی.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از سلام و موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح سؤالهایی ارزیابی می کند. - معلم محترم بعد از دریافت پاسخهای درست و ملاحظه کارخانه گی شاگردان با توضیحات رهنمودی در حل مشکلات، شاگردان را رهنمایی می کند و سپس عنوان درس جدید (اسلام دین کامل و همه جانبه) را روی تخته صنف می نگارد و ارتباط درس جدید را با درس گذشته بصورت مدلل به شاگردان افاده می کند.
۲۵ دقیقه	- معلم محترم از یکنفر شاگرد که در علم قرائت و تجوید مهارت و ورزیده گی داشته باشد می خواهد تا به کمال ادب آیات مبارکه شماره (۶۰ - ۶۱) سورة نساء را به صوت خوب تلاوت ترتیل کند. - معلم محترم عناوین جانبی درس را توسط چند شاگرد به تخته می نویسد و هر کدام را تحلیل و تشریح می کند و سپس از چند متعلم می خواهد تا به نوبت یک یک عنوان جانبی درس را تشریح کنند و استاد محترم در هر قسمت آنان را همراهی و رهنمایی نماید. - معلم محترم دو گروپ از شاگردان را وظیفه بدهد تا در بین شان به شکل مسابقوی سه سه جمله پیرامون فحوای آیت مبارکه نوشته نموده و هر گروپ توسط یکتن از نمایندگان منتخب شان به صنفی های شان به صدای بلند بخوانش بگیرد و معلم به مشارکت شاگردان تیم برتر را با ارزیابی عادلانه ممتاز اعلان کند و در مجموع به تشویق عموم شاگردان پردازد.

- معلم محترم به شاگردان وظیفه بدهد تا متن کامل صفحات (۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸) را بکممک یکدیگر بخوانند و مشکلات لغوی و علمی شانرا یادداشت نموده و از معلم استفسار کنند و نکات مهم درس که در عناوین جانبی صفحات (۳۶ و ۳۷) شامل مطالب تفسیر امام ابن کثیر رحمه الله و (حاکمیت خداوند و پیامبر) و (اسلام تجزیه را نمی پذیرد) توضیح شده با هم بحث و گفتگو نمایند و در هر قسمت با آنان رهنمایی و همکاری نماید.

خلاصه درس

- اطاعت خدا و پیامبرش واجب و قطعی است.
- کسانی که دعوی ایمان را میکنند باید در همه امور خود از حکم خدا ﷻ و پیامبر اکرم ﷺ اطاعت و فرمانبری نمایند.
- آنانی که در فیصله و قضاوت از احکام اسلام عدول نموده و قضایا و منازعات شان را جهت داوری و حکمیت به طاغوت (قوانین باطل و غیر اسلامی) می گذارند به شدت مورد توبیخ و سرزنش قرار گرفته اند.
- داوری و حکمیت باید بر اساس احکام الهی و ارشادات گرامی پیامبر اکرم ﷺ صورت بگیرد و این حکم فراگیر بوده تمام قضایا و منازعات کوچک و بزرگ را دربر میگیرد و اسلام دین کامل بوده تجزیه و استثناء نمی پذیرد.

ارزیابی

معلم محترم بمنظور حصول قناعت از مؤثریت درس با استفاده از سؤالهای مطرح شده کتاب تفسیر شریف، شاگردان را در حیطه دانش، مهارت و ذهنیت ارزیابی کند.

کارخانه گی

مطابق هدایت کتاب درسی توصیه شود.

۵ دقیقه

۱۰ دقیقه

- آیات مبارکه (۱۰۱-۱۰۴) سورة نساء را به صورت درست تلاوت کرده بتوانند.
- مفهوم کلی و تفسیری آیات مبارکه را در باره نماز خوف و طریقه ادا کردن آن به صورت نظری و عملی بیاموزند.
- احکام فقهی را در باره قصر نمازهای چهار رکعتی آموخته و جهت عملی کردن به خاطر بسپارند.

دانش لازمی

معرفت نماز و فرضیت آن

معنای لغوی نماز دعا است، چنانکه الله سبحانه و تعالی به پیغمبرش می فرماید: ﴿وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾^۱ صلوات بفرست بر آنان، (یعنی درحقشان دعای خیر نما) به درستی دعای خیر تو برایشان باعث وقار و بردباری است. اما در شریعت، نماز آن گفتارها و کردارهای را گویند، که الله تعالی آن را فرموده و پیغمبرش طریقه ادایش را تعلیم داده است. با تکبیر یعنی: الله اکبر شروع و با تسلیم یعنی سلام دادن خاتمه می پذیرد. فرض بودن نماز به امر الله تعالی و با فرموده های پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) و به اجماع و اتفاق امت اسلامی ثابت گردیده است. در قرآن کریم الله تعالی چنین دستور می دهد: ﴿فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الحج: ۷۸] (پس بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را و چنگ بزنید به الله: (یعنی از وی مدد بخواهید و به وی توکل نمایید یعنی به مددش اعتماد کنید) الله سبحانه و تعالی مددگار شما است. او بسیار مددگار نیک و یاری کننده خوبی است.) رسول الله ﷺ چنین فرموده اند: (بني الإسلام على خمس شهادت أن لا إله إلا الله و أن محمدًا رسول الله و إقام الصلاة و إيتاء الزكاة و صوم رمضان و حج البيت من استطاع إليه سبيلاً^(۱)).

ترجمه :- بنیاد اسلام عبارت از پنج چیز است: شهادت دادن به این که به غیر از الله تعالی دیگر هیچ خدایی وجود ندارد. و اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده او است و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزه داشتن ماه رمضان و خانه الله تعالی را حج کردن از برای کسی که قدرت داشته باشد.

تاریخ فرض شدن نماز و اهمیت آن در حیات شخصی و اجتماعی

اهل سیرت بر این اند که نماز درشب معراج رسول اکرم ﷺ به نزد پروردگار فرض گردیده است. تاریخ آن را تقریباً پنج سال قبل از هجرت می گویند که این به بیست و هفتم ماه رمضان سال ۶۱۶ میلادی: یعنی به سال هشتم آشکار شدن نبوت محمد ﷺ برابر می آید. حکمت در فرضیت نماز این است که علاقه بنده را با پروردگارش مستحکم می کند و او بسبب ادا کردن نماز خالق مهربانش را سپاس می گوید. این عمل سبب رضایت پروردگار شده او تعالی این بنده شکر گزارش را از نعمتهای دنیوی و اخرویش بهره ور می سازد.

^۱ - متفق علیه.

در نتیجه بنده سعادت مندی دو عالم را نایل گردیده از بد بختی دنیا و آخرت رهایی می یابد. الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ [ابراهیم: ۷۱] یعنی: اگر شکر گزارید البته نعمتهایم را به شما افزون خواهم کرد. و اگر ناسپاسی کردید پس بدانید عذاب من بسیار سخت می باشد. اما آن منفعتهای شخصی که نماز گزار به سبب خواندن نماز کسب می کند این است که اگر آن را با اخلاص بخواند همیشه در بالای خود الله سبحانه و تعالی را نظارت کننده می بیند. در نتیجه به کارهای ناروا دست نمی زند، ولجام نفس سرکش را به جانب کارهای خیر می گرداند از جانب خود الله تعالی او را برای انجام دادن کارهای نیک قوت می دهد و براه راست هدایتش می کند. چنانکه او تعالی می فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵] یعنی: و برپا بدار نماز را! بدرستی نماز از کارهای بی حیایی و ناپسند منع می نماید) خواندن نماز چیزی را در ذات وصفات الله تعالی زیاد نمی کند و نخواندنش چیزی را از او کم نمی نکند، اما فایده های اجتماعی نماز بسیار بزرگ اند. آن جامعه که افراد آن واقعا نماز گزار باشند هرگز به کارهای بد دست نمی زنند. در چنین جامعه فضای دوستی و محبت و اتحاد و برادری حکم فرما خواهد بود و افراد آن در امنیت و برکت حیات بسر خواهند برد، چون همگی در صف نماز ایستاده می شوند آن صفی است که شاه و گدا در یک قطار می ایستند و هر روز چند مرتبه همدیگر را می بینند و از احوال همدیگر باخبر می شوند.

منفعتهای اخروی نماز

منفعتهای اخروی نماز دو قسم می باشد: ۱- بخشش گناهان ۲- نایل گردیدن به نعمتهای فراوان و بی انتهای الله سبحانه و تعالی. اما قسم اول این منفعتهای چنانکه گفتیم بخشش گناهان است که در این موضوع رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: (الصلوات الخمس والجمعة إلى الجمعة ورمضان إلى رمضان مكفرات لما بینهن إذا اجتنبت الكبائر)^(۱) یعنی: نمازهای پنجگانه، جمعه تا جمعه دیگر و رمضان تا رمضان دیگر جبران کننده گناهان می باشند. گناهان در بین ادای یک نماز تا ادای نماز دیگر یا بین رمضان دیگر را محو می سازند. به شرط این که مرتکب گناهان کبیره مثل قتل به ناحق، زنا و غیره نگردیده باشد. در حدیث دیگر رسول اکرم ﷺ می فرماید: (أریتم لو أن نورا بباب أحدکم یغتسل فیہ خمساً هل یبقی من درنه شیئ؟ قالوا لا یبقی من درنه شیئ قال: فذاك مثل الصلوات الخمس یمحو الله بهن الخطایا)^(۲) یعنی: (بگوئید که اگر نهر آبی از دروازه یکی از شما جاری باشد و او در آن هر روز پنج مرتبه بدنش را بشوید، آیا چرکی در بدنش باقی می ماند؟ اصحاب کرام گفتند: چرکی در وی باقی نخواهد ماند. رسول اکرم ﷺ فرمود: این به گزاریدن پنج وقت نماز شباهت دارد که به سبب آن الله تعالی گناهان را محو می گرداند). اما قسم دوم منفعتهای اخروی نایل شدن به نعمتهای پروردگار است

رسول الله ﷺ می فرماید (صلوا خمسکم و صوموا شهرکم و أدوا زکاة أموالکم و أطیعوا إذا أمرکم تدخلوا جنة ربکم)^(۳) یعنی (پنج وقت نمازتان را بگزارید و ماه رمضان را روزه بدارید و زکات مالهایتان را ادا کنید و امیر خود را اطاعت نمایید، به بهشت پروردگارتان می درآیید. در حدیث دیگری آمده است (ما من مسلم یتوضأ فیحسن وضوءه ثم یقوم فیصلی رکعتین

^۱ - روایت مسلم.

^۲ - متفق علیه

^۳ - رواه أحمد والترمذی

مقبلا علیهما بقلبه و وجهه إلا وجبت له الجنة^(۱) یعنی: (هر مسلمانی که طهارت را نیک انجام بدهد سپس دو رکعت نماز بخواند البته به فضل و کرم الله تعالی به جنت دراید. اما آن نعمتهای بی بها و جاودانی جنت آن چنان بزرگ و گوارايند که کسی آن را ندیده و نشنیده است.

عاقبت سستی در نماز

الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ [الماعون: ۴-۵]

یعنی: (وای بر حال آن نماز گزارانی که در ادای نمازهایشان سستی می نمایند. در این آیت کریمه الله تعالی آن اشخاصی را که به نماز خواندن پابند نیستند و آن را به طور درست نمی خوانند تهدید به عذاب دوزخ کرده است. این چنین در جای دیگری از احوال دوزخیان چنین خبر می دهد: ﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ [المدثر ۴۲]: یعنی: از دوزخیان می پرسند: چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ آنان در جواب می گویند: ما از جمله نماز گزاران نبودیم. رسول اکرم ﷺ می فرماید:

(بن العبد و بین الکفر ترك الصلاة)^(۲) یعنی: در بین بنده و بین کفر، ترک نماز است، از این حدیث شریف دانسته می شود که رفتار بی نماز به رفتار کافر مانند می باشد: این نماز است که در ظاهر مسلمان را از کافر فرق می کند. این معنا را رسول اکرم (ص) در حیث دیگری چنین بیان کرده است: (من استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و أكل ذبیحتنا فهو المسلم)^(۳). یعنی: هر که هنگام نماز رو به قبله ما بگرداند و مثل ما نماز بخواند و از گوشت (ذبیحه) ما بخورد پس وی مسلمان می باشد.

امام ترمذی از عبد الله ابن شکیک روایت می کند که گفت:

(كان أصحاب رسول الله ﷺ لا يرون شيئا من الأعمال تركه كفر غير الصلاة) "رواه الترمذي".^(۴)

صحابه پیغمبر الله تعالی ترك هیچ عملی را جز ترك نماز کفر نمی دانستند.

معانی کلمات

تَقْصُرُوا: کوتاه کنید.

مِنْ وَرَائِكُمْ: از پشت سر شما باشند.

مَيْلَةً: تهاجم و حمله.

روش تدریس: توضیحی، مباحثی، کار گروهی، تمثیل.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر شریف، چارت کلان و پوسترها و نمادهای تصویری نماز با جماعت.

^۱ - رواه مسلم

^۲ - رواه مسلم

^۳ - روایت بخاری و مسلم.

^۴ - روایت ترمذی

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>- معلم محترم بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی کارخانه گی شاگردان را به ارتباط اینکه اسلام عزیز، دین کامل و جامع بوده و غیر قابل تجزیه می‌باشد، ملاحظه می‌نماید و ضمن پرسش‌ها از محتوا و فرآورده‌های درس گذشته میزان یادگیری شاگردان را ارزیابی می‌کند.</p>
۲۵ دقیقه	<p>- معلم محترم با گفتن استعاذه و بسمله آیات مبارکه شماره (۱۰۱-۱۰۴) سورة نساء را با لهجه رسا و ترتیل قرائت میکند و سپس از چهار نفر شاگرد می‌خواهد تا به نوبت یک یک آیت درس را تلاوت کنند.</p> <p>- معلم محترم عنوان درس (نماز فریضه همیشه گی و انقطاع ناپذیر) و کلمات کلیدی درس را به تخته صنف می‌نویسد و آیت به آیت مفهوم و ترجمه و تفسیر اجمالی را به شاگردان توضیح می‌کند و کیفیت ادای نماز را در حال سفر و در حال خوف بیان نماید.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را در دو گروپ دو نفری وظیفه دهد تا ترجمه و تفسیر آیات کریمه را در باره نماز و قصر کردن نماز خوف و کیفیت ادای آن را در انطباق متن کتاب با هم بخوانند و معلم محترم در قطارها گشت کند و در حل مشکل و افهام واژه‌های فقهی و تفسیری، شاگردان را همکاری و کمک کند.</p> <p>- معلم محترم در صحن مکتب شاگردان را به دو دسته تقسیم و گروه اولی در محل شان قرار داشته و گروه دومی را از محل دور سازد و نماز خوف را بالای شان تمثیل نماید و هرگاه امکان این فعالیت در صحن مکتب موجود نبود از این فعالیت منصرف گردیده و عوض آن در صنف بصورت شفاهی توسط سه نفر شاگرد کیفیت نماز خوف را بپرسد.</p> <p>- معلم محترم با استفاده از آیات متعدد در قرآن کریم و آیات مبارکه درس در باره رکن دوم بنیادی اسلام بعد از ایمان که نظام نماز است و بر فرضیت آن و جایگاه آن در شریعت اسلامی، شرایط، فرائض، سنن، واجبات و آنچه در نماز انجام دادن آن حرام، مکروه و سبب فساد نماز می‌گردد در محور موضوع با ارتباط به مسائل فقهی به شاگردان به صورت مفصل بحث و مناقشه کند.</p> <p style="text-align: right;">خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ آیات مبارکه مشروعیت نماز قصر در سفر را ثابت نموده است خواه سفر در حالت خوف و اضطراب باشد و یا مسافرت در حالت امنیت. ▪ قصر در کمیت و عدد رکعات است یعنی نماز فرض چهار رکعتی دو رکعت خوانده می‌شود. ▪ منظور از سفر، سفر عبادت چون جهاد، حج، عمره، مقاصد نیک، نگهداری صله رحمی و سفر مباح چون تجارت است در آن قصر جواز دارد اما در سفرهای معصیت چون دزدی، بغاوت و غیره به نزد جمهور علما قصر نماز جواز ندارد.

<p>۵ دقیقه</p>	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مدت اقامت نزد احناف پانزده روز بوده و در کمتر از پانزده روز قصر نماز را واجب نمیگردانند. ▪ مؤمنان در هیچ حالت و شرایطی از ادای فریضه نماز تساهل و تغافل نکنند و در حالت اقامت و سفر و امنیت و خطر باید ادا گردد. ▪ مؤمنان نباید در برابر دشمنان شان سستی و ضعف نشان بدهند.
<p>۱۰ دقیقه</p>	<p>ارزیابی</p> <p>معلم محترم جهت اطمینان از یادگیری شاگردان به اجزاء و ارکان محتوای درس مطابق کتاب تفسیر شریف در زمینه سؤالها را مطرح می کند و دانش، مهارت و گرایش شاگردان را ارزیابی می کند.</p> <p>کارخانه گی</p> <p>معلم محترم مطابق کتاب درسی به شاگردان کار خانه گی توصیه نماید.</p>

درس دهم

عنوان: جهاد عمده ترین راه پیروزی و اصلاح جامعه است

صفحه: ۴۵ - ۴۸

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- در پرتو آیات مبارکه (۳۹ - ۴۱) سوره حج به مقام ارزش جهاد فی سبیل الله پی ببرند.
- مشروعیت جهاد و حکمت‌های اصلاحی، اعتقادی و اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر را در زندگی از جمله وظایف مهم خود تلقی نمایند.

دانش لازمی

نخستین دستور جهاد با کفار:

مظالم کفار مکه بر مسلمانان به حدی رسیده بود که روزی نمی گذشت که مسلمانی از دست ستم آنها مجروح نشده باشد، در آخر مسلمانان از ظلم و ستم کفار به محضر آن حضرت ﷺ شکایت کرده از او اجازه خواستند تا در مقابل کفار آماده قتال باشند، رسول الله ﷺ در پاسخ می فرمود صبر کنید، تا اکنون دستور جهاد به من داده نشده است و این سلسله حدود ده سال بدین شکل ادامه یافت.

ترمذی، نسائی، ابن ماجه، حاکم و غیره از حضرت ابن عباس رضی الله عنه نقل کرده اند که ابن عباس رضی الله عنه فرموده است: این قول خداوند جل جلاله: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ﴾ [سوره حج / ۳۹ - ۴۱] نخستین آیه است که در باره قتال با کفار، نازل شده است، در صورتیکه پیش از این در هفتاد آیت از قتال منع شده بود.

در این آیت حکمت قتال و جهاد بیان گردیده که به انبیای گذشته و امم آنها هم دستور قتال با کفار داده شده بود.

صوامع: جمع صومعه است که عبادتگاه مخصوص راهبان تارک الدنیای نصارا است.

بیع: جمع بیعه است که نام عموم کلیساهای نصارا است.

صلوات: جمع صلاة که نام عبادتگاه یهود است.

مساجد: جمع مسجد، نام عبادتگاه مسلمانان است.

نکته قابل ذکر اینست که اگر به قتل با کفار اجازه داده نمی شد، پس در هیچ زمانی برای هیچ مذهب و ملتی جای ایمنی باقی نمی ماند و در زمان موسی علیه السلام صلوات و در زمان عیسی علیه السلام صوامع و بیع و در زمان خاتم الانبیاء ﷺ مساجد منهدم گردانیده می شدند^(۱).

معانی کلمات

أَذِنَ: اجازه داده شد.

يُقَاتِلُونَ: کسانی که با آنان جنگ می شود.

عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: بازگشت و فرجام کارها.

روش تدریس: توضیحی، پرسش و پاسخ، مطالعه خاموشانه، کار گروهی.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر شریف، منابع و آلبوم‌های جهادی، سیدی‌ها و ویدیوهای رزمی در صورت امکان.

^۱: معارف القرآن، جلد اول.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>- معلم محترم بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی مقالات شاگردان در باره اهمیت نماز و فوائد آن را مشاهده و مقاله‌یی که از نگاه علمی و ادبی ممتاز باشد آنرا به تخته نشراتی مکتب جهت آگهی همگانی انتخاب و به اداره بسپارد و درس گذشته را ارزیابی نماید.</p> <p>- معلم محترم عنوان درس جدید را به تخته صنف بنویسد و سپس آیات مبارکه (۳۹-۴۱) سوره حج را توسط سه نفر شاگرد به نوبت تلاوت کند و اشتباهات لفظی و تجویدی شانرا صمیمانه اصلاح کند.</p> <p>- معلم محترم از یکنفر شاگرد بطلبد تا کلمات قرآنی درس را به تخته و یا چارت بنویسد و سپس به ارتباط موضوع درس که (جهاد عمده ترین راه پیروزی و اصلاح جامعه است) با استفاده از ترجمه و تفسیر آیات مبارکه به شاگردان توضیحات لازم ارایه نماید.</p>
۲۵ دقیقه	<p>- معلم محترم راجع به حکم و مشروعیت جهاد و اسباب نزول آیات مبارکه و حکمت و فلسفه جهاد به خاطر اقامه نظام عدل الهی ﷻ در زمین و طرد و دفع ظلم و بی عدالتی و از بین بردن مظاهر شرک و کفر و غلبه ملحدان و کفار و اینکه جهاد از افضلترین عبادات و نقطه شامخ و قله حصار اسلام و انجام شعائر الله تعالی و وسیله اصلاح جامعه از شرک و مفساد اخلاقی و اجتماعی می‌باشد با مثال‌های زنده و آلبوم‌ها و پوسترها به تفصیل با شاگردان بحث دو جانبه نماید و به میتود پرسش و پاسخ نکات مهم درس را به بررسی و ارزیابی بگیرد.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را وظیفه بدهد تا متن عناوین جانبی صفحه (۴۶ و ۴۷) را خاموشانه مطالعه نموده و در صورت بروز کدام مشکل آنرا یادداشت و در پایان فعالیت با معلم مطرح سازند.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را در گروپ‌های دو نفری تنظیم و هدایت بدهد تا پیامدهای مهم ارشادی آیات مبارکه درس را با هم یادداشت نموده و به نمایندگی از همه یکنفر شاگرد فوائد و آموختنی‌های کسب شده از درس را به طور خلاص بیان کند.</p>
	<p>خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> • آیات مبارکه اولین آیاتی اند که مشروعیت جهاد را اعلان میدارد. • جهاد به منظور اعلاء کلمه الله و دفاع از خود، مال و وطن اسلامی فرض گردیده است. • جهاد و مقابله در برابر ظالمان و تجاوزگران و جهت دفاع از حدود و ثغور اسلامی و حفظ عزت و آبروی مسلمانان یک وجبیه الهی است که نظام و مصلحت جهان نیز تقاضای آن را دارد. • اگر مسلمانان جهت قلع و قمع شرک، فتنه و فساد و تهاجم کفار به جهاد متوسل نگردند شرک و کفر روی زمین را فرا گرفته و حکم طاغوت در زمین گسترش می‌یابد. • در آیت مبارکه جهاد برای دفاع از حقوق همه انسانها و همه ادیان و دفع و طرد ظلم و فساد ذکر گردیده است. • آیات کریمه مهمترین مبانی و اساسات اصلاح و نیرومندی جامعه اسلامی را بیان نموده که مؤمنان راستین آنانی اند که الله تعالی را عبادت میکنند و زمانی که مورد ظلم و تجاوز قرار گیرند با قیام و جهاد پیوسته از مال، ناموس، وقار و مقدسات خویش دفاع مینمایند.
۱۰ دقیقه	<p>ارزیابی: معلم محترم جهت مطمئن شدن از دانشها، مهارتها و ارزشهای درس با طرح سؤال‌ها مطابق کتاب درسی، شاگردان را ارزیابی کند.</p> <p>کارخانه‌گی: معلم محترم با استفاده از کتاب درسی به شاگردان وظیفه خانه‌گی توصیه نماید.</p>

- فرق میان روزه در دین مبین اسلام و امتهای قبلی را بدانند.
- برخی از دلایل فضل و رحمت خداوند ﷻ برای مؤمنان در روزه ماه مبارک رمضان را بیاموزند.
- در باره جایگاه و فرضیت روزه ماه مبارک رمضان در روشنائی درس توضیح داده بتوانند.

دانش لازمی

معنی لغوی صوم امساک یعنی خودداری و کناره گیری است و در اصطلاح شرع صوم عبارت از خودداری و کناره گیری از خوردن، نوشیدن و مباشرت با زن از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب به طور دائم و مسلسل می باشد که درین مدت نیت روزه را نیز داشته باشد و اگر کسی به همین ترتیب در تمام روز از این چیزها با احتیاط کامل پرهیز کرد اما نیت روزه را نکرده باشد پس این خودداری، روزه محسوب نمی شود و این روزه صحیح نیست. حکم فرضیت روزه با یک مثال خاصی به مسلمانان اعلام گردید که این فرضیت مختص و منحصر به شما نیست بلکه برای امتهای گذشته هم بوده است، از این عبارت هم اهمیت فوق العاده روزه معلوم می شود و هم برای دلجویی مسلمانان خاطر نشان می نماید که اگر چه روزه گرفتن کاری بس مشکل است اما این مشکل را مردم گذشته پیش از شما تحمل کرده اند و این طبیعی است که هرگاه همه مردم گرفتار مشکلی واحد باشند آن مشکل آسان به نظر می رسد. البته ناگفته نباید گذاشت روزه مسلمانان با امتهای گذشته از نظر احوال و صفات از جمله تعداد روزها، زمان و اوقات آن فرق دارد.

﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ به این مطلب اشاره دارد که روزه در تحصیل تقوا تأثیر عمیقی دارد زیرا به سبب آن هواهای نفسانی تحت کنترل در می آیند و اساس تقوا همین کنترل نمودن خواهشهای نفسانی است.

﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا﴾ مراد از مریض آن مریض است که به سبب گرفتن روزه دچار مشقت غیر قابل تحمل می شود یا بیماری او به احتمال قوی شدت پیدا می کند و در آیت بعدی ﴿وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ اشاره به همین موضوع دارد.

﴿أَوْ عَلَى سَفَرٍ﴾ در اینجا به جای سفر لفظ ﴿عَلَى سَفَرٍ﴾ اختیار فرموده یعنی مسافر در راه سفر طولانی قرار گیرد (در جریان سفر باشد). اما تعیین نمودن اینکه حدود مسافت چقدر باشد در الفاظ قرآن بیان نشده است ولی با توجه به بیان آنحضرت ﷺ و تعامل صحابه، امام ابو حنیفه رحمه الله و بسیاری از فقهاء مسافت آن را سه منزل یعنی آن مسافتی که پیاده بتواند آنرا تا سه روز به آسانی بپیماید، مقرر کرده اند و فقهای بعدی بر مقیاس میل آنرا چهل میل دانسته اند.

﴿فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ در اینجا آوردن جمله (فعليه القضاء) کافی بود اما بجای آن ﴿فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ بکار رفته و به این موضوع اشاره شده که قضای روزه فوت شده بر مریض و مسافر در صورتی واجب می شود که مریض بعد از تندرستی و مسافر بعد از اقامت به اندازه همان روزهای فوت شده فرصت بیابد تا بتواند آن روزها را قضا بیاورد پس اگر کسی قبل

از صحت و اقامت به اندازه روزهای فوت شده بمیرد قضای روزه یا وصیت برای پرداخت فدیة آن بر او واجب نمی‌باشد.

﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ معنای ساده آیه همان است که کسانی مانند مریض یا مسافر که از روزه گرفتن معذور نیستند بلکه می‌توانند روزه بگیرند؛ اما بنا به دلایلی نمی‌خواهند روزه بگیرند پس آنان نیز این اختیار را دارند که بجای روزه گرفتن فدیة روزه را به صورت صدقه ادا کنند.

البته با این الفاظ نیز به آنان خطاب فرمود: ﴿وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ یعنی با وجود این باز هم برای شما بهتر است که روزه بگیرید.

این حکم در بدو اسلام و در زمانی بود که هدف عادت دادن مردم به گرفتن روزه بود ولی با نزول آیه ۱۸۵ ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ در حق عموم مردم منسوخ شد و فقط در حق افراد بسیار سالخورده و ناتوان هنوز باقی است.

و همچنین در حق بیماری که امید به صحت آن نباشد طبق قول تمام صحابه و تابعین نیز باقی و نافذ می‌باشد.

مقدار فدیة: فدیة یک روز روزه ماه رمضان نصف صاع گندم یا قیمت آن است و در مقیاس با سیر تقریباً یک بر چهارم حصه سیر می‌باشد که با محاسبه قیمت آن با نرخ رایج در بازار آن را به فقیر یا مسکین به طور تملیک بدهد و اگر این فدیة را به خادم مسجد و یا مدرس مدرسه دینی می‌دهد به شرطی جایز است که قصد پاداش خدمت او نباشد. مهمترین فضیلت آنست که قرآن در همین ماه «رمضان» نازل شده است طوری که از آنحضرت ﷺ نقل شده که صحیفه‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در روز اول و تورات در روز ششم و انجیل در سیزدهم و قرآن در بیست و چهارم رمضان نازل شده است و در روایت دیگر آمده است که زبور در دوازدهم و انجیل در هژدهم رمضان نازل شده است.

البته باید دانست که قرآن در رمضان و در شب قدر از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل گردید و از آن جایگاه به تدریج ظرف بیست و سه سال بر آنحضرت ﷺ نازل شد^(۱).

روش تدریس: گروهی، مباحثه، توضیح و تشریح.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	<p>- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می‌کنند البته با طرح چنین سؤال:</p> <p>- کی می‌تواند بگوید که جهاد بر مسلمانان چرا فرض گردید.</p> <p>- معلم محترم آیات متبرکه سورة بقره را که در این درس آمده است بالای شاگردان تلاوت می‌نماید و اشتباهات تجویدی شان را اصلاح می‌نماید.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.</p> <p>- سپس در مورد ترجمه و تفسیر (فرضیت روزه) توضیح و تشریح مختصر می‌دهد.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را وظیفه می‌دهد تا در مورد عنوان جانبی «آسانی احکام دین اسلام» با هم مباحثه</p>

^۱: معارف القرآن، جلد اول.

نمایند.

سپس از چند شاگرد می‌خواهد تا پیش روی صنف آمده نتیجه بحث شانرا بیان نمایند؛ همچنان به سؤالات همصنفیان جواب بدهند.

- از شاگردان می‌خواهد تا در مورد عنوان جانبی «منزلت روزه داران در نزد خداوند ﷻ» تشریح بدهند و اگر در جریان تشریح به مشکل برخوردند معلم آنها را کمک می‌کند، و در اخیر توضیحات لازم را مختصراً آرایه دارد.

- شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده و به آنها عنوان جانبی «روزه و قبول دعا» را تقسیم می‌نماید تا آنها بین خود کار نمایند، سپس نماینده هر گروپ را پیش روی صنف خواسته تا نتیجه کارشان را بازگو کنند، تشویق و همکاری صورت گیرد.

خلاصه درس

- خداوند ﷻ ماه رمضان را بهترین ماه‌ها گردانید و قرآن کریم را در این ماه نازل نمود.
- این فریضه تنها برای امت اسلام (امت محمد ﷺ) فرض نبوده بلکه برای امت‌های پیشین نیز فرض گردیده بود، پس هر حکمی که عمومیت داشته باشد اجرای آن نیز آسان خواهد بود.
- مشقت و تکلیف گرفتن روزه را از سر مسافران و مریضان برطرف ساخته، ادای آن را برای روزهای راحت و آسودگی شان مبدل گردانید.

ارزیابی

- کی می‌تواند بگوید که دعا چه وقت قبول می‌شود؟
- کی می‌تواند بگوید که فرق میان روزه در دین مبین اسلام و امت‌های قبلی چه بود؟
- در مورد جایگاه و فرضیت روزه ماه مبارک رمضان کی می‌تواند اظهار نظر نماید؟

کارخانه گي

با استفاده از کارخانگی داده شده در کتاب برای شاگردان کارخانگی می‌دهد.

درس دوازدهم

عنوان: حج یا کنگره جهانی مؤمنان

صفحه: ۵۷

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بدانند کعبه و بیت الله الحرام باید پاکیزه نگهداشته شود.
- این موضوع را بفهمند که: کعبه برای طواف کننده گان و نماز گزاران آماده گردیده است.
- بیاموزند که: کعبه شریف در صورتی که دچار شکستگی و خرابی گردد باید تعمیر شود.

دانش لازمی

حج کنگره جهانی مؤمنان

آیاتی که در ابتدای درس دوازدهم آمده مربوط سوره حج می باشد.

آغاز بنای بیت الله: در روایات آمده است که ابراهیم علیه السلام از سرزمین شام بدانجا (مکه مکرمه) هجرت نموده بود و در (مکان البیت) اشاره به این است که بیت الله پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام وجود داشته است، چنانکه در روایات معتبر وارد شده است که بنای قبلی او پیش از فرود آمدن آدم به زمین یا همراه با او بوده است و آدم علیه السلام و انبیای بعد از او بیت الله را طواف می کردند و در زمان توفان نوح علیه السلام ساختمان آن برچیده شد، اما اساس و جای معین آن موجود بود که حضرت ابراهیم علیه السلام در آنجا مسکن گزین شد.

بعد از آمدن ابراهیم علیه السلام به مکه به او دستور رسید که «أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا» [الحج: ۲۶ - ۳۰] یعنی در عبادت من کسی را شریک نساز، ظاهر است که از حضرت ابراهیم احتمال شرک نمی رفت زیرا وقایع بت شکنی و مقابله با بت پرستان و سخت ترین آزمایش در این باره از او قبلاً بیان شده بود؛ لذا مراد آن عام است به همه مردم که از شرک پرهیز کنند.

در ادای حج منافع دینی بی شماری وجود دارند و منافع دنیوی بسیاری هم مشاهده می گردد، حد اقل این امر خود قابل تعجب و حیرت است که در سفر حج مبالغ هنگفت و زیادی مصرف می گردد، اما در تاریخ جهان هیچ واقعه را سراغ نداریم که کسی به سبب مخارج حج و عمره فقیر و محتاج شده باشد، اما در هزینه کارهای دیگر مانند مراسم عروسی، تعمیر منازل که هزاران تن از مردم فقیر و محتاج شده اند بر عکس این ویژگی حج است که فقر و افلاس را برطرف می کند.

نکته: خدا جز در مسجد الحرام هیچ کس را به مجرد قصد گناه و نافرمانی، مؤاخذه و محاسبه نمی کند؛ چون مسجد الحرام مکانی است مقدس که باید انسان در آن با قلب آکنده از خلوص و پاکی و پرهیزگاری حضور داشته باشد و نهادش از هر لکه و میل به گناهی پاک باشد، پس هر کس حرمت ملکش را نقض کند مستحق عذاب دردناک دوزخ است^(۱).

^۱: معارف القرآن و صفوة التفاسیر.

روش تدریس:

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	<p>- معلم محترم بعد از مسائل مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می‌کند.</p> <p>- آیات متبرکه سورۃ حج را که در این درس ذکر گردیده بالای شاگردان تلاوت نموده و اشتباهات شانرا در تجوید و تلفظ حروف اصلاح می‌نماید.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را هدایت می‌دهد تا متن درس را خاموشانه مطالعه نمایند.</p> <p>- سپس شاگردان ضعیف را پیش روی تخته خواسته کلمات مشکل آیات متبرکه را که در درس (قبل از ترجمه) موجود است بروی تخته بنویسند و از چند شاگرد ضعیف دیگر می‌خواهد تا حرکات و معانی آن کلمات را بنویسند.</p> <p>- معلم مختصراً به توضیح ترجمه آیات شریف می‌پردازد.</p> <p>- سپس شاگردان را وظیفه می‌دهد تا در مورد تفسیر و عنوان جانبی «اساس و مقصد بنای کعبه» با هم مباحثه نموده و تبادل نظر نمایند.</p> <p>- بعداً به نماینده‌گی از شاگردان چند شاگرد را پیش روی صنف خواسته و از آنها می‌خواهد تا نتایج بحث شان را به نوبت بیان نمایند، همکاری و تشویق صورت می‌گیرد.</p> <p>- سپس معلم خودش توضیحات لازمه را در مورد عنوان جانبی «حج موسم خیر و برکت» داده اگر شاگردان سؤالاتی در این بخش درس داشتند با حوصله مندی کامل جواب شاگردان را می‌دهد.</p> <p>خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none">• وجوب تعمیر کعبه در صورتیکه دچار شکستگی و خرابی گردد.• کعبه شریف باید پاکیزه نگهداری شود، و برای طواف کننده گان و نماز گزاران آماده گردد، و از هر گونه شرک و گناه و جنگ و جدال در امان باشد.• در سفر حج و موسم حج تجارت جواز دارد.• وجوب شکر و ذکر خداوند ﷻ در حج.• مسلمانان با ادای فریضه حج منافع بزرگ و متعدد دینی و دنیوی را کمایی می‌کنند. <p>ارزیابی</p> <p>کی می‌تواند در مورد کلمات: «بَوَّانَا، وَأَذِّنْ، رَجَالًا، ضَامِرٍ، فَجَّ عَمِيقٍ، ثُمَّ لِيَقْضُوا» توضیحات بدهد؟</p> <ul style="list-style-type: none">▪ کعبه مشرفه را چه کسی بنا نمود؟▪ کی می‌تواند برخی فواید و منافع دینی و دنیایی حج را شرح کند؟▪ ارکان حج را کدام یک از شماها نام گرفته می‌تواند؟ <p>کارخانه‌گی</p> <p>با استفاده از کتاب درسی شاگردان را کارخانه‌گی می‌دهد.</p>

- بیاموزند که عبادت تنها و تنها حق الله ﷻ است و نباید کسی یا چیزی را با خدا در عبادتش شریک ساخت.
- بدانند که: نیکی و احسان به والدین در آیات مبرکه قرآن که در این درس ذکر است بعد از توحید و عبادت خدا ﷻ ذکر شده که دلالت به اهمیت زیاد احترام و احسان به پدر و مادر می‌نماید.
- بفهمند که: خداوند ﷻ ریا و ریاکاران، فخر فروشی ناشی از غرور و تکبر را مذمت نموده و آنرا عمل زشت می‌داند.

دانش لازمی

آیاتی که درین درس آمده وحدانیت خدا، حقوق والدین، خویشاوندان، همسایگان و عموم مردم را بیان نموده است، این حقوق را کسی می‌تواند ادا کند که به خدا و رسول و قیامت به درستی معتقد باشد و از بخل، کبر و ریا اجتناب ورزد.

باید دانست که پیش از تفصیل حقوق، توحید و عبادت خدای تعالی ذکر گردیده: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶-۳۹] یعنی بنده‌گی خدا را به جا بیاورید و با او چیزی را در عبادت شریک نسازید، در ذکر کردن مبحث توحید و عبادت، پیش از بیان حقوق، حکمت‌های زیادی وجود دارد که از آن جمله یکی این است که کسی خوف و ترس از خدا نداشته باشد و احترام و اهتمام به حقوق خدا نکند از او برای رعایت حقوق دیگران چه توقع می‌رود؟ لذا مناسب است که قبل از حقوق والدین، خویشاوندان و سایرین، از اهمیت توحید و ارزش عبادت یادآوری شود. قابل ذکر است بعد از عبادت و توحید خدا ﷻ کلمه «احسان» به والدین آمده است یعنی بعد از الله ﷻ بیشتر احسان‌ها و نیکی‌ها بر انسان از جانب والدین می‌باشد.

حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه می‌فرماید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به من ده وصیت کرده که از آنجمله این است:

۱. با خدا کسی را شریک نگردان اگر چه کشته یا در آتش سوخته شوی.
 ۲. نافرمانی والدین و دل آزاری آنان را نکن اگر چه به تو دستور بدهند که اهل و مال را رها کنی ^(۱).
- در حدیث بخاری و مسلم آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی که بخواهد در رزق و عمر او برکت آید باید صله رحم به جای آورد؛ یعنی حقوق خویشاوندان را ادا نماید.
- حضرت سلمان بن عامر رضی الله عنه می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: صدقه بر عموم فقرا و مساکین تنها ثواب صدقه را می‌رساند؛ اما اگر به ذی رحم و خویشاوندان داده شود در آن دو ثواب است یکی ثواب صدقه، دوم ثواب صله رحمی؛ یعنی ادای حقوق خویشاوندان ^(۲).

^۱ - مسند احمد

^۲ - مسند احمد و ترمذی و نسائی

در آیت شریف بعد از اقارب، حقوق یتیم و فقیر بیان گردیده که امداد فرزندان بی سرپرست و بی وارث را هم دربر می گیرد.

سپس حقوق همسایه ذکر گردیده که مفسرین «جَارِ ذِي الْقُرْبَى» را همسایه نزدیک و متصل به خانه و «الْجَارِ الْجُنُبِ» و همسایه که در فاصله دورتر از خانه سکونت دارد، دانسته اند.

به تعقیب آن حقوق دوست و رفیق بیان گردیده است «وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» یعنی (رفیق هم پهلو) که در اینجا رفیق سفر هم داخل است که در قطار، هواپیما، سرویس همراه تو بنشیند همچنان در مجلس یا سفر همراه شخص باشد خواه مسلمان باشد خواه غیر مسلمان همچنان خویش و بیگانه با هم برابر اند.

کمترین خدمت آنست که شخص بکوشد تا از گفتار و کردارش هیچ آزاری به آنان نرسد و آداب همنشینی را کاملاً رعایت کند.

بعضی از مفسرین شریک کسب و کار و همکاران وظیفه را نیز در «وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ» داخل دانسته اند.

سپس حقوق مسافر بیان گردیده است «وَابْنِ السَّبِيلِ» یعنی مسافر مراد شخص مسافر است که پیش کس بیاید یا مهمان شود به ویژه کسی که بیگانه و نا آشنا باشد باید مطابق دستورات قرآنی حقوق لازم او را به جا آورده و مطابق توانایی با حسن سلوک با وی رفتار نماید.

بعداً حقوق غلام و کنیز ذکر گردیده است «وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» اگر چه مدلول صریح آیه غلام و کنیزان مملوک اند اما بنا بر اشتراک علت و فرمان نبوی ﷺ این احکام حاوی خادمان و مستخدمان هم هستند که آنان هم حق دارند که در پرداخت ماهیانه، مقرری و خوراک و غیره قصور و درنگ نکنند و بالاتر از قدرت شان کار نگیرند.

در آخر آیت خداوند ﷻ می فرماید «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» یعنی الله ﷻ چنان شخصی را که مکبر و خودستا باشد دوست نمی دارد، این جمله آخر آیت تکمیل کننده تمام فرمایش های گذشته است که به حقوق شان تاکید گردیده بود.

در وعید تکبر و تفاخر حدیثی از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ فرمود آن کس در جهنم (برای همیشه) نمی رود که در دل او به قدر دانه اسپند ایمان باشد و در جنت چنین کسی نمی تواند برود که در دل به قدر دانه اسپند کبر داشته باشد^(۱).

روش تدریس: مطالعه خاموشانه، تشریحی و مباحثی.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت ها
	<p>- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می کند.</p> <p>- آیات متبرکه سورة النساء را که در این درس ذکر است بالای شاگردان قرائت نموده و اشتباهات شانرا از نگاه تجوید و تلفظ حروف اصلاح می کند.</p> <p>- سپس به شاگردان هدایت می دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند، حین مطالعه خاموشانه به شاگردان</p>

^۱: معارف القرآن، جلد سوم.

وقت مناسب و کافی می‌دهد.

- از شاگردان می‌خواهد تا داوطلبانه آنچه که از مطالعه خاموشانه در ترجمه و تفسیر برداشت نموده اند به زبان ساده مختصراً بیان نمایند، همکاری و تشویق صورت می‌گیرد.

- شاگردان با رهنمایی معلم در باره انواع همسایگان و حقوق هر یک آنها از دیدگاه اسلام بحث نموده و پیش روی صنف تشریح کنند.

- معلم شاگردان را هدایت می‌دهد تا با وی در مورد عنوان جانبی «زشتی بخل و تکبر» مباحثه و تبادل نظر نمایند و اگر شاگردان سؤالاتی راجع به این موضوع پرسیدند معلم محترم با حوصله مندی جواب می‌دهد.

خلاصه درس

• عبادت تنها و تنها حق الله ﷻ است و نباید کسی یا چیزی را با خداوند ﷻ در عبادت شریک ساخت.

• احسان و نیکی به والدین در این آیت و آیات دیگر قرآن پس از توحید و عبادت خداوند ﷻ ذکر شده که دلالت به اهمیت زیاد و احترام و احسان به پدر و مادر می‌نماید.

• نیکی به دیگران وجیهه و مکلفیت شرعی هر مسلمان است.

• خداوند ﷻ فخر فروشی و تکبر، ریاکاری و همنشینی با بدان را مذمت نموده و زشت می‌انگارد.

ارزیابی

- کی می‌تواند بگوید که مراد از ریاکاران که در آیات فوق ذکر گردیده چه کسانی اند؟
- آیت اول این درس مسلمانان را به ادای ده حق امر نموده است این ده حق کدامها اند؟
- در آیات فوق، شیطان، همنشین کدام مردمان معرفی گردیده است؟

کارخانه‌گی

معلم کارخانه‌گی داده شده در کتاب را به شاگردان کارخانه‌گی می‌دهد.

درس چهاردهم

عنوان: استفاده از رزق حلال و اجتناب از حرام

صفحه: ۶۵

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بدانند که خون حرام چگونه خون است؟
- رزق حلال را بشناسند.
- فرق بین حلال و حرام را کرده بتوانند.
- بفهمند که دو خون و دو خود مرده در اسلام حلال است.

دانش لازمی

در آیات مذکور طوری که از طعام حرام ممانعت شده به خوردن چیزهای حلال و شکر گزاری بر آنها ترغیب شده است؛ زیرا همانگونه که بر اثر خوردن غذای حرام در وجود انسان اخلاق رذیله به وجود می‌آید که به دنبال آن لذت عبادت از بین می‌رود و دعا مستجاب نمی‌گردد، همچنین از خوردن طعام حلال نور ایمان در شخص پدید می‌آید و به موجب آن از اخلاق نکوهیده احساس نفرت می‌کند و به کسب اخلاق حسنه علاقه مند می‌شود و به هنگام عبادت احساس آرامش می‌کند و قلبش از ارتکاب گناه به لرزه در می‌آید و دعاهایش به دربار خداوند جل جلاله پذیرفته می‌شود، به همین سبب است که خداوند جل جلاله در سوره مؤمنون به همه پیامبران علیهم السلام توصیه فرموده است ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ [الانبیاء: ۱۷۲ - ۱۷۶] ترجمه: ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و اعمال شایسته انجام دهید. پس معلوم شد که استفاده از روزی حلال بسیار اثر ارزنده و مهم در انجام افعال نیکو دارد و به پذیرش دعا کمک می‌کند ولی خوردن از راههای حرام مانع اجابت دعا خواهد شد.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید «اشخاص زیادی هستند که هنگام سفر در حالت پریشانی دست دعا بلند می‌سازند و یا رب، یا رب می‌گویند در حالیکه تمام خوراک و پوشاک و نوشیدنی آنان از راههای نامشروع و حرام به دست آمده، پس آیا با چنین وضع دعای شان پذیرفته می‌شود؟

در آیات درس چهاردهم چهار چیز حرام گردیده که عبارت اند از:

۱. میتة (خود مرده): مراد حیوانی است که بدون ذبح خود به خود بمیرد یا خفه شود و یا هم به طریق دیگری زده و کشته شود (میتة) نامیده می‌شود و حرام است به استثناء حیوانات دریایی که در آیت «۹۶» سوره مائده ذکر گردیده، همچنان بنا بر احادیث صحیح ماهی و ملخ از (میتة) مستثنی شده حلال به شمار آمده اند.
۲. خون: چیز دیگری که در این آیه حرام قرار داده شده خون است اگر چه لفظ دم در آیه به معنای خون است اما در آیه ۱۴۵ سوره انعام ﴿أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا﴾ آمده که به معنای خون جاری و روان می‌باشد.
۳. خنزیر: چیز سومی که در این آیه حرام گردانیده شده گوشت خنزیر (خوک) است، در این آیه در رابطه با حرمت خنزیر قید لحم ذکر شده است، امام قرطبی فرموده است که هدف از آن تخصیص لحم یعنی فقط گوشت نیست؛ زیرا تمام اجزای آن: استخوان، پوست، موی، رگ و پی همه به اتفاق امت اسلامی حرام اند؛ اما

اضافه کردن لفظ لحم اشاره دارد به این که خوک مانند حیوانات دیگر نیست که به وسیله ذبح پاک گردد و بدون ذبح خوردنش حرام باشد؛ بلکه گوشت آن با ذبح هم پاک نمی‌شود زیرا که خنزیر نجس العین است فقط استفاده از موی آن برای دوختن پوست در احادیث مجاز قرار گرفته است که تمام فقهای امت هم بر این اتفاق نظر دارند.

۴. ﴿وَمَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾ حیوانی که هنگام ذبح بر آن نام غیر خدا خوانده شود.

چهارمین چیزی که در این آیه حرام قرار داده شده، آن حیوانی است که برای غیر الله نامزد گردد و برای تقرب غیر الله ذبح شود و به هنگام ذبح اسم همان غیر الله برده شود که به اتفاق و اجماع امت حرام و آن حیوان مردار است و استفاده از هیچ جزء آن جایز نیست^(۱).

روش تدریس: مطالعه خاموشانه، توضیح و تشریح، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی ارزیابی درس گذشته می‌پردازد.</p> <p>- آیات شریف سورة بقره را که در این درس آمده است بالای شاگردان تلاوت می‌نماید و اشتباهاتی که در تجوید داشتند آنرا اصلاح می‌نماید.</p> <p>- به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند.</p> <p>- بعد از آن از شاگردان می‌خواهد تا داوطلبانه آنچه را که از ترجمه آیات شریف آموخته اند بیان نمایند همکاری و تشویق صورت می‌گیرد.</p> <p>- سه شاگرد ضعیف را وظیفه می‌دهد تا به نوبت پیش روی تخته آمده یکی از آنها کلمات مشکل را که از آیات بیرون آورده شده بنویسند، بعد از آن از شاگرد دوم می‌خواهد تا همان کلمات را حرکات بدهد. و بالاخره از شاگرد سومی می‌خواهد تا معنای همان کلمات را در مقابل آنها بنویسد.</p> <p>- شاگردان را هدایت می‌دهد تا در مورد «تفسیر» آیات این درس با هم مباحثه نمایند، بعد دادن وقت کافی به مباحثه؛ چند شاگرد را به نمایندگی از شاگردان پیش روی صنف خواسته و نتیجه بحث شان را بیان کنند.</p> <p>همچنان معلم خودش بعد از کمک و همکاری با شاگردان توضیحات لازم را می‌دهد.</p> <p>خلاصه</p> <ul style="list-style-type: none"> • خداوند ﷻ نعمتهای خود را بر بنده گانش ارزانی فرموده تا از آن به حیث روزی حلال و پاکیزه استفاده نمایند و شکر و ثنای پروردگار خویش را بجا آورند. • (المیته) و یا خود مرده عبارت از حیوانی است که بدون ذبح و یا خود مرده باشد؛ البته مرده حیوان خفه شده، کوبیده شده افتیده از بلندی و غیره نیز در جمله حیوان خود مرده شامل می‌باشد. • دو خود مرده و دو خون برای ما حلال است و آن عبارت از ماهی و ملخ، جگر و تلی حیوانات

^۱: معارف القرآن، جلد دوم.

ذبح شده حلال.

- خون حرام عبارت از خون جاری حیوان زنده است و یا خونی که در اثر ذبح حیوان خارج شود؛ اما خون مخلوط با گوشت، حرام نیست و خوردن آن باکی ندارد.
- در وقت ضرورت و خطر مرگ استفاده از چیزهای حرام جواز دارد.
- استفاده از گوشت خوک، روغن، پوست و همه اجزای خنزیر حرام است.

ارزیابی

- چیزهایی که در آیه مبارکه حرام گفته شده کدام‌ها اند؟
- کدام حیوانات خود مرده از حکم (المیته) استثناء و حلال است با حدیث نبوی استدلال نمایید.
- مسلمان از کدام حالت و تحت کدام شرایط می‌تواند از چیزهای حرام استفاده نماید؟.

کارخانگی

شاگردان با استفاده از آیات و احادیث نبوی در روشنی تازه‌ترین حقایق علمی، ضررهای دینی، صحی، اقتصادی و اجتماعی چیزهای حرام را که در این درس ذکر است در کتابچه‌های شان یادداشت نمایند.

درس پانزدهم

عنوان: پاداش انفاق در راه خدا ﷺ

صفحه: ۶۹

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بیاموزند که خدا ﷻ کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می‌نماید.
- بفهمند که خداوند ﷻ شخص صدقه کننده همراه با منت را از جنت محروم ساخته است.
- شأن نزول آیه مبارکه ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ﴾ را تشریح کرده بتوانند.

دانش لازمی

انفاق در راه خدا

قرآن کریم خرج کردن در راه خدا را جایی با لفظ انفاق، و گاهی با لفظ اطعام، در جایی با لفظ صدقه و در جای دیگر به لفظ ایتاء الزکاة بیان فرموده است. با در نظر گرفتن الفاظ قرآنی و موارد استعمال آن معلوم می‌گردد که الفاظ انفاق، اطعام و صدقه عام هستند که حاوی همه اقسام صدقه و خیرات و هر نوع خرج کردن برای رضای خدا می‌باشند؛ برابر است که فرض و واجب باشند یا نفل و مستحب؛ و برای زکات فرض شده، قرآن فقط لفظ مشخص ایتاء الزکاة را به کار برده است که در آن اشاره به این است که در بدست آوردن و خرج کردن این صدقه شرایط خاصی مقرر گردیده است.

خداوند ﷻ در ابتدای آیتی که در این درس آمده می‌فرماید: آنانی که در راه خدا خرج می‌کنند یعنی در حج، جهاد یا به فقیران و مساکین، یتیمان و بیوه زنان و یا به نیت کمک کردن به خویشاوندان و دوستان خود مثالش مانند کسی است که یک دانه گندم را در زمین مناسبی بکارد و از آن دانه یک بوته گندم برآید که در آن هفت خوشه گندم پدید آید و در هر خوشه صد دانه گندم حاصل دهد که در نتیجه از یک دانه «۷۰۰» هفتصد دانه گندم به دست می‌آید. حضرت ابن عباس رضی الله عنه فرموده: ثواب خرج کردن یک درهم در حج و جهاد، برابر هفتصد درهم است. این روایت را ابن کثیر به حواله مسند امام احمد نقل فرموده است.

شرایط پذیرفته شدن صدقات:

۱. مالی که در راه خدا خرج می‌شود باید پاک و حلال باشد، زیرا در حدیث آمده که خداوند ﷻ علاوه بر مال پاک و حلال چیزی دیگر را نمی‌پذیرد.
 ۲. خرج کننده، نیت نیک و صالح داشته باشد؛ بد نیت و آن کسی که برای تظاهر و ریا انفاق می‌کند مانند دهقان بی خبری است که بذر را در زمینی بریزد که ضایع و خراب گردد.
 ۳. کسانی که مستحق انفاق می‌باشند، جستجو نموده و بر آنها مطابق سنت انفاق نماید تنها به خرج کردن مال و بیرون آوردن پول از جیب این فضیلت به دست نمی‌آید.
- ناگفته نباید گذاشت که شخص صدقه دهنده بالای صدقه گیرنده منت نگذارد، همچنان صدقه گیرنده را ذلیل و خوار تصور نکند و برخوردش با او قسمی نباشد که او خود را حقیر احساس کند یا به او اذیت و آزاری نرساند.

خلاصه تمام آیه این شد که بزرگترین شرط پذیرفته شدن صدقه به دربار خداوند ﷻ اخلاص است که فقط برای رضای خدا و خوشنودی او انفاق شود و هیچ گونه نام و شهرتی در آن دخالت نداشته باشد.

اگر به این آیت و آیات بعدی آن دقت نماییم معلوم می‌گردد که برای پذیرفته شدن صدقه و انفاق فی سبیل الله شش شرط وجود دارد و آن عبارت است از:

- ۱- حلال بودن آن مالی که در راه خدا انفاق می‌گردد.
 - ۲- خرج و انفاق آن موافق به دستور سنت باشد.
 - ۳- صرف در مصرف صحیح باشد.
 - ۴- پس از صدقه دادن به آن شخص که به او صدقه داده، منت نگذارد.
 - ۵- پس از مصرف چنین برخوردی نکند که از آن تحقیر کسانی پیش بیاید که بر آنها تصدق شده باشد.
 - ۶- آنچه انفاق می‌شود با اخلاص نیت فقط برای رضامندی و خوشنودی خدا باشد نه برای نام و مقام.
- در اخیر یک نکته مهم قابل ذکر است که محروم گردانیدن وارثان نیازمند و یا وقف و به صدقه دادن تمام اموال، خلاف تعلیم سنت است؛ باز برای خرج کردن در راه خدا ﷻ هزاران صورت و شکل وجود دارد طریقه سنت این است که با درنظر گرفتن اهمیت مصرف و شدت ضرورت، باید انتخاب گردد که عموماً انفاق کننده گان به این توجهی نمی‌کنند^(۱).

معنای کلمات

روش تدریس: مباحثه، گروهی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی کارخانگی درس گذشته را ارزیابی می‌کند.
۲۵ دقیقه	- کی می‌تواند بگوید که مراد از خون حرام کدام خون است؟
	- بعد از گرفتن پاسخ آیات متبرکه که سورة بقره را که در این درس آمده خودش تلاوت می‌نماید.
۲۵ دقیقه	- از شاگردان می‌خواهد تا داوطلبانه به نزد تخته آمده و کلمات مشکل آیات را که در کتاب بیرون نویس گردیده نوشته و بعد از آن شاگرد دیگر را وظیفه می‌دهد تا کلمات را حرکات بدهد، و شاگرد دیگر را هدایت می‌دهد تا معنای همان کلمات را بنویسد.
	- سپس شاگردان را به گروه‌های مناسب تقسیم نموده و به آنها وظیفه می‌دهد تا در مورد ترجمه و تفسیر این درس تبادل نظر نموده و کار نمایند، سپس نماینده‌های هر گروه را پیش روی صنف خواسته و از آنان می‌خواهد تا فشرده کار گروهی خود را بازگو کنند، همکاری و تشویق صورت می‌گیرد.
	- به شاگردان باز هم هدایت می‌دهد تا به شکل دو نفری در مورد عنوان جانبی «اجر مضاعف انفاق در راه خدا ﷻ» با هم بحث و گفتگو نمایند، و نتیجه بحث را از چند شاگرد به شکل نمونه می‌پرسد و اشتباهات شانرا اصلاح می‌نماید.

^۱: معارف القرآن، جلد دوم.

- همچنان در مورد عنوان جانبی «منت و اذیت، انفاق را باطل می‌سازد» توضیحات لازم را می‌دهد و اگر شاگردان کدام سؤالی داشتند با حوصله مندی کامل جواب می‌دهد و در ضمن نظریات شاگردان را نیز در رابطه به موضوع فوق می‌شنود.

■ خلاصه درس

■ صدقه و انفاق که همراه با ریا، منت و اذیت باشد باطل است.
هر گاه صدقه و انفاق با نیت خالص، از قلب سالم، از نفس پاک و از مال حلال بیرون شود و در جای مناسب آن گذاشته شود، بدون شک اجر و ثواب آن چندین برابر، بلکه بی حساب خواهد بود؛ زیرا که فضل و احسان و بخشش خداوند ﷻ حدودی ندارد.

ارزیابی

۵ دقیقه

- کی می‌تواند کلمات و مفردات زیر را معنا و توضیح کند؟
«يُضَاعِفُ، مَنًّا، مَغْفِرَةً، وَابِلٌ، صِلْدًا، صَفْوَانٌ».
- کی می‌تواند بگوید که در مقابل فقیر و سؤال کننده چگونه رویه داشته باشیم؟
- خداوند ﷻ کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می‌کند؟
- در آیه اخیر این درس صدقه همراه با منت و اذیت چگونه تشبیه گردیده است؟

درس شانزدهم

عنوان: مساوات انسانی در قرآن کریم

صفحه: ۷۴-۷۷.

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- ترجمه آیات درس را درست بفهمند.
- نعمت ایمان و اسلام را بدانند.
- مساوات انسانی را دانسته و مطابق به آن عمل کنند.

دانش لازمی

در آیت اول این درس تعلیم جامعی در رابطه با مساوات انسانی داده شده تا هیچ کسی دیگری را از خود ذلیل تر و کمتر نپندارد، لذا فرمود: تمام مردم از یک پدر و مادر متولد شده اند و از این جهت با یکدیگر برادرند و تفاوتی که خدا ﷻ در خاندان، قبیله، ثروت یا مال مقرر کرده است برای تفاخر نیست؛ بلکه به جهت تعارف و آشنایی می باشد.

شأن نزول: این آیت هنگام فتح مکه و در وقتی نازل شد که حضرت رسول گرامی ﷺ به حضرت بلال حبشی دستور داد که اذان بگوید، یکتا از قریش مکه که هنوز مسلمان نشده بود، گفت خدا را شکر که پدرم قبلاً وفات کرده و به دیدن این روز موفق نشد و حارث بن هشام گفت: آیا محمد ﷺ جز کلاغ سیاه کسی دیگر را نیافت که در مسجد الحرام اذان بگوید؟ ابو سفیان گفت من می ترسم چیزی بگویم؛ زیرا مالک آسمانها به او اطلاع می دهد، جبرئیل علیه السلام به خدمت رسید و آنحضرت ﷺ را از تمام ماجرا آگاه کرد، آنحضرت از آنها پرسید: شما چه گفتید؟ آنان به آنچه اتفاق افتاده بود اقرار کردند که در پی آن، این آیت نازل گردید و نشان داد که آنچه موجب فخر و عزت است، ایمان و تقوا است که شما از آن بی بهره هستید و حضرت بلال به آن آراسته است؛ لذا از شما اشرف و افضل می باشد^(۱).

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ در روز فتح مکه، بر ناقه خویش سوار شد و طواف نمود، (تا همه او را ببینند) و پس از طواف، خطابه ایراد نموده فرمود: «الحمد لله الذي أذهب عنكم عبية الجاهلية و تكبرها الناس رجالان: بر تقی کریم علی الله و فاجر شقی هین علی الله ثم تلا ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ﴾ [الحجرات/۱۳ - ۱۵].»

یعنی: خدا را شکر می گویم که رسوم جاهلیت و کبر آن را از میان برداشت و اکنون همه مردم به دو صنف تقسیم می شوند: یکی نیک و متقی که در نزد خدا شریف و محترم می باشد، دومی فاجر و شقی که در نزد خدا ذلیل و خوار است؛ سپس این آیت را تلاوت نمود.

حضرت ابن عباس رضی الله عنهما فرموده است: عزت نزد مردم به واسطه مال و ثروت است و پیش خداوند متعال بنا بر تقواست. ﴿شُعُوبًا وَقَبَائِلًا﴾ شعوب جمع شعب است و گروه بزرگی که بر یک اصل جمع شوند به آنها شعب گفته می شود و در آن شعب قبایل و خاندان گوناگون وجود دارد و در زبان عربی برای خاندان بزرگ و قسمت های کوچک نامهای جداگانه وجود دارد که بزرگتر از همه شعب و کوچک تر از همه عشیره نامیده می شود.

قرآن کریم در این آیت این موضوع را روشن ساخته که خداوند ﷻ همه مردم را از یک پدر و مادر پدید آورده و با هم برادر قرار داده است، ولی تقسیم بندی آنها به اقوام و قبایل مبتنی بر این حکمت است که تعارف و شناخت مردم

^۱ - معارف القرآن جلد سیزدهم.

آسانتر گردد از ينرو ما می آموزيم که تقسيم بندی اقوام و قبایل به هيچ وجه مایه افتخار یا فخر فروشی نیست بلکه معیار نزد خداوند ﷻ تقوا است و بس^(۱).

معنای کلمات:

روش تدریس: مطالعه خاموشانه، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	<p>- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می کند.</p> <p>- کی می تواند که شأن نزول آیات درس گذشته را بگوید؟</p> <p>- کی گفته می تواند که خداوند ﷻ کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می کند؟</p> <p>- معلم محترم عنوان درس جدید را با خط درشت و برجسته روی تخته می نویسد و درس جدید را به نام خداوند ﷻ آغاز می کند، آیات شریف را یک بار با رعایت تجوید برای شاگردان قرائت نمونه ای می نماید بعد از آن از شاگردان می خواهد تا درس را به شکل خاموشانه بخوانند، در جریان خواندن آنها عناوین درس را روی تخته می نویسد ، سپس از یک شاگرد می خواهد تا متن درس را به آواز بلند بخواند.</p> <p>- معلم به تشریح و توضیح درس پرداخته و در مورد هر یک از عناوین جانبی «وحدت اصل بشرست» و «نعمت ایمان و اسلام» توضیحات لازم را به شکل موجز و فشرده ارایه می نماید و در آخر تشریح درس برای شاگردان وقت میدهد تا سؤال های شان را مطرح نمایند، سپس به پاسخ سؤالات می پردازد.</p> <p>- معلم دو شاگرد را انتخاب کرده و از آنها می خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و درس جدید را به اسلوب خویش تشریح کنند.</p> <p>خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> • تمام انسان ها از یک اصل واحد یعنی آدم و حوا آفریده شده اند. • انسان ها به شکل قبایل و گروه های مختلف آفریده شده اند تا یکدیگرشان را بشناسند. • همه انسان ها با هم برادر هستند و عزت و کرامت انسانی شان محفوظ است. • معیار برتری میان انسان ها تقوی و پرهیزگاری و اطاعت و پیروی از خدا و رسول می باشد. • ایمان نسبت به اسلام خاص است، و این دو مکمل یکدیگر اند و یکی بدون دیگری بسنده نمی کند. • افتخار به اصل و نسب حرام است. <p>ارزیابی</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ کی گفته می تواند که خداوند ﷻ انسان را از کدام اصل آفریده است. ▪ کی می تواند احادیث شریف که در درس خواندیم از حفظ بگوید؟ <p>کارخانه گی</p> <p>معلم محترم کارخانه گی کتاب درسی را برای شاگردان وظیفه می دهد.</p>

^۱: معارف القرآن، جلد سیزدهم.

- ترجمه درست آیات درس را بفهمند.
- صفات بندگان خاص خداوند ﷻ را بشناسند.
- احکام آیات درس را در زندگی خود عملی نمایند.

دانش لازمی

این درس به آیات اخیر سوره فرقان اختصاص یافته و موضوع این آیات بندگان مخلص خداوند ﷻ و وصف آنان است. خداوند ﷻ در این آیات صفات و ویژگی‌های بندگان واقعی خویش را که ایمان کامل دارند و در حرف و عمل، اخلاق و عادات خوشنودی خدا و رسول را مد نظر دارند و مطابق احکام شریعت اسلام، عمل می‌کنند بر می‌شمارد که شامل اوصاف ذیل می‌گردد:

- ۱- قرآن کریم چنین بندگان خاص را به «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» ملقب نموده که بزرگترین اعزاز آنها عبد و یا بنده بودن آنهاست. «عباد» جمع عبد و ترجمه آن بنده است که مملوک آقای خود باشد. کسی مستحق بنده‌گی خدا می‌شود که تمام عقاید، افکار و اراده وی تابع حکم الله متعال باشد.
 - ۲- صفت دوم این بنده گان خاص خدا این است که «يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» با تواضع بر روی زمین راه می‌روند نه با کبر و غرور، یعنی با اعتدال راه می‌روند، نه بسیار آهسته و نه بسیار به سرعت. روایت شده که حضرت عمر رضی الله عنه یک مرتبه جوانی را دید که خیلی آهسته راه می‌رفت، پرسید آیا تو مریض هستی؟ جوان گفت: نه خیر، عمر رضی الله عنه دره را برداشت و به او دستور داد تا با قوت راه برود.
 - ۳- صفت سوم بنده گان خاص این است که «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» و تیکه با جاهلی صحبت می‌کنند می‌گویند «سلام» مراد از سلام در این جا سلام عرفی نیست، بلکه سخن نیک و سالم است، بدون هیچگونه سخنی که در آن انتقام باشد.
 - ۴- صفت چهارم ایشان این است که «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» آنها شب‌ها را با سجده و قیام به بارگاه خداوند متعال می‌گذرانند، ترمذی از ابو امامه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود به «قیام اللیل» یعنی تهجد پایند باشید؛ زیرا آن عادت بندگان نیک خداست.
 - حضرت ابن عباس رضی الله عنهما فرمود هر کسیکه بعد از نماز عشاء دو رکعت یا بیش از دو رکعت نماز بخواند در حکم شب زنده دار در عبادت خدا، قرار می‌گیرد.
 - ۵- پنجمین صفت بنده گان خاص خدا این است که «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا» با وجود اینکه مقبولان بارگاه خدا و شب و روز مصروف عبادت و طاعت هستند بی‌خوف نمی‌نشینند و به بارگاه خدا دعا می‌کنند.
 - ۶- ششمین صفت ایشان این است که «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا» در هنگام انفاق مال از اسراف و خرج کردن بیجا و همچنان از بخیلی و کوتاهی کردن در مصرف مال پرهیز می‌کنند و در میان هر دو، راه اعتدال را پیش می‌گیرند.
- روش تدریس:** تشریحی، سؤال و جواب، گروهی، مباحثی.

وقت	فعالیت‌ها
	<p>- معلم محترم بعد از انجام موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با سؤال‌های زیر ارزیابی می‌کند:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کی می‌تواند فواید و آموختنی‌های درس گذشته را از بر بگوید؟ - کی می‌تواند احادیث ذکر شده در درس گذشته را با ترجمه آن بیان دارد؟ <p>معیار فضیلت و برتری انسان‌ها در چیست؟</p> <p>- معلم عنوان درس جدید را با خط برجسته روی تخته نوشته و به نام خداوند ﷻ آغاز می‌کند، نخست آیات را یک مرتبه به شکل نمونه ای قرائت می‌کند.</p> <p>بعداً از دو شاگرد می‌خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و آیات را با رعایت تجوید مطابق قرائت نمونه‌ی معلم قرائت نموده و متن درس را به آواز مناسب بخوانند، در جریان خواندن آنها عناوین جانبی و نکات مهم و کلیدی درس را روی تخته می‌نویسد، سپس از یک شاگرد می‌خواهد تا پیش روی صنف آمده و برداشت خود از درس را به شکل فشرده به هم‌صنفیان خود بگوید.</p> <p>- معلم محترم به تشریح و توضیح درس پرداخته و نکات کلیدی و اساسی درس جدید را برای آنها بازگو می‌نماید.</p> <p>- معلم محترم شاگردان را دو گروه تقسیم نموده و به آنها هدایت می‌دهد تا هر گروه در بین افراد خود پیرامون راه رفتن به تکبر و غرور و یا عاجزی و تظاهر بحث و گفتگو نمایند.</p> <p>در اخیر از نماینده هر گروه می‌خواهد تا نتیجه بحث را پیش روی صنف برای هم‌صنفیان خود بگویند.</p> <p>خلاصه درس</p> <ul style="list-style-type: none"> • صفات بندگان خاص خداوند ﷻ عبارت است از: • به خداوند ﷻ شرک نمی‌ورزند. • در راه رفتن به تواضع و فروتنی راه می‌روند. • وقتی که مخاطب جاهلان قرار گیرند می‌گویند سلام بر شما. • به خدای خویش دعا می‌کنند و می‌گویند پروردگارا! آتش جهنم را از ما دور بگردان. • اسراف نمی‌کنند. • بخل نمی‌ورزند. • اعتدال و میانه روی را در همه کارهای خویش اختیار می‌کنند. • با مردم تعامل و برخورد نیک می‌کنند. • شب زنده داری نموده و شب را با دعا و نماز می‌گذرانند. <p>ارزیابی</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ کی می‌تواند که هشت صفت بنده گان خاص خداوند ﷻ را بیان دارد؟ ▪ کی می‌تواند آیه ﴿الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ را ترجمه نماید. ▪ کی می‌تواند سه فایده از فواید این درس را بگوید؟ <p>کارخانه گی</p> <p>معلم محترم مطابق کار خانگی داده شده در کتاب درسی به شاگردان وظیفه می‌دهد تا یک مقاله بنویسند.</p>

- ممنوعیت نظر کردن به نامحرم را بدانند.
- مفهوم حجاب اسلامی را بدانند و به آن عمل کنند.
- ترجمه درست آیات را یاد بگیرند.

دانش لازمی

آیتی که در این درس آمده مربوط سوره نور می باشد، سوره نور از جمله سوره های مدنی است که به احکام تشریعی و مسایل اخلاقی و رهنمودهای کلی خانواده می پردازد.

این سوره آداب و روش های را توضیح داده که مؤمنان در زندگی اجتماعی به آن پایبند باشند از جمله: اجازه گرفتن به هنگام ورود به منازل دیگران و نگهداری چشم در مقابل زنان نامحرم و حفظ فرج «شرمگاه» و حرام بودن آمیزش مردان با زنان نامحرم و بیگانه که خانواده مسلمان بر اساس این روشها پایه گذاری می شود.

سبب نزول: از حضرت علی علیه السلام روایت است که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله مردی در کوچه های مدینه از کنار زنی گذشت، مرد زن را نگاه کرد و زن هم او را نگاه کرد. در همان حال که مرد زن را نگاه می کرد به طرف دیواری راه می رفت، ناگهان با دیوار برخورد کرد و بینی اش خون آلود شد، مرد به خود گفت: به خدا تا به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله نروم و موضوع را به او نگویم، خون را نمی شویم، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و داستان را عرض کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این کیفر گناهت می باشد و پس از آن این آیه ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أُبْصَارِهِمْ﴾ ای محمد! به پیروان با ایمان بگو: از نگاه کردن به زنان بیگانه و نامحرم خودداری کنند؛ زیرا نگاه کردن بذر شهوت و هوس را در قلب می کارد و بسی از هوس ها اندوهی طولانی دارد. ﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ به آنها بگو که فرج «شرمگاه» خود را حفظ کنند، از زنا و نمایان کردن بدن اجتناب ورزند. ﴿ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾ نگهداری و حفظ فرج بر آنان پاکیزه تر است.

﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ خدا ناظر و عالم به اعمال آنهاست و یک ذره از احوال آنها بر او پنهان نمی شود بنابر این باید در نهان و آشکار از خدا بترسند.

در این رابطه حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده اند: «یقیناً اقوامی از امت خود را سراغ دارم که روز قیامت با کوه های از ثواب به بارگاه خدا حاضر می شوند، ولی خداوند جل جلاله اعمال آنان را مانند خاکستر برباد می دهد، آنها از برادران و خویشاوندان شما مسلمانان هستند و حتی شب را همچون شما زنده می دارند، اما چون تنها می شوند حرام و حلال خدا را رعایت نمی کنند»^(۱).

در آیت بعدی زنان با ایمان و مؤمن مورد خطاب قرار گرفته اند که چشم و فرج خود را حفظ کنند، مفسران گفته اند که: خدا برای زنان مؤمن حفظ فرج را به صورت مؤکد آورده است و از نشان دادن زیور و زینت خود جز به ذی محارم و خویشاوندان نزدیک منع شده اند.

^۱ - روایت از ابن ماجه

ابن مسعود گفته است زینت دو نوع است، زیوری که جز شوهر هیچ کس نباید آن را ببیند، مانند انگشتر و دستبند (چوری) و زیوری که نامحرمات نیز آن را می‌بینند.

زنان باید رو سری و یا چادر را بر سینه بکشند تا گردن و سینه نمایان نشود و زینتی را که خدا کشف آن را حرام کرده است، نمایان نکنند جز برای شوهران خود و جز در محضر پدران خود و پدران شوهر که این دو شامل محارمانند. ﴿أَوْ أَتْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَهُنَّ أَوْ إِخْوَانَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ﴾ بدین ترتیب خدا فرزندان زن و پسران شوهر که از زنی دیگر هستند و پسران برادر و خواهرش یعنی برادرزاده و خواهرزاده را نام برده که تمام اینها محرم اند و ازدواج با آنها حرام است.

﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ﴾ یا زنان مسلمان و همکیش خود، بدین ترتیب زنان کافر استثناء شده اند.

ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ عبارتند از زنان مسلمان.

پس نباید زینت خود را برای زن یهودی و یا نصرانی نمایان کند.

﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ یعنی کنیزان.

ابن جریر گفته است جایز است که زینتش را برای او نمایان کند چون کنیزش می‌باشد.

﴿أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ﴾ یا خدمتکاران مرد که تمایلی به هوس و نیازی به زنان ندارند.

مجاهد گفته است: مراد ابلهی است که خوراک می‌خواهد و به زن تمایلی ندارد.

﴿أَوْ الطِّفْلِ الذَّيْنِ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ یا اطفال صغیر که به حد هوس نرسیده اند و به سبب صغر سن (کم عمر بودن) از امور نزدیکی و مقاربت چیزی نمی‌دانند. پس اگر زن در حضور آنان زینت خود را نمایان کند گناهی ندارد.

﴿وَلَا يَضُرُّنَّ بَارِئُهُنَّ لِغُلَمٍ مَا يُخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ و پاهای خویش را به زمین نکوبند تا مردان صدای پای آنها را نشنوند و

انسان نا سالم به طمع نیفتد.

ابن عباس گفته است: زنی از کنار مردم می‌گذشت، پاها را به زمین می‌کوبید تا صدایش شنیده شود آنگاه خدا از چنان

عملی نهی کرد، زیرا از جمله اعمال شیطان است.

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ای مؤمنان با انجام دادن اوامر و دوری جستن از هوس‌ها به سوی خدا باز

آیید، تا به رضایت و خشنودی او نایل آیید و نیک بختی دو جهان را دریابید^(۱).

روش تدریس: تشریحی، سؤال و جواب، گروهی و مباحثی.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	<p>- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با پرسیدن چند سؤال ارزیابی می‌کند مثلاً:</p> <p>- کی می‌تواند چهار صفت از صفات بندگان خاص خداوند <small>ﷺ</small> را بگوید؟</p> <p>- کی می‌تواند دو فایده از فواید و آموختنی‌های درس گذشته را بگوید؟</p> <p>معلم عنوان درس جدید «نقش مؤمنان در نهضت جامعه» را به خط درشت و برجسته روی تخته نوشته</p>

^۱: صفوة النفاسیر، جلد سوم.

و درس جدید را به نام خداوند ﷻ آغاز می کند.

نخست آیات شریف را با رعایت تجوید برای شاگردان قرائت نمونه بی می نماید بعد از آن از یک شاگرد می خواهد تا متن درس جدید را با آواز مناسب برای همصنفیانش بخواند و به یک دانش آموز دیگر هدایت می دهد تا عناوین جانبی درس را روی تخته بنویسد.

- معلم محترم آیات شریف را برای شاگردان ترجمه نموده و متن درس را برای آنها تشریح می کند و پیرامون نظر کردن به نامحرم، زینت زنان و چه کسانی برای زن محرم اند به شکل فشرده معلومات می دهد.

سپس دو شاگرد را انتخاب نموده و از آنها می خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و یکی از عناوین جانبی درس را تشریح کنند.

- معلم محترم به شاگردان وقت می دهد تا سؤال های شان را مطرح سازند، نخست از بعضی شاگردان لایق صنف می خواهد تا به سؤال های پاسخ بگویند اگر آنها پاسخ گفته نتوانستند در آخر خودش پاسخ می گوید. معلم فعالیت کتاب درسی را که برای شاگردان در نظر گرفته شده بالای شاگردان به شکل عملی کار می نماید.

خلاصه درس

- خداوند متعال در آیات شریف ذکر شده در این درس زنا را حرام گردانیده است.
- خداوند متعال مسلمانان را به نگهداری چشم و خود داری از نظر کردن به نامحرم امر فرموده است.
- مهمترین حس که انسان را به سوی غرایز جنسی می کشاند حس باصره یا بینایی است.
- آیات مبارکه به زنان مسلمان دستور داده تا سر و گردن و سینه های خود را با چادرهای شان بپوشانند.
- آشکار ساختن زینت زنان برای محارم شرعی باکی ندارد.
- آیات مبارکه زنان مسلمان را از حرکت های که باعث آشکار شدن زینت شان میگردد درمیان نا محرمان منع کرده است.
- آیات مبارکه به زنان دستور داده تا هنگام بیرون رفتن از خانه، حشمت، وقار، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت کنند تا انظار دیگران را به خود جلب نکنند.
- آیات مبارکه مسلمانان را به رجوع و توبه دستور می دهد.
- خداوند ﷻ حجاب را بر زنان فرض گردانیده است.

ارزیابی

معلم جهت اطمینان خویش از یادگیری درس شاگردان را با پرسیدن سؤال های کتاب درسی ارزیابی می کند.

کارخانه گی

معلم محترم، شاگردان را به انجام کارخانگی کتاب درسی مکلف می سازد.

درس نهم

عنوان: منزلت مؤمنان معیوب و فقیر در اسلام

صفحه: ۸۸-۹۲.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- عبدالله بن ام مکتوم را بشناسند.
- ترجمه و مفهوم آیات را بدانند.
- جایگاه فقرا و بیچارگان در اسلام را بفهمند.

دانش لازمی

در مورد شأن نزول آیات مبارکه این درس روایت شده که روزی رسول الله ﷺ در حال دعوت سران مشرکین بود که ناگهان حضرت عبدالله بن ام مکتوم صحابی نابینا حاضر شد و چیزی سؤال کرد، آنحضرت ﷺ از اصرار عبدالله بن ام مکتوم قدری ناراحت شد و به او توجهی نکرد، در این وقت وحی خداوند جل جلاله نازل گردید: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْغَى * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى * أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى * فَأَن ت لَهُ تَصَدَّى * وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزْغَى * وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى * وَهُوَ يَخْشَى * فَأَن ت عَنْهُ تَلَهَّى * كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ * فَمَن شَاءَ ذَكَرْهُ * فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ * مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ [عبس: ۱-۱۶] پس از این هرگاه این نابینا به خدمت آنحضرت ﷺ می رسید آن جناب ﷺ او را نوازش می کرد.

در این مورد امام بغوی چنین نقل کرده که حضرت عبدالله بن ام مکتوم در اثر نابینایی که داشت متوجه نشد که آنحضرت ﷺ با دیگران صحبت می کند، در جلسه وارد شده آنحضرت ﷺ را صدا نمود و صدا را تکرار کرد.

در روایت ابن کثیر آمده است که او از آنحضرت ﷺ تقاضا نمود تا آیه ای از قرآن مجید را به او تعلیم بدهد و نسبت به پاسخ این سؤال اصرار فوری داشت درحالیکه رسول خدا مشغول به تبلیغ سران کفار مکه بود لذا پیغمبر ﷺ از اصرار وی ناراحت شد زیرا او از مسلمانان پخته بود و همیشه حاضر در صحنه بود، می توانست که در اوقات دیگر سؤال کند، برخلاف رؤسای قریش که آنها نه همیشه در خدمت حاضر می شدند و نه آنحضرت ﷺ می توانست همیشه کلمه الله را به گوش آنها برساند.

پس از اختتام جلسه، آیات سوره «عبس» نازل گردید و این روش پیغمبر ﷺ ناپسند قرار داده شد و آنجناب ﷺ مورد عتاب خداوند جل جلاله قرار گرفت.

در اینجا این امر قابل توجه است که شخصی از شما نسبت به تعلیم اصرار دارد مفید بودن به سؤال او یقینی است و مفید بودن صحبت با کسی که مخالف است و نمی خواهد با شما گفتگو کند، امر موهومی است و نباید امر موهوم بر امر یقینی ترجیح داده شود.

در اینجا این امر روشن است که برای رسول خدا ﷺ دو کار یکباره پیش آمد، تعلیم مسلمان و دلجویی او و رهنمایی غیر مسلمان و توجه به آن که در نتیجه، فرمان قرآنی روشن کرد که کار اول بر کار دوم مقدم است.

همچنان در این آیات هدایت و راهنمایی است برای آن دسته از علمایی که به جهت ازاله «دور ساختن» شبهات غیر مسلمانان و مأنوس گردانیدن آنها با اسلام کارهای می‌کنند که در قلوب عموم اهل ایمان شک پدید می‌آید، آنها باید طبق این هدایت قرآنی، حفظ و اصلاح حال مسلمانان را مقدم بدانند.

قرآن عذر حضرت عبدالله را که بر خلاف آداب مجلس برخورد نموده بود با لفظ (أعمی) بیان فرمود که او نابینا بود نمی‌دید و متوجه نبود که آنحضرت ﷺ در چه بحثی مشغول است و با چه کسانی گفتگو می‌نماید، لذا چون او معذور بوده و مستحق اعراض نبود.

همچنان علما و رهبران و پیشوایان را راهنمایی است که با افراد زیر دست خود یکنوع برخورد داشته و معیار در نزدشان تقوا و دانش باشد.

معانی کلمات

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثی.

وقت	فعالیت‌ها
	<p>- معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می‌کند؛ مثلاً:</p> <p>- کی گفته می‌تواند محارم زن چه کسانی اند؟</p> <p>- کی می‌تواند کلمه‌های «أزگی هُئَمْ، وَلَا يُبْدِیْنَ، حُمُرِهِنَّ» را بگوید.</p> <p>- مراد از زینت زنان چیست؟</p> <p>معلم محترم بعد از ارزیابی درس گذشته عنوان درس جدید را که «منزلت مؤمنان معیوب و فقیر در اسلام» است به خط برجسته و درشت می‌نویسد و درس جدید را با نام خداوند ﷻ آغاز نموده نخست آیات مبارکه را با رعایت تجوید برای شاگردان قرائت نمونه ای می‌نماید بعد از آن بالای یک شاگرد آیات را تکرار قرائت می‌کند، سپس به یک دانش آموز هدایت می‌دهد تا متن درس را به آواز مناسب بخواند و از یک دانش آموز دیگر می‌خواهد تا عناوین جانبی درس را به شکل زیر روی تخته بنویسد:</p> <p>- شأن نزول.</p> <p>- عبدالله بن ام مکتوم کی بود؟</p> <p>- معیارهای آسمانی و زمینی.</p> <p>- جایگاه فقرا و بیچارگان در اسلام.</p> <p>- فواید و آموختنی‌ها.</p> <p>بعد از آن از سه دانش آموز می‌خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و دو عنوان از عناوین جانبی را به شیوه و روش خود تشریح کنند.</p> <p>سپس معلم به تشریح و توضیح درس پرداخته و نکات اساسی و کلیدی درس را برای شاگردان بازگو می‌نماید، در اخیر به سؤال‌های آنها پاسخ می‌گوید.</p>

خلاصه درس

- نام اصلی عبدالله ابن ام مکتوم عمرو بن قیس بود او پسر مامای خدیجه علیها السلام بود، عبدالله ابن مکتوم از مؤذنان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در جنگ‌ها شرکت میکرد و در جنگ قادسیه شهید شد.
- انسان با معیارهای دینی سنجیده می‌شود نه با معیارهای بشری و زمینی.
- در این آیات پیامبر صلی الله علیه و آله مورد عتاب شدید خداوند جل جلاله قرار گرفته است.
- آیات مبارکه اساس فضیلت و برتری انسان‌ها را ایمان و تقوا قرار داده.
- پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیات همیشه عبدالله بن ام مکتوم را تکریم و تقدیر می‌نمود.
- پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از هجرت اصل برادری میان مسلمانان را ایجاد کرد.

۱۰ دقیقه

ارزیابی

معلم محترم با استفاده از سؤال‌های کتاب درسی، دانش آموزان عزیز را ارزیابی می‌نماید.

کارخانه‌گی

معلم به شاگردان وظیفه می‌دهد تا فواید و آموختنی‌های این درس را در کتابچه‌های شان نوشته و آنرا حفظ کنند.

درس بیستم

عنوان: وحدت و همبستگی مؤمنان

صفحه: ۹۲-۹۷.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- ترجمه و مفهوم آیات را بدانند.
- از دسایس و توطئه‌های دشمنان آگاهی حاصل نمایند.
- ریسمان نجات و رستگاری را دانسته و به آن عمل کنند.

دانش لازمی

در آیات این درس دو اصل مهم و دو رمز جهت کامیابی مسلمانان نشان داده شده که عبارت اند از:

۱. تقوا

۲. اتحاد.

اصل اول: تقوا

۱. **تقوا:** لفظ تقوی از نظر لغت عرب به معنای اجتناب و پرهیز است که به ترسیدن ترجمه می‌شود؛ زیرا آنچه دستور به اجتناب از آنها داده شده چیزهای ترسناکی هستند و یا در ارتکاب آنها خطر ابتلا به عذاب الهی است، تقوا درجاتی متفاوت دارد، پایین ترین درجه تقوا اجتناب از کفر و شرک است و با توجه به این معنی به هر مسلمان می‌توان متقی گفت اگر چه او آلوده به گناه باشد چنان که در چند جای قرآن لفظ «متقین» و «تقوی» به همین معنی به کار رفته است.

۲. درجه دوم تقوا اجتناب از اموری است که نزد خدا و رسول ﷺ ناپسند باشد و فضایل و برکاتی که در قرآن و حدیث برای تقوا وعده گردیده متعلق به این درجه تقوا می‌باشد.

۳. سومین درجه تقوا همان مقام والایی است که انبیاء علیهم السلام و اولیاء الله به آن نایل می‌گردند و آن عبارت است از: زدودن غیر الله از قلب و معمور نمودن آن به یاد خدا و رضای او و با اضافه نمودن ﴿حَقُّ ثِقَاتِهِ﴾ بعد از جمله «اتَّقُوا اللَّهَ» اشاره به آن است که آن درجه ای از تقوا را دریابید که حق تقوا است.

حضرت عبدالله بن مسعود، ربیع، قتاده و حسن بصری به روایت مرفوعی آن را چنین تعریف نموده اند:

﴿حَقُّ ثِقَاتِهِ﴾ هو أن يطاع فلا يعصى و يذكر فلا ينسى و يشكر فلا يكفر.

یعنی حق تقوا آن است که در هر کار از خدا اطاعت شود و هیچ کاری بر خلاف اطاعت او انجام نگیرد و او را همیشه یاد نموده فراموشش نکنند و همیشه شکر او را به جا آورند و ناسپاسی نکنند.

اصل دوم: اتحاد و دوری از اختلاف

در آیه دوم ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ به گونه بسیار بلیغ و حکیمانه نخست قانون ارتباط دسته جمعی و نسخه یکپارچگی انسانها را بیان فرموده به اتحاد دستور داده و از هر گونه تشتت و تفرقه بر حذر داشته است.

امروز ملت اسلامی در اثر عدم توجه به این اصل قرآنی، شکار تشّت و افتراق قرار گرفته اند؛ لذا خداوند ﷻ در آیه مذکور برای محو و نابودی مرض صعب العلاج افتراق و تشّت نسخه ای نشان می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ ریسمان خدا را همه با هم محکم بگیرید، که مراد از ریسمان خدا قرآن مجید است.

حضرت عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه نقل نموده که رسول الله ﷺ فرمود: «کتاب الله هو حبل الممدود من السماء إلى الأرض» «ابن کثیر». یعنی کتاب خدا ریسمان خدا است که از آسمان تا زمین آویزان است. و در روایت حضرت زید بن ارقم رضی الله عنه «حبل الله هو القرآن» آمده است.

نتیجه این شد که قرآن حکیم در این یک جمله چند اصول سازنده و حکیمانه ای تجویز فرموده، نخست اینکه بر هر فرد لازم است که با اخلاص تمام به قانون خدا یعنی قرآن شدیداً تمسک جسته بر آن عمل نماید. دوم اینکه چنان با اتحاد و اتفاق و سازماندهی بر آن عمل نمایند که همه گروه مسلمانان مانند یک پیکر واحد قرار گیرند.

تمسک به قرآن چیزی است که به وسیله آن نیروهای پراکنده جمع شده به ملت مرده روح دمیده می‌شود و با انحراف از آن، زنده گی ملی و اجتماعی برباد و تباه می‌گردد، سپس در زندگی انفرادی چیزی باقی نخواهد ماند ^(۱).

معنای کلمات:

روش تدریس: مطالعه خاموشانه، توضیحی و تشریحی.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر، تخته و تباشیر.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	<p>- معلم محترم بعد از انجام موضوعات مقدماتی درس گذشته با ارایه چند سؤال ارزیابی می‌کند مثلاً:</p> <p>- کی می‌تواند بگوید که عبدالله ابن ام مکتوم کی بود؟</p> <p>- کی می‌تواند شأن نزول آیات درس گذشته را توضیح دهد؟</p>
۲۵ دقیقه	<p>معلم محترم بعد از دریافت جواب‌ها عنوان درس جدید را با خط برجسته روی تخته نوشته و درس نو را با نام خدا ﷻ آغاز می‌کند، نخست آیات مبارکه را با رعایت تجوید بطور نمونه قرائت می‌نماید؛ سپس به شاگردان هدایت می‌دهد تا متن درس را به شکل خاموشانه بخوانند در جریان خواندن آنها عناوین جانبی و نکات مهم و کلیدی درس را روی تخته مینویسد بعداً از یک دانش آموز می‌خواهد تا پیش روی صنف آمده و برداشت خود از متن درس جدید را که مطالعه نموده است برای همصنفیانش بیان کند.</p> <p>- معلم محترم به توضیح و تشریح درس پرداخته و نکات مهم، اساسی و کلیدی درس را به شکل درست و فشرده برای دانش آموزان بیان می‌دارد.</p> <p>- معلم محترم پرسش‌های شاگردان را یادداشت نموده و به پاسخ آنها می‌پردازد بعداً از یک شاگرد می‌خواهد تا پیش روی صنف آمده و درس را به شکل خلاصه و به اسلوب خود تشریح کند.</p>

^۱: معارف القرآن، جلد سوم.

۵ دقیقه	<p>خلاصه</p> <ul style="list-style-type: none"> ■ آیات مبارکه در باره دو تن مسلمانان انصار هر یک اوس بن قبطی و جبار بن صخر نازل گردیده است. ■ برای مسلمانان معقول و سزاوار نیست که از سخنان یهود و نصارا پیروی کنند. ■ خداوند ﷻ به مؤمنان ارشاد فرموده: یگانه وسیله که آنها را از مکر و نیرنگ یهود و دشمنان شان محفوظ نگه میدارد رجوع به خداوند ﷻ، توکل به او تعالی و تمسک به دین شان است. ■ خداوند ﷻ مسلمانان را امر نموده که تنها از او بترسند و به دین اسلام پابند باشند. ■ مراد از رشته یا ریسمان خداوند دین خدا و کتاب او تعالی می باشد که تمسک به آنها باعث رستگاری می گردد. ■ تمسک و التزام به دین اسلام واجب و اختلاف و تفرقه حرام است.
	<p>ارزیابی</p> <p>معلم با استفاده از سؤال های کتاب درسی شاگردان را غرض اطمینان از یادگیری آنها ارزیابی می کند.</p> <p>کارخانه گی</p> <p>معلم محترم، شاگردان را به انجام کار خانه گی داده شده در کتاب درسی مکلف می سازد.</p>